

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۹۷، شنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۱ آوریل ۲۰۱۸

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیاها

در این شماره می خوانید:

- نامه رامین حسین پناهی زندانی سیاسی محکوم به اعدام...ص ۲
- موشک و مأمیانات؛ سیاست غرب در سوریه - منصور امان ...ص ۳
- اقتصاد امنیتی برای امنیت نظام و به ضرر کارگران - زینت میرهاشمی ...ص ۶
- معرفی کتاب/تصور کن، زندگی در ایالات متحده آمریکای سوسیالیست - لایلا جدیدی ...ص ۱۰
- تحویل سال با شلیک موشک و وعده فلاکت - منصور امان ...ص ۱۴
- سرکوب مردم فلسطین و همسویی خامنه ای با نتانیاها - زینت میرهاشمی ...ص ۱۵
- زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری ...ص ۱۶
- چالشهای معلمان در فرودین ماه (۹۷) - فرنگیس بایقره ...ص ۱۹
- دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد ...ص ۲۳
- کارورزان سلامت (فروردین ۹۷) - امید برهانی ...ص ۲۶
- رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۷) - فتح الله کیائیاها ...ص ۳۰
- خانه آیینها - م . وحیدی (م . صبح) ...ص ۳۴
- آتنا_دائمی؛ عصیانگری که از بیان حقیقت نمی هراسد ...ص ۳۵
- برای دختر مبارزم، گلرخ ابراهیمی ایرایی - شهین مهین فر ...ص ۳۷
- نامه مریم اکبری منفرد به گلرخ ایرایی ...ص ۳۷
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۷ - زینت میرهاشمی...ص ۳۸
- آغاز دور نهایی قمار روی "برجام" - منصور امان ...ص ۴۶
- سد ترامپ برابر تجارت جهانی و جهانی سازی / سوسیالیسم - برگردان: بابک ...ص ۴۷
- تغییرات در کاخ سفید؛ اروپا کیش، جمهوری اسلامی مات شد - منصور امان...ص ۵۱
- رضای کوچک و آرزوهای بزرگ - امید برهانی ...ص ۵۲
- پرش خاتمی از زیر چتر روحانی به روی نردبام موسوی و کروی - منصور امان...ص ۵۶
- بهشت خودیها در مناطق آزاد اقتصادی - زینت میرهاشمی ...ص ۵۷
- جوشش زیر پوست جامعه و شورش مداوم - مهدی سامع ...ص ۵۸
- پیام قدردانی رضا شهابی و تبریک سال نو...ص ۵۹
- شهادت فدایی در اردیبهشت ماه ...ص ۶۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

به کسانی که دوستشان دارم نامه رامین حسین پناهی زندانی سیاسی محکوم به اعدام



نمی دانم از کجا شروع کنم، از کشته شدن اشرف یا از حکم اعدام برادر بزرگمان انور حسین پناهی، شکسته شدن هر روزه ی قامت پدر و اشکهای بی پایان مادرم. از خواهران داغدیده و سایه ی ترس و نگرانی که هر روز و هر ساعت در تک تک لحظاتی که تنها یا دور هم بودیم، بگویم. دست سرنوشت و تقدیر، من را در مکان و شرایط قرار داده که روزی برادر بزرگ انور حسین پناهی، آن را تجربه کرد. شاید ادامه ی حرفهایم از اینجا کمی راحت تر است برای اینکه با افشین، برادری که از من بزرگتر است و با هم در یک زندان هستیم، این نامه را می نویسم. افشین به هشت سال و نیم زندان محکوم شده است و در انتظار پایان حکم و بازگشت به خانه است و

من هم به اعدام محکوم و ممنوع الملاقات شده ام و نمی دانم که بعدها چه می شود. بیش از هر چیز و هر کس به قلب داغدیده و حسرتهای مادرم فکر می کنم از اینکه چگونه این روزها را تحمل کرده است یا تحمل می کند.

زمانی به این فکر می کردم که این همه رنج و این همه ترس از کجا می آید و دلیل واقعی ظلمی که به خانواده ی من روا می رود چیست؟ امروز و همه ی روزها و لحظاتی تلخی که از همان نو جوانی تجربه کرده ام بیش از پیش جواب روشن این سوالات را می دهند؛ همیشه دوست داشته ایم با کسانی که می شناسیم، با همسایه ها، با افراد جامعه و مردمی که با آنها در مکانی که زندگی کرده ایم صمیمی باشیم و احساس نزدیکی کنیم و در خوشی و ناخوشی در کنار هم باشیم. امروز فکر می کنم این درسها را پیش از هر کسی از مادر و پدرم یاد گرفته ام. چرا باید کارگران اینگونه زندگی کنند؟ چرا باید کودکان کار کنند و رنج کشند؟ چرا باید زنان و مادرانمان این همه رنج و مرارت تبعیض را تحمل کنند؟ چرا مکانی که در آن زندگی می کنیم و در آنجا بزرگ شده ایم آتش گیرد و آلوده شود؟ و چرا نباید همه ی ما آزاد باشیم و در کنار هم آزادی را تجربه کنیم؟

کم نیستند کسانی که این سوالها را با صدای بلند کرده و به جرمهای گوناگون محکوم شده اند: محاربه، ضد انقلاب، وابسته به گروههای تروریستی، شبکه های جاسوسی استکبار و عضویت در گروههای معاند. من هم یکی از همان کسانی هستم که در جستجوی جواب این سوالها بوده ام و تلاش کرده ام که برای تک تک سوالاتی که داشته ام پاسخی درخور بیابم از طریق دفاع از فعالیت مدنی و سیاسی، زیست محیطی، حقوق بشری، دفاع از حقوق کودکان، زنان و کارگران و تمامی کسانی که همدل و همدرد بوده ایم.

امروز بیش از هر روز دیگر از این صمیمیت و دوست داشتن و عشق به مردم لذت می برم و از اینکه در کنارشان هستم احساس غرور می کنم. اینکه لحظات سخت هشت سال و نیم حبس افشین را می بینم بغض گلویم را می گیرد اما با وجود اینکه انتظار حکم اعدام، لحظات دردآور است اما ارزش و غرور ایستادن در کنار مردمی که آنها را دوست دارم، طبیعتی که در آن زندگی کرده ام و کارگرانی که با آنها کار کرده ام، از رنج این لحظات می کاهد و به من، افشین و خانواده ام غرور می بخشد. برایتان می نویسم.

رامین حسین پناهی - زندان مرکزی سنندج - سه شنبه، ۱۴ فروردین ماه ۱۳۹۷

منبع: کانال تلگرام کمپین دفاع از زندانیان

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

موشک و مُماشات؛ سیاست غرب در سوریه

منصور امان

حمله هوایی و موشکی غرب به سوریه بی تردید دارای پیام سیاسی مُعینی نیز هست، اما پهنه تاثیر آن بیشتر در زمین نیازهای ژئوپولیتیک آمریکا و رقابت با روسیه و بازیگران خرد تر را در برمی گیرد تا جنگ سوریه به گونه مُشخص.

تقسیم در آنکارا

زمان کوتاهی پیش از مُداخله نظامی غرب، سه سرمایه گذار و مُتولی این جنگ در نشست در آنکارا گرد هم آمده بودند که فقط یک دستور کار داشت و آن تقسیم غنایم بود. آنان برای ورود به مرحله تقسیم از این خاستگاه حرکت می کردند که با پیروزی در این یا آن جبهه نظامی، جنگ را به گونه فراگیر به سود خود رقم زده اند. روسیه و پیاده نظام آن (نیروهای بشار اسد و جمهوری اسلامی) بخشهای زیادی از خاک سوریه را زیر پایش خود در آورده اند که "دوما" ("غوطه" شرقی) در نزدیکی دمشق تازه ترین آن است. از سوی دیگر، ترکیه نیز با تصرف "عفرین" و مناطق مُهمی از گُردستان سوریه در شمال این کشور، یک صندلی دور میز تقسیم سهام برای خود رزرو کرده است. نشست آنکارا می بایست این فُتوحات را به ماده نقد تبدیل کرده و پاداش دهد. آنان پیرامون مناطق نُفوذ خود، درآمدهای بازسازی سوریه و چگونگی توزیع کُمکهای بین المللی و سرانجام ساختار سیاسی غنیمت جنگی خود به گفتگو پرداخته و تصمیم گرفتند.

علامت سیاسی مُلاقات مزبور به سمت دیگر بازیگران در صحنه سوریه و به ویژه غرب به خوبی مفهوم بود: آنها نقشی در آینده این کشور ایفا نمی کنند و از این پس فقط با واسطه ترویکای آنکارا می توانند در روند تحولات مُداخله داشته باشند. ارتکاب تبهکاری شیمیایی در دوما مُعادله چیده شده را تغییر داد و غرب را به صورت بی واسطه وارد میدان بازی کرد. با توجه به پیشینه رویکرد آمریکا و اروپا نسبت به چنین حملاتی، روسیه و متحدانش باید انتظار واکنش غرب را می داشتند. آنها همچنین باید می توانستند تاثیر سیاسی چنین واکنشی بر میز آنکارا را تخمین بزنند. در عمل اما هیچیک از این دو ارزیابی صورت نگرفت و بُمبهای شیمیایی در نابهنگام ترین زمان مُمكن بر سر ساکنان غیرنظامی و شورشیان رها گردید. علت بروز این اشتباه را باید در منطق و تاکتیک جنگی که روسیه، جمهوری اسلامی و دولت سوریه پیش می برند، جُستجو کرد. آنها برای پیشروی در میدان جنگ، ارتکاب جنایت جنگی و دست زدن به وحشیگری را نه تنها مُجاز، بلکه ابزاری ضروری می دانند. روی این ریل و با پدید آمدن هولناک ترین فجایع انسانی، ماشین جنگی آنها به حرکت در می آید. استفاده از سلاح "کثیف" شیمیایی در دوما و پیش از آن در "خان شیخون" در سال گذشته، اَلگویی را نشان می دهد که براساس آن منطقه مورد هُجوم ابتدا به مُحاصره غذایی، دارویی و تدارکاتی در می آید، سپس هواپیماهای جنگی طی روزها و هفته های پی در پی، فرشی از بُمب های تخریبی، آتش زا و خوشه ای بر آن پهن می کنند در حالی که آتش مُستمر توپخانه و حُمپاره اندازها منطقه را در هم می کوبد. در انتها برای شکستن آخرین مُقاومتها و تخریب روانی، سلاح شیمیایی به میدان آورده می شود.

کپی برابر اصل

با این همه مُشکل بتوان پنداشت که واکنش آمریکا به رویداد دوما، این کشور و متحدان اروپایی اش را به گونه واقعی شریک بازی می کند. به همان اندازه که بی مُجازات ماندن آقای بشار اسد از ارتکاب چنین جنایاتی پذیرفتنی نیست، به همان میزان نیز موثر بودن واکنش آمریکا مورد تردید می باشد. علامت سووال مزبور نه فقط در برابر اقدام نظامی واشنگتن، بلکه همچنین در مُقابل سیاستی که آن را پیش می برد قرار گرفته است.

گذشته از تاکتیک جنگی یکسان آقای اسد و پدر خوانده هایش، فاجعه خان شیخون و حمله شیمیایی اخیر در دوما را یک حلقه دیگر نیز به یکدیگر پیوند می دهد و آن شباهت واکُنش آمریکا بدان است. به بیان بهتر، واکُنش نظامی آمریکا به جنایت دوما را می توان کُپی رویکرد آن در برابر کاربُرد سلاح شیمیایی در خان شیخون دانست.

از نظر عملیاتی، حمله ای که آمریکا در برابر جنایت جنگی در شهرک خان شیخون سازمان داد، به هیچ عنوان به سازوکار اجرایی و سخت افزاری که چنین حملاتی را ممکن می سازد، ضربه نزد. فروردین ماه سال گذشته آمریکا اعلام کرد که یک پایگاه هوایی دولت سوریه در استان "حُصص" به نام "العشیرات" را با ۵۹ موشک مورد حمله قرار داده است. واشنگتن افزود که ۲۰ هواپیمای جنگی سوریه را در جریان این حمله مُنهدم کرده. دولت آقای ترامپ هدف از اقدام مزبور را "حمایت از زنان و کودکان" عنوان کرد.

دُرُست یکسال بعد و در همان ماه، سطح و ارزش حرکت آمریکا در دوما خود را به نمایش گذاشت. حمله شیمیایی به این شهر نشان داد که نه تنها توان ساختاری و عملیاتی جنگ سالاران در سوریه برای ارتکاب چنین جنایاتی از بین نرفته، بلکه اقدام نظامی قبلی آمریکا به طور غیر مُستقیم نیز نتوانسته هیچ تاثیر پیشگیرانه ای بر جا بگذارد. با این حال کاخ سفید امروز نیز مُدعی است که "با ضربه زدن به امکانات و تواناییهای سوریه مانع استفاده از سلاحهای شیمیایی در آینده" شده است.

از نظر سیاسی نیز می توان گفت حمله العشریات دستاوردی برای آمریکا نداشته. موشکهای ارسالی آمریکا از مدیترانه، پیامی فرا منطقه ای را نیز با خود حمل می کردند و آن تمایل ایالات مُتحد برای ایفای نقش در سوریه و حضور دوباره در خاورمیانه بود. یکسال بعد اما نشانی از حضور آمریکا در کفه توازن موجود در این کشور به چشم نمی خورد. این روسیه، جمهوری اسلامی و ترکیه هستند که سوریه را چونان غنیمت جنگی در چنگ دارند و برای تعیین سرنوشت و آینده آن نشست می گذارند. نقش آفرینی آمریکا به شلیک موسمی موشکهایی محدود شده است که نه موجب تغییری در میدان می شوند و نه تاثیری بر مُعادله قدرت دارند.

خیالات روسی، ابهامات آمریکایی

در همان حال که آمریکا و اروپا سرگرم اقدامات نمادین و گرفتن ژُست مُداخله هستند، فشار حاکمان روسیه و جمهوری اسلامی برای تغییر ماموریت خود در روسیه افزایش می یابد که روشن ترین نشانه آن را می توان در برگزاری نشستهای پی در پی پیرامون نظم پس از جنگ در سوریه مُشاهده کرد. مُلاقات آنکارا یکی دیگر از این نشستها بود که بی تردید آخرین آن نخواهد بود.

واقعیت این است که با هر روزی که از عُمر تجاوز نظامی روسیه و جمهوری اسلامی به سوریه می گذرد، هزینه سیاسی، مالی و انسانی آن برای این دو کمرشکن تر می شود. از سوی دیگر، یک عقب نشینی برای هر دو طرف شکستی استراتژیک در بُعد منطقه ای برای جمهوری اسلامی و در بُعد جهانی برای روسیه محسوب می شود. از نگاه آنان عینی ترین راه برای بیرون آمدن از این باتلاق، تبدیل هرچه سریعتر دستاوردهای شکننده نظامی به موفقیت سیاسی و ایجاد نوعی ثبات بر پایه آن است.

همانگونه که می توان پنداشت، این نقشه راه بیشتر آنکه با نوک قلم واقعیات ترسیم شده باشد، محصول نیازها و آرزوهای ذهنی به تنگنا گرفتار آمدگان است. جنگ سوریه دیرگهست که دیگر یک کشمکش نظامی داخلی نیست و به چالشی ژئوپولیتیک فرا رُسته و به فاکتورهای گوناگونی هم در سطح منطقه ای و هم در پهنه بین المللی مشروط گردیده است. این امر ارایه پاسُخ یکجانبه و مُجرد نظامی یا سیاسی به آن را ناممکن کرده است.

از سوی دیگر ترویج آنکارا در داشتن چنین برداشتی تنها نیست و آمریکای آقای ترامپ نیز به گونه ای دیگر بدان مُبتلا است. دولت آمریکا نیز به مساله کلی و پیچیده سوریه به گونه مُنفرد و بسیط برخورد می کند.

روشن ترین نمود این جهتگیری در رویکرد کاخ سفید به حملات شیمیایی بازتاب یافته که به گونه یک اقدام مُنفرد و خارج از کادر یک جنگ فراگیر به دست گرفته می شود. سیاست موشکی کاخ سفید به این سووال پاسُخ نمی دهد که

کاربرد سلاح شیمیایی برای تثبیت چه هدفی صورت می‌گیرد و آمریکا چه گزینه‌ای در برابر آن دارد. همزمان "مجازاته‌های" شلیک شده آقای ترامپ علیه تاسیسات آقای بشار اسد صغیر کشان از کنار این واقعیت رد می‌شود که در ترکیب میدان جنگ سوریه تبه‌کار دمشق نه فقط تنها بازیگر نیست، بلکه بازیگر اصلی هم نیست. انهدام چند پایگاه در اطراف دمشق روشن کننده این ابهام نیست که تدبیر آمریکا برای برخورد با شرکای آقای اسد و نقش آفرینان تعیین کننده جنگ چیست. روشن فقط آن است که در شرایطی که واشنگتن آشکارا هنوز استراتژی روشنی ندارد، موشک‌های نقش جایگزین آن را بازی می‌کنند.

تجارت به هر قیمت

برای هیچکس پنهان نمانده که حل چالش سوریه در درجه نخست مشروط به قطع پشتیبانی روسیه و جمهوری اسلامی از آقای بشار اسد و پایان دادن به تجاوز و مداخله نظامی آنان است. بدون حمایت همه جانبه این دو از اسدها برای نگه داشتن سیستم موجود و میلیاردها دلار که سالانه خرج این هدف می‌کنند، جنگ خونین سوریه نه هفت سال به دراز می‌کشید و نه هرگز چنین ابعاد هولناکی می‌یافت. بنابراین حرکت در مسیر کنار زدن این مانع، یک مساله کلیدی در هر راه حل موثر برای مساله سوریه به حساب می‌آید.

جالب اینجاست که متحد تازه آمریکا در حمله موشکی، حتی از آن هم کمتر مطمئن است که چه سیاستی را باید در مورد سوریه در پیش گیرد. این امر تنها پیشرفت آمریکا در خلال دو حمله موشکی، یعنی جلب توافق اروپا به همراهی با خود و تشکیل یک ائتلاف "ضد اسد" را نیز زیر سوال می‌برد.

در رویکرد به مساله سوریه، اروپا نسبت به آمریکا حتی به تناقضات بیشتری دچار است. این مساله روشن تر از هر جا، خود را در رویکرد به متحدان آقای اسد نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا به طور سنتی به رژیم ملاحا با هر ترکیب و هر میزان کراهت، به چشم یک مشتری پولدار و آسان گیر می‌نگرد که منافع داشتن آن در برابر پیشخوان، در هر صورت بر نداشتن اش می‌چربد. از همین رو سیاست اروپا در برابر رژیم ملاحا حداکثر انعطاف در برابر شرارتهایش و تقلیل برخورد با آن به سطح گوشزد به کودک بازیگوش است.

متحد آقای ترامپ نه تنها از اعمال تحریم اقتصادی علیه رژیم جمهوری اسلامی به خاطر تجاوز و مداخله گری منطقه‌ای طفره می‌رود، بلکه برای نرنجاندن طرفهای خوش معامله اش تاکنون حتی از تحریم گروه بدنام حزب الله لبنان نیز سرباز زده است. فرمول تاجران اروپایی برای این رویکرد سوال برانگیز در برابر یک باند تبه‌کار و تروریستی، تقسیم خیالی آن به دو بخش سیاسی و نظامی است. بر این اساس بخش نظامی مشمول تحریم شود، در حالی که بخش سیاسی از آن مصون می‌ماند. ناگفته پیداست که چنین ساختار دو گانه‌ای روی زمین سفت واقعیت وجود خارجی ندارد و یک اختراع اروپایی برای گذاشتن کلاه شرعی بر سر سیاست مماشات است.

برآمد

مداخله نظامی آمریکا، فرانسه و انگلیس در سوریه، میز چیده شده روسیه، جمهوری اسلامی و ترکیه را برهم زده، اما خود بدان چیزی نیافزوده است. ابتکار غرب ولی به خوبی نشان داد که در انتهای تونل فاجعه سوریه، نوری دیده نمی‌شود و پروسه مخربی که از هفت سال پیش این کشور در ساحل مدیترانه را به ویرانی کشانده و زندگی مردمانش را تباه کرده، سر باز ایستادن ندارد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

اقتصاد امنیتی برای امنیت نظام و به ضرر کارگران

زینت میرهاشمی

در ماهی که گذشت همزمان با دستگیریها و آزار و اذیت گسترده کارگران اعتصابی در نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز، عثمان اسماعیلی فعال کارگری بعد از دو ماه حبس تعزیری از زندان مرکزی سقز آزاد شد. جرم این فعال کارگری شرکت در مراسم غیر دولتی روز جهانی کارگر در سال گذشته بود.

در ماه گذشته، جان باختن دو کودک ۱۵ و ۱۶ ساله در حین کارگری روی ساختمان در منطقه تهران پارس (پنجشنبه ۲۳ فروردین) و فرورفتن یک کارگر ۱۶ ساله در قیف دستگاه خشت زنی در مشهد، برگی دیگر بر بی حقوقی کودکان فقیر و بی چیز را به نمایش گذاشت.

دفاع تمام قد اسحاق جهانگیری معاون اول حسن روحانی از کارنامه اقتصادی سراپا بحرانی و خوب توصیف کردن وضعیت اقتصادی از طرف روحانی، بار دیگر شیادی پایوران رژیم که در دروغ گفتن کم نمی آورند را نشان داد.

از این تعریف و تمجید و گذاشتن هندوانه زیر بغل همدیگر که بگذریم، جهانگیری بر یک واقعیت رژیم انگشت نهاد و گفت: «چالشهای اقتصادی در ارتباط مستقیم با امنیت ملی» است. البته کاربرد واژه «ملی» در جمهوری اسلامی همیشه به معنای «رژیم» است و امنیت رژیم ربطی به امنیت مردم ایران ندارد. از این نظر امنیت دزدان دانه درشت تامین می شود تا امنیت مردم پایمال شود و همزمان با هیاوو و بدون اسم آوردن فاسدان توپ باران می شوند و هر پدیده صنفی و اجتماعی با سرعت به حرکتی سیاسی و چالشی دیگر برای رژیم تبدیل می شود.

بر همین منظر محیط زیست نابود می شود، زنان سرکوب می شوند، زندگی روزانه مردم به قهقرا سوق داده می شود، مزد کارگران و مزدبگیران دزدیده می شود تا امنیت نظام تامین شود.

جهانگیری هم مانند بقیه «بی ثباتی» اقتصاد کشور را «جنگ تبلیغی و روانی» دشمن دانسته و مدعی می شد که: «وضع اقتصادی و ارزی کشور به لحاظ تراز تجاری و جذب سرمایه مثبت است» و «دولت از دستاورد خود در ایجاد ثبات اقتصادی دفاع می کند.» (تسنیم، ۲۲ فروردین) در حالی که کارشناسان اقتصادی وضعیت اقتصاد ایران را بحرانی و در حال فروپاشی می دانند، معاون اول روحانی به زور می خواهد وضعیت را مثبت جلوه دهد. حسین زاغفر اقتصاددان، بحران موجود را «نشانه ای از فروپاشی اقتصادی ایران و حرکت به سمت ونزوئلایی شدن» می داند.

دفاع حسن روحانی و جهانگیری از شرایط اقتصادی در حالی است که در چند ساله اخیر، شاهد کاهش شدید ارزش ریال، افزایش حجم نقدینگی، افزایش غیر متعارف قیمت کالاهای مصرفی، افزایش قیمت حاملهای انرژی، بالا رفتن تورم و گسترش شکاف طبقاتی و فقیر تر شدن مردم بوده ایم. در چنین شرایطی با جنبشهای اعتراضی مردمی و ارائه خواستههای مشخص آنان در کف خیابان و همزمان جدال رو به رشد باندهای شریک در قدرت هستیم.

دستاورد رژیم از نظر اقتصادی چیست؟

بالا رفتن قیمت دلار به ۶ هزار تومان و صفهای طولانی مردم در برابر صرافیها و تظاهرات مجلس نشینان در روز سه شنبه ۲۱ فروردین با شعار «استعفا، استعفا» علیه سخنرانی ولی الله سیف، رئیس بانک مرکزی و درخواست استعفای رئیس جمهور ولی فقیه از جانب یکی از مجلس نشینان به نام سبحانی و ... واقعیت اقتصاد بحرانی را به صحنه آورد.

اعلام نرخ ۴۲۰۰ تومان برای یک دلار از جهانگیری و مسخره کردن وی توسط ذوب شدگان در ولایت و همزمان درخواست اعدام چند دلال دانه ریز توسط دایناسور قرن، مکارم شیرازی، تظاهرات دامنه دار کشاورزان اصفهان برای حقآبه، خیزش مردم در اهواز، جنبش گسترده مردم کازرون و اعتراضهای پی در پی کارگران و مزدبگیران مشخصه جامعه ایست که آتش آن نه زیر خاکستر بلکه در هر نقطه به تناوب شعله ور می شود و صدای شکستن استخوانهای رژیم همه جا به گوش می رسد.

در میان جنگ و جدال باندهای درون قدرت پیرامون بحران ارزی، استفاده از لولوی همیشگی «دشمنان خارجی» که هیچگاه غایب نیست و این بار در فضای مجازی به جنگ ولی فقیه شتافته جایگاه اول دارد. سیف، رئیس کل بانک مرکزی روز سه شنبه ۲۱ فروردین در مجلس ارتجاع با طرح «اقدامات دشمن» و «عوامل خارجی» خواستار جلوگیری از «التهاب مصنوعی» توسط خودیها شد

بعد از این که خامنه ای به دستاوردهای ۳۹ ساله حکومت نمره ۲۰ داد، رحمانی فضلی، وزیر کشور دولت روحانی هم سینه سپر کرد و به دستاوردهای خودش و همقطاراناش نمره ۱۸ و نیم داد. رحمانی فضلی در اوایل سال جدید، بعد از شمردن موفقیت‌های وزارتش در برقراری امنیت در سال ۹۶ و دادن نمره خوب قبولی، «حفظ امنیت، تامین امید و نشاط جامعه» در سال ۹۷ را از حوزه های اصلی کار وزارتخانه اش دانست. خامنه ای با طرح نمره عالی، میدان نمره بازی باندهای حکومتی را گشود تا هر باند حکومتی به خود نمره قبولی داده و باند رقیب را رفوزه اعلام کند. البته در این بازی جدید بخشی از حقایق پیرامون بحران اقتصادی، فساد و چپاول رونمایی شد.

نماز جمعه خوان تهران، روز آدینه ۳ فروردین، حرف خامنه ای را بر فرق دولت کوبید و گفت: «امروز نهاد دولت به معنای کامل در خدمت اقتصاد ملی [رژیم] نیست، بلکه مانعی برای حرکت اقتصاد ملی [رژیم] است». سخن پراکنی وی، اعترافی به وضعیت بحرانی موجود و ماله کشی بر نمره قبولی رهبرش است.

خامنه ای و روضه خوانهای مجیز گوی او طوری حرف می زنند که گویی آنها خارج از نظام قرار دارند. در حالی که مسئولیت اصلی آنچه بر سر مردم و «کالای ایرانی» آمده به عهده بالاترین مقام نظام، یعنی خامنه است. خامنه ای پس از ۳۹ سال به فکر حمایت از کالای ایرانی افتاده است. در حالی که واردات بی رویه و قاچاق که سود آن بیش از هرکس به جیب سپاه و آخوندهای پرنفوذ در نظام می رود، کالای ایرانی را نابود می کند.

سایت مرصاد وابسته به باند حاکم گزارش کرد که «طبق آمار تجارت خارجی در سال ۹۶ بیش از ۵۶ هزار خودرو به ارزش یک میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار وارد کشور شد. در مجموع سهم ارزش واردات خودرو و قطعات منفصله از کل واردات به کشور ۷.۲۳ درصد است و به ۴ میلیارد دلار بالغ می شود.» بر اساس آمار گمرک، در پایان سال ۹۶، بیش از ۱.۲ میلیارد دلار برنج وارد کشور شده که نسبت به سال ۹۵ رشد ۷۶ درصدی داشته است. از این سری خبرها در مورد واردات کالا به وفور می توان در رسانه های حکومتی دید.

وضعیت بحرانی جامعه، وضعیت معیشت مردم و رانده شدن تعداد هر چه بیشتر مردم به زیر خط فقر، که خود را در اعتراضهای گسترده مردمی در سراسر کشور نشان می دهد، آنچنان عیان و تهدید کننده امنیت رژیم است که نمره های عالی پایوران رژیم با تمسخر خاص و عام روبرو شده است.

حداقل دستمزد، حداکثر فلاکت

تعیین حداقل دستمزد کارگران و مزدبگیران برای سال ۹۷ و مواضع پایوران رژیم پیرامون آن، بی پایگی شعارهای داده شده پیرامون حمایت از کالای ایرانی را نشان می دهد. البته در سایه مافیای واردات و با همت برادران قاچاقچی، تسخیر بازارهای ایران از کالاهای چینی، روسی، هندی، کره ای، اروپایی و ... حمایت از «کالای ایرانی» ولی فقیه را بیشتر برجسته می کند.

شیوه تعیین نرخ تورم و اعلام آن قبل از تصمیم گیری شورای عالی کار در مورد مزد حداقل شیوه ای استثمارگرانه است. شورای عالی کار (نماینده دولت به عنوان سرمایه دار بزرگ، نماینده کارفرمایان و نماینده منتخب دولت برای کارگران به جای نماینده واقعی کارگران) برآورد کمیته مزد را نادیده گرفت و بر اساس نرخ تورم جعلی، حداقل دستمزد کارگران را یک میلیون و ۵۳۰ هزار تومان تعیین کرد. این رقم افزایشی معادل ۱۹ و ۸ درصد نسبت به سال قبل و پایین تر از نصف خط فقر اعلام شده از طرف کمیته مزد است. در حالی نرخ تورم در سطح یک رقمی از طرف نهادهای حکومتی ساخته می شود که قیمت همه کالاها به میزانی افزایش پیدا کرده که با نرخ تورم اعلام شده هماهنگی ندارد و بنابراین تفاوت زیادی

بین هزینه کارگران با درآمد آنان وجود دارد. علی‌خدايي، عضو شورای عالی کار پیرامون دستمزد کارگران گفت: بر اساس آمارهای موجود، دستمزد دریافتی حدود ۸۲ درصد کارگران در حال حاضر زیر یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان است. اظهارات ربیعی در مورد خروجی شورای عالی کار بسیار وقیحانه است. وی اعلام کرد که افزایش حداقل حقوق «حدود ۱۳۰ درصد بالاتر از تورم اعلامی تعیین شده است». باید منتظر نمره قبولی «۲۰ آفرین» از طرف این کارگزار حکومت به خودش باشیم.

بازداشت کارگران

با گسترش اعتراضهای کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، رژیم برای ۵۰ تن از کارگران این مجتمع تولیدی حکم جلب صادر کرده و آنها را تهدید به «فسخ قراردادشان» کرد. همزمان تعدادی از کارگران هم ممنوع‌الورود به کارخانه شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران «کارگرانی که از روز ۲۲ فروردین ممنوع‌الورود شده‌اند؛ کریم سیاحی، پیمان شجراتی، رحیم سعیدی و حامد باصری هستند.

خیزشهای توده‌ای در فروردین ماه

اعتصاب گسترده در ۶ شهر کردستان

روز یکشنبه ۲۶ فروردین، با فراخوان قبلی، بازاریان شهرهای بانه، جوانرود، در اعتراض به بالا بردن تعرفه گمرکی و بسته شدن مرزها بار دیگر اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، این روزها پس از بستن مرزها و بازگشایی بازار فروش این مغازه داران که اجناس خود را از کولبران می‌خریدند، با مشکل مواجه شده است. همزمان با اعتصاب مغازه داران بانه، آنان در بلوار شهرداری سفره خالی پهن کردند.

به گزارش گُردپا، روز دوشنبه ۲۷ فروردین، اعتصاب بازاریان بانه و جوانرود برای روز دوم ادامه یافت. در این روز مغازه داران جوانرود با پهن کردن سفره خالی و برگزاری تجمع اعتراض خود را به نمایش گذاشتند.

در بانه نیروهای ضد شورش رژیم برای جلوگیری از گسترش تجمع معترضان مقابل پاساژهای این شهر مستقر شدند. روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین، کاسب کاران سقز و مریوان به اعتصاب بازاریان مریوان و جوانرود پیوستند. روز چهارشنبه ۲۹ فروردین، در چهارمین روز اعتصاب مغازه داران چهار شهر کردستان، بازاریان شهرهای مهاباد و پیرانشهر به اعتصاب مغازه داران شهرهای دیگر پیوستند.

به گزارش هه‌نگاو، نژاد شهیدی، معاون سیاسی فرماندار بانه در گفت و گو با خبرگزاری حکومتی ایرنا با تحریف حرکت به حق مردم گفت: «عوامل خارجی در تشویق بازاریان و اصناف به اعتصاب و اعتراض در این شهرستان و بسته شدن واحدهای تجاری و صنفی نقش دارند.»

از سوی دیگر تا روز ۲۹ فروردین بیش از ۱۰ نفر از معترضان در شهرهای مریوان، بانه و سقز بازداشت شده‌اند. به گزارش گُردپا روز پنج‌شنبه ۳۰ فروردین، اعتصاب بازاریان بانه، مریوان، سقز، جوانرود و پیرانشهر علی‌رغم وعده‌های مسئولان حکومتی ادامه یافت و نیروهای اطلاعاتی برای پایان دادن به اعتصاب بازاریان در کردستان تعدادی بیشتری از آنان را در روز آدینه ۳۱ فروردین و در ششمین روز این اعتصاب گسترده بازداشت کردند.

خیزش مردم کازرون

روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین، از اهالی کازرون همزمان با حضور کارشناسان تقسیمات کشوری در اعتراض به طرح تفکیک این شهرستان مقابل فرمانداری اجتماع کردند.

طی روزهای یکشنبه ۲۶ فروردین و دوشنبه ۲۷ فروردین، چندین ده هزار نفر از مردم کازرون به ساختمان فرمانداری هجوم بردند و مانع از خروج یکی از مسئولان از فرمانداری شدند.

روز دوشنبه ۲۷ فروردین، بازاریان، اصناف و فرهنگیان این شهر به نشانه اعتراض نسبت به تقسیم شهرستان کازرون اعتصاب کره و شهر به حالت تعطیل درآمد.

روز آدینه ۳۱ فروردین، زنان و مردان ساکن در کازرون در ادامه اعتراض نسبت به تقسیم کازرون به دو شهرستان «کازرون» و «کوه چنار»، محل نماز جمعه کازرون را تسخیر کردند و با سردادن شعارهایی منجمله؛ «وای به روزی که مسلح شویم»، «ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»، «دشمن ما همین جاست؛ دروغ می گن آمریکاست» و... اعتراض خود را به نمایش گذاشتند. به گزارش آبان پرس، بر اساس طرحی که چندی قبل مطرح شده، قرار است بخشهای کوهمره نودان و چنار شاه‌هیجان (قائمیه) از کازرون جدا و شهرستان جدید کوه چنار تشکیل شود. حسین رضازاده مجلس نشین از کازرون از جمله افرادی است که تلاش می کند بخش چنار شاه‌هیجان را به شهرستان تبدیل کند.

خیزش مردم عرب خوزستان (قیام کرامت)



روز سه شنبه ۷ فروردین مردم عرب در اهواز در اعتراض به انکار هویت شان دست به تجمع اعتراضی در اهواز زدند. این طی روزهای بعد به خیزشی گسترده در شهرهای عرب نشین خوزستان تبدیل شد. قیام مردم عرب علاوه بر اهواز در بسیاری از شهرها و روستاهای خوزستان مثل معشور، حمیدیه، شیبان، خرمشهر، آبادان، ملاشیه و ... جریان پیدا کرد. از این قیام مردمی دهها گزارش تصویری در رسانه های جمعی غیر حکومتی منتشر شد.

روز سه شنبه و چهارشنبه ۱۴ و ۱۵ فروردین، جنبش اعتراضی مردم عرب در اهواز و شهرهای مختلف خوزستان علیه رژیم ولایت

فقیه وارد دومین هفته شد. جمعه شب ۱۷ فروردین، تظاهرات در اهواز برای دهمین روز ادامه یافت.

این جنبش گسترده در پی پخش یک میان پرده در برنامه «کلاه قرمزی» از شبکه دو تلویزیون رژیم که هر نقطه از ایران با عروسکی که لباس ملی آن منطقه را بر تن داشت مشخص شده بود اما عروسک استان خوزستان لباس عربی به تن نداشت، آغاز شد.

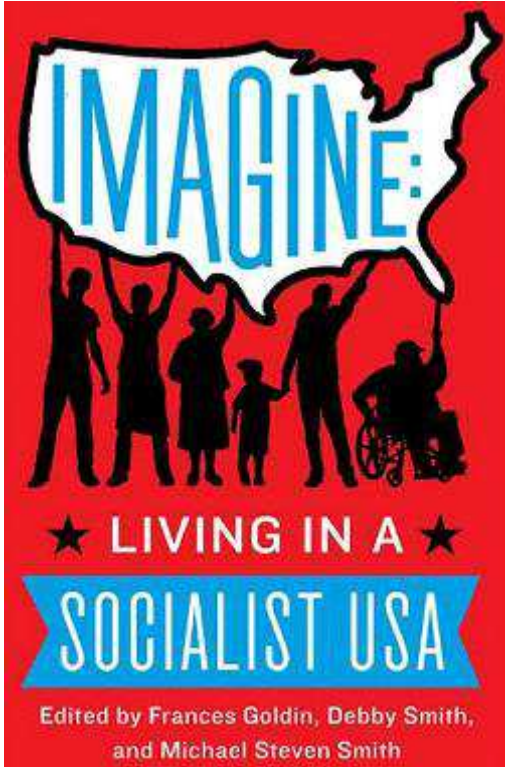
به فرمان خامنه ای نیروهای سرکوبگر رژیم به شهرهای عرب نشین روانه شدند و ورودیهای شهرها را با استقرار بازرسیهای متعدد بستند. در داخل شهرها نیز در خیابانهای اصلی و چهارراهها و حتی داخل بازارها تعداد زیادی از موتورسواران امنیتی و نیروهای ضد شورش جهت ایجاد ترس و رعب بین مردم و جلوگیری از تظاهرات مسالمت آمیز آنها، اقدام به رژه کردند.

به گزارش منابع مختلف از روز ۷ تا سه شنبه ۱۴ فروردین بیش از ۱۶۰ نفر از مردم معترض دستگیر شدند. برخی منابع تعداد بازداشت شدگان را بسیار بیشتر اعلام کردند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

"تصور کن، زندگی در ایالات متحده آمریکای سوسیالیست"

لیلا جدیدی



کتاب "تصور کن، زندگی در ایالات متحده آمریکای سوسیالیست" (۱) مجموعه ای از نظرات و دیدگاههای برخی از بهترین و شناخته شده ترین متفکران و فعالان چپ آمریکا، زن و مرد و کسانی است که به سوسیالیسم به مثابه قطب نمایی برای تغییر و تحولات رادیکال می نگرند.

اما چرا این کتاب نه تنها برای خوانندگان آمریکایی بلکه برای ما و در واقع برای مردم دیگر کشورهای جهان از اهمیت خاصی برخوردار است؟ تصور زندگی در سیستم سوسیالیسم یک اتوپیا نیست، بلکه تصویری است که امکان به واقعیت پیوستن آن وجود دارد و باید وجود داشته باشد، در غیر اینصورت با فجایعی که در جهان امروز روبرو هستیم، از گرسنگی و بیماری تا تخریب محیط زیست، جنگ و خونریزی و سلاحهای هسته ای، آینده ای روشن در پیش رو نخواهد بود.

روزا لوکزامبورگ زمانی گفت "جهان دو گزینه بیشتر ندارد، بربریت یا سوسیالیسم" و چه گوارا چشم انداز سوسیالیسم را اینگونه تعریف کرده است: "ما جهانی را تصور می کنیم که در آن عشق و همبستگی وجود دارد."

چگونه این کتاب متولد شد؟

"فرانسس گلدن" (۲) این زن سوسیالیست سرشناس، به رفقای خود که به طور مشترک ویراستاری این کتاب را به عهده داشته اند می گوید: "من هشتاد و هشت سال دارم. آرزو دارم پیش از آنکه به پیشینیانم بیوندم، دو کار انجام شود؛ نخست آنکه زندانی سیاسی "مومیا ابوجمال" آزاد شود و دیگری آنکه ویراستاری کتابی در باره "آمریکا چه وضعی می داشت اگر روزی سوسیالیست شود" را به عهده گیرم."



و اینگونه سرانجام یک آرزوی او به واقعیت پیوست و کتابی به نام "تصور کن، زندگی در ایالات متحده آمریکای سوسیالیست" که شامل تعدادی مقاله با عنوانهای گوناگون در این زمینه می باشد، منتشر شد. پیش از انتشار اما در کنفرانس سالانه "سازمان کارگران سوسیالیست" که همه ساله با شرکت بیش از دو هزار فعال سوسیالیست در ایالت شیکاگو برگزار می شود، اعلام گردید که این کتاب با مجموعه ای از مقالات پیرامون موضوعات گوناگون در حال تهیه است و از علاقمندان دریافت آن

تقاضای پیش پرداخت شد. کمتر از یکسال بعد کتاب منتشر و برای رفقای که آن را پیش خرید کرده بودند، ارسال گردید. پس از مطالعه مشتاقانه آن ضروری دیدم که این کتاب را به دوستان، رفقا و علاقمندان فارسی زبان معرفی کنم.

مطالعه این مجموعه مقالات از آن رو دارای اهمیت است که ما شاهد بیداد و ستمکاری در جهان هستیم و همزمان می بینیم که اعتراضات نسبت به آن نیز کم نیستند. در سراسر جهان مردم عاصی و جان به لب رسیده به پا می خیزند و با وجود سرکوب، زندان، اعدام و شکنجه از پا نمی افتند و این در حالیست که چشم انداز آینده در برابر آنان نامشخص و نامعلوم است. جامعه و به ویژه زحمتکشان و مزدبگیران تصویر روشنی از آینده ندارند و افق برآورده شدن آرزوهایشان ناپیدا و ناشناخته است. مجموعه مقالات درج شده در این کتاب تصویری روشن و قابل تعمق از آینده و سوسیالیسم در برابر می گذارد.

"کریس هجس" (Chris Hedges)، نویسنده کتاب "مرگ طبقه لیبرال" در باره این کتاب می گوید، "این مقالات شمای قابل تصویری در برابر جامعه قرار می دهد" و "در بیداری وجدان انقلابی و امید به جهانی بهتر گامی با ارزش برداشته است".

"پال بهله" (Paul Buhle)، نویسنده کتاب "مارکسیسم در ایالات متحده"، در باره آن نوشته است: "تاثیری بسیار در گونه ای که ما به کشورمان می نگریم خواهد داشت" و "گلن فورد" (Glen Ford)، سردبیر و گزارشگر انتشارات "دستور کار سیاهان" نیز در باره اش می نویسد: "مرگ سرمایه داری بدون شک دیر یا زود فرا خواهد رسید. سناریو تحولات به سمت سوسیالیسم، تنها سیستمی که می تواند انسانیت را از تناقضات انباشت شده گذشته اش نجات دهد، هم آنقدر هراسناک جلوه داده شده و هم آنگونه تعمیم داده شده که برای کسانی که درگیر مبارزه هستند، بی معنی و بی استفاده گردیده." وی این مجموعه را اثرگذار در تغییر این وضعیت به سمت شناخت توصیف می کند.

مقالات گردآوری شده در کتاب بر سه مبحث تمرکز دارد و در سه بخش ارائه شده است:

بخش اول در "محکومیت سرمایه داری"

بخش دوم، تلاش برای انگیزه و امید بخشیدن و تصور اینکه چه می شد اگر کاپیتالیسم از آمریکا رخت بر می کند و توصیف شرایط اجتماعی پسا سرمایه داری از زوایای گوناگون از جمله هنر، بهداشت و سلامت، مسکن، خوراک، زندگی احساسی، جنسیت، تبعیض، عدالت کیفری، فقر، مهاجرت، مذهب، مواد مخدر، تحصیلات، علم و تکنولوژی، مساله زن، طبیعت و سازمان دمکراتیک مالکیت عمومی اقتصاد.

بخش سوم در این باره که چگونه می توان از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب رسید.

"دبی اسمیت" و "مایکل ستیون سمیت" در مقدمه کتاب می نویسند که دستیابی به سوسیالیسم یک آرزوی محال نیست، زیرا "در گذشته واقعیت یافته و یا دقیق تر اینکه به حرکت در جهت آن اقدام شده است: روسها دست به ساختن آن زدند اما سپس به این نتیجه رسیدند که نمی توان سوسیالیسم را در کشوری فقیر و توسعه نیافته که مورد تهاجم یک جنگ جهانی (اول) قرار گرفته و از سوی دیگر توسط کشورهای اروپایی که قصد دارند مناسبات سرمایه داری را در آن احیاء کنند محاصره اقتصادی شده، بنا کرد. در سال ۱۹۹۱ اتحاد جماهیر شوروی در برابر این رویدادها فرسوده شده بود. "همچنین در چین نیز این پروژه در دستور قرار گرفت؛ کشوری بی نهایت فقیر و ویران شده، تحت غارت امپریالیسم غرب و ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم و سپس تحریم بعد از انقلاب در سال ۱۹۴۹.

"در ویتنام هم این تلاش صورت گرفت، آنهم بعد از هشت سال جنگ استقلال طلبانه از فرانسه و سپس تهاجم ایالات متحده و آماج بیش از سه برابر بمبهای قرار گرفتن که در جنگ جهانی دوم بر سر آلمان و ژاپن فرو ریخته شد و نیز هدف گرفته شدن با سلاحهای شیمیایی سرطان زا و کشتار نزدیک به ۳ میلیون ویتنامی.

"کوبا صحنه دیگر این تجربه بود؛ کشوری که فقط ۱۴۰ کیلومتر از ساحل فلوریدا فاصله داشت. توسعه آن با دشمنی شدید آمریکا و در حالیکه تحت تحریم قرار گرفت، روبرو شد. با این حال این کشور توانست به پیشرفتهای قابل توجه و بزرگی در زمینه پزشکی نایل آید که در واقع سیستم آمریکا در مقابل آن خجالت زده می شود."

حال با توجه به تجربه های نه چندان موفق یاد شده این سوال مطرح می شود که بنابراین چرا سوسیالیسم در آمریکا متفاوت و قابل حصول می تواند باشد؟

پاسخ به این سوال اینگونه داده شده: "ایالات متحده آمریکا ثروتمندترین کشوری است که جهان به خود دیده. شرایط و پیش ساختارهای اقتصادی برای اینکه این منابع در خدمت منافع همگانی قرار گیرد و نه مورد بهره جویی عده ای معدود مانند یک درصد، به طور واقعی وجود دارد."

مقالات

همانطور که اشاره شد، این مجموعه مقالات به سه بخش تقسیم شده است. برای آنکه چشم اندازی از مضمون کتاب داشته باشیم، به سر تیترهای موضوعات آن اشاره می شود:

بخش اول: اشکال کاپیتالیسم در چیست؟ (شامل ۱ نوشتار)

۱. سرمایه داری: دشمن واقعی - پاول ستریت (Paul Street)

بخش دوم: سوسیالیسم را تصور کن (شامل ۲۰ نوشتار)

۲. آینده اکوسوسیالیست خواهد بود، زیرا بدون اکوسوسیالیسم، آینده ای وجود نخواهد داشت - جول کوول (Joel Kovel)

۳. اجرای رادیکال یک سیستم اقتصادی می تواند الیگارشسی را کنار بزند - جان ریوستی (John Reosti)

۴. شکل آینده ی پسا کاپیتالیستی - ریک ولف (Rick Wolff)

۵. قانون در ایالت متحده آمریکای سوسیالیست - نوشته مایکل ستیون سمیت (Michael Steven Smith)

۶. آلترناتیو سیستم ناعادلانه کنونی کاپیتالیسم - مامویا ابوجمال و آنجلا دیویس (and Mumia Abu-Jamal Angela Davis)

۷. سوسیالیسم، بالاترین درجه حقوق بشر - نوشته اجومو باراکا (Aiamu Baraka)

۸. زندگی شخصی، احساسی و روابط جنسی بدون سیستم کاپیتالیسم - هاریت فرار و تس فراد ولف (Harriet Fraad and Tess Fraad Wolff)

۹. یک روز کاری یک زن در سوسیالیسم - رنه بریدنثال (Renate Bridenthal)

۱۰. کرامت انسانی، احترام، برابری و عشق - بلانشه ویسن کوک (Blanche Wiesen Cook)

۱۱. چگونه زندگی همجنس گرایان در سوسیالیسم متفاوت خواهد بود - لسلی کاگم و ملونی کی/ کنتوویز (Melanie leslie Cagan and Kay/ kantrowitz)

۱۲. مواد مخدر در جامعه ای که مردم به یکدیگر اهمیت می دهند - ستیون ویشنیا (Steven Wishnia)

۱۳. کارورزان مهاجر به سوی جهانی بهتر - جو آن گنزالس (Juan Gobzalez)

۱۴. سیستم کمکهای اجتماعی و پایان فقر و گرسنگی جهانی - فرانسس فاکس پیوان (Farnces Fox Pivan)

۱۵. غذا برای همه: جامعه ای که سیستم غذایی پایدار دارد - ارون کوپتا (Arun Cupta)

۱۶. حق مسکن - تام انگوتری (Tom Angotri)

۱۷. بیمه های اجتماعی، بدین معنا که همه از امکانات سلامت و بهداشت استفاده می کنند، گذشته از آنکه هزینه پرداخت آنرا داشته یا نداشته باشند. دیو لیندورل (Dave lindorff)

۱۸. آموزش آزادی - ویلیام ایرز (William Ayers)

۱۹. تصور کن هنر را پس از پایان سیستم سرمایه داری - مت کلهن (Matt Callahan)

۲۰. پرومته ی به کلی از بند رها شده: آنچه که علم و تکنولوژی در یک آمریکای سوسیالیست قادر به انجامش است - کلیفورد دی کانر (Clifford D. Conner)

۲۱. رسانه ها در سوسیالیسم. فرد جرومه - (Fred Jeromeh)

- بخش سوم: چگونه به آن دست یابیم (شامل ۱۰ نوشتار)
۲۲. سرنوشت اشغال وال ستریت، مایکل مور - (Michael Moore)
۲۳. من به عنوان دادستان چه خواهم کرد؟ - مایکل راتنر (Michael Ratner)
۲۴. ما مارکس را می خوانیم - کازمبی بلاگوم (Kazembe Balagun)
۲۵. اکثریت کارگر و مزد بگیر - مایکل وینگ (Zweig Michael)
۲۶. چگونه به اقتصاد دمکراتیک دست می یابیم؟ - کلیفورد دی کانر (Clifford D. Conner)
۲۷. جاده سرمایه داری؛ از کارگاه های استثمار گرایانه چین تا دیترویت - دایان فریلی (Dianne Freeley)
۲۸. سومین انقلاب آمریکا؛ چگونه سوسیالیسم می تواند به ایالات متحده آمریکا راه یابد؟ - پال ل بلانک (Poul Le blanc)
۲۹. تصور کن فرشتگان نان را - مارتین اسپادا (Martin Espada)
۳۰. روز شکرگزاری در سال ۲۰۷۷؛ یک داستان کوتاه - تری بیسون (Terry Bisson)
۳۱. تو روشنی بخش جهانی - جولم کوول (Joelm Kovel)

تصور کن بهشتی نیست
 ساده ست اگر بخوای
 جهنمی زیر پامون نیست و
 فقط آسمان بالای سرماست
 تصور کن همه مردم
 برای امروز زندگی می کنند
 تصور کن کشوری و مرزی نیست
 تصورش سخت نیست
 نه دلیلی برای کشتن و نه برای مردن
 مذهبی هم نیست

تصور کن همه مردم
 در صلح زندگی می کنند
 ممکنه بگی من رویایم
 اما من تنها نیستم
 امیدوارم روزی تو هم به ما بپیوندی
 و دنیا یکی بشه
 تصور کن مالکیت وجود ندارد
 نمیدونم آیا می تونی؟
 جایی برای طمع و برای گرسنگی نیست
 برادری همه بشریت

تصور کن همه مردم
 دنیا رو با هم شریکند

ممکنه بگی من رویاییم
 اما من تنها نیستم
 امیدوارم روزی تو هم به ما بپیوندی
 و دنیا یکی بشه
 (جان لنون)

پانوشت

Imagine: Living in a Socialist USA, by Frances Goldin, Debby Smith, Michael (۱)
 Smith - HarperCollins Publishers

(۲) فرانسس گلدن ۹۳ سال دارد و ۶ دهه در زمینه انتشاراتی که دیدگاههای سیاسی رادیکال وی را بیان می کرده، فعالیت داشته. او در سال ۱۹۷۷ انجمن ادبیات فرانسس گلدن را بنیان گذاری کرد. این انجمن نویسندگان سرشناسی را در برمی گیرد فعالیت آن بر عدالت اجتماعی و تاثیرات فرهنگی و سیاسی بر روابط انسانی تمرکز دارد.



تحویل سال با شلیک موشک و وعده فلاکت

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۸ فروردین

همراه با آغاز سال نو، رژیم جمهوری اسلامی نشانه های صریحی از چشم انداز سال در پیش و آنچه که به انتظار جامعه نشسته، ارسال کرده است. آنچه که دیده می شود، جایی برای خوشبینی نسبت به بهبود شرایط به جا نمی گذارد. در نخستین روزهای سال جدید، موشک پرانی شبه نظامیان وابسته به رژیم مَلاها در یمن و ادامه سقوط ارزش پولی ملی، گوشه ای از نقشه راهی که حاکمان کشور برای مردم ایران در سال ۹۷ ترسیم کرده اند را به نمایش گذاشته است. این یک شروع بد تصادفی نیست، بلکه به روند مخربی تداوم می بخشد که به ویژه در دو سال اخیر بر شدت و دامنه آن به گونه چشمگیری افزوده شده است. فقط در استعدادهای یک سیستم ویرانگر و منحط است که پایان یک بحران خطرناک و فلاکت زا را به سکوی پرش به سوی بحرانی عمیق تر با آثار پُر ادبار تر بدل سازد. بر این اساس، جامعه تنها از "برجام" سهمی نبرده، بلکه فشار معیشتی، بی حقوقی و ناامنی بر خود را افزایش یافته می بیند. خیزش دی ماه سال گذشته واکنشی در برابر این مُعادله بود و با وجود پیام روشن و قوی که مردم به آدرس حکومت و شخص علی خامنه ای فرستادند، هیچ نشانه ای از تصمیم حاکمیت به اصلاح، تغییر یا حتی گرد کردن موقتی آن به چشم نمی خورد.

برعکس، حاکمان جمهوری اسلامی بدون توقّف روی این مسیر به تاخت و تاز خود ادامه می دهند. آنها با گامهای شتابان به سمت جنگی سازی مُناسبات با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، اسرائیل و آمریکا پیش می روند. موشکهای بی هدفی که در هفتمین روز فروردین به سوی عربستان شلیک شد، تابلویی است که مسیر حرکت رژیم ولایت فقیه را علامت گذاری و شناسایی پذیر می کند.

روی دیگر این سکه که با منابع و امکانات محدود مردم ایران ضرب شده، تشدید وخامت شرایط اقتصادی و فشرده تر شدن پنجه بحران معیشتی بر گلو میلیونها نفر است. از هنگام توافق هسته ای و تغییر ریل بحران خارجی به درگیری منطقه ای، ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته است. این در عمل به معنای کاهش چشمگیر قدرت خرید، خالی شدن باز هم بیشتر سفره ها و سوق داده شدن بخشهای بزرگی از جامعه به زیر خط فقر و محکوم ساختن آنها به بی آیندگی است.

دلار ۵ هزار تومانی و تبدیل پول ملی به کاغذ پاره گویای امروز و فردایی است که آقای خامنه ای و همدستانش برای مردم ایران تدارک دیده اند. اعتراف یک مقام مجلس مَلاها به خارج کردن ۳۰ میلیارد دلار از کشور در ماه های پایانی سال گذشته، گستره چاهی که حکومت در سال جدید برابر پای جامعه حفر کرده را به خوبی اندازه گرفته است. موج بی توقف اعتراضات صنفی، سیاسی و مدنی که در سراسر سال گذشته در بیشتر نقاط کشور جریان داشت و اوج آن در دی ماه اما نشان داد که جامعه نمی خواهد به کام بحران حکومت ساخته دیگری از جنس بحران هسته ای با آثار هستی سوز و خانمان براندازش برود. مردم از سرنوشت سیاهی که حکومت برایشان رقم می زند، تن می زنند. تحمل شان به پایان رسیده و بسیاری از آنها دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. نقشه های بی خردانه و ضد مردمی حاکمان کشور تقدیر ناگزیر نیست. می توان اجازه تحقق آن را نداد، می توان جلوی این روند ایستاد.



سرکوب مردم فلسطین و همسویی خامنه ای با نتانیاهو

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۶ فروردین



ولی فقیه با جنگ افروزی و اخلال در روند صلح بین فلسطین و اسرائیل، در عمل برای تنور جنگی نتان یاهو هیزم تهیه می کند. در حالی که دولت اسرائیل مردم بی دفاع و غیر نظامی فلسطین را به قتل می رساند، خامنه ای در روز چهارشنبه ۱۵ فروردین، با حمایت از حماس به دروغ خود را مدافع مردم فلسطین اعلام کرد. در حالی که سرکوب مردم فلسطین به شدت محکوم است، سیاستهای ماجراجویانه رژیم ایران در مساله فلسطین در ابعاد کلان مخرب است.

موضع گیری رژیم ولایت فقیه تا کنون نه تنها به نفع مردم فلسطین نبوده بلکه همواره با حمایت تمام عیار از نظر مالی و نظامی از نیروهای ارتجاعی مانند حماس به ادامه جنگ یاری رسانده است. اگر خامنه ای مدافع مردم فلسطین بود باید در جهت پیشبرد سیاست «دو ملت و دو دولت» و تحقق صلح در این چارچوب تلاش می کرد.

نامه خامنه ای به اسماعیل هنیه به ظاهر در پاسخ به نامه اسماعلی هنیه در ۲۸ دی ماه ۹۶ است. پاسخ نامه اسماعیل هنیه پس از حدود دو ماه و نیم به این خاطر است که خامنه ای از موضع عربستان سعودی غافلگیر شده است. پادشاه عربستان در روز سه شنبه ۱۴ دی، در گفتگویی تلفنی با ترامپ، رئیس جمهور آمریکا گفته است: «در قبال قضیه فلسطین و حقوق مشروع مردم فلسطین در بر پایی کشوری مستقل به پایتختی قدس، موضعی ثابت دارد.»

ولی فقیه که هزینه زیادی در جنگهای نیابتی، از یمن، لبنان، سوریه تا فلسطین پرداخت کرده است، نگران از کم رنگ شدن نقش رژیم ولایت فقیه در مساله فلسطین و به طور کلی در خاورمیانه است.

همانگونه که جمهوری اسلامی یکی از مشکلات مردم سوریه است و نمی تواند در بحران سوریه نقش مثبت داشته باشد، کمکهایش به حزب الله لبنان و حماس هم نمی تواند راهکارهای مردم فلسطین و نیروهای مبارز آن را به سمت برقراری صلح هدایت کند

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری



نخستین زن مربی فوتبال مردان در دنیای عرب

"سلما المجیدی" ۲۷ ساله، نخستین زنی است که توانسته در دنیای عرب به عنوان مربی فوتبال مردان فعالیت کند. سودان فوتبال زنان ندارد و او از چند سال پیش در زمینه مربیگری فوتبال شانس خود را آزمود و در باشگاههای مختلف مربیگری کرد. سلما گواهینامه B فیفا در زمینه مربیگری را دارد با توجه به خانواده سنتی ای که او را تربیت کرده بودند، سلما برای تثبیت خود به خویشاوندان با چالش بزرگی روبرو بود.

سلما در سال ۲۰۱۵ در فهرست صد زن الهام بخش جهان قرار گرفته بود. پیش از او تنها زنی که در فوتبال سودان مورد توجه قرار گرفته بود، "منیره رمضان" بود که در دهه ۱۹۷۰ دیدارهای فوتبال مردان را قضاوت کرد.

ماکرون: حجاب با تمدن سازگار نیست

امانوئل ماکرون، رییس جمهوری فرانسه، می گوید حجاب زنان با معیارهای متمدنانه مطابقت ندارد. وی در مصاحبه تلویزیونی با شبکه "ب اف ام" و پایگاه اینترنتی "مدیاپار"، پوشش زنان محجبه در این کشور را با روابط موجود بین زنان و مردان در جامعه فرانسه ناسازگار دانست.

امانوئل ماکرون گفت: "ما به ایده برابری بین زنان و مردان که بسیار جمهوریخواهانه و حتی انقلابی است، وابسته ایم در نتیجه نمی توانیم بفهمیم که چنین تفاوتی، فاصله و جدایی [بین زنان و مردان] وجود داشته باشد."



او همزمان افزود که تمایلی به وضع قانون برای ممنوعیت حجاب در خیابان ندارد؛ امری که به گفته وی "غیرسازنده" خواهد بود.

امانوئل ماکرون همچنین در مورد حجاب مادران دانش آموزان هنگام همراهی آنها در برنامه های خارج از مدرسه تاکید کرد که این مادران به عنوان شهروند می توانند از

پوشش مورد علاقه خود استفاده کنند. با این حال به گفته وی مادران محجبه اگر از طرف مدارس مسوولیت همراهی دانش آموزان را برعهده باشند، باید به قوانین مدارس لاییک فرانسه احترام بگذارند.

دانش آموزان و کارکنان مدارس فرانسه اجازه استفاده از نشانه های مذهبی در موسسه های آموزشی دولتی را ندارند. همچنین کارمندان دولت هم براساس رویه قضایی این کشور در محیط کار نمی توانند از نمادهای مذهبی، به ویژه حجاب استفاده کنند.

اتریش به دنبال ممنوعیت حجاب برای دختر بچه ها

دولت ائتلافی تازه اتریش طرحی را برای ممنوعیت حجاب برای دختر بچه های زیر ده سال در مدارس ارایه کرده است. به گفته وزیر آموزش این کشور، قانون "حمایت از کودکان" قرار است تابستان امسال تدوین شود و "اقدامی نمادین برای دفاع از فرهنگ اتریش در برابر نفوذ اسلام گرایی" خواهد بود.

هنوز مشخص نیست چند نفر از این قانون متأثر می شوند، به ویژه به این دلیل که بسیاری از مسلمانان معتقدند دختران باید بعد از رسیدن به سن بلوغ حجاب بر سر کنند.

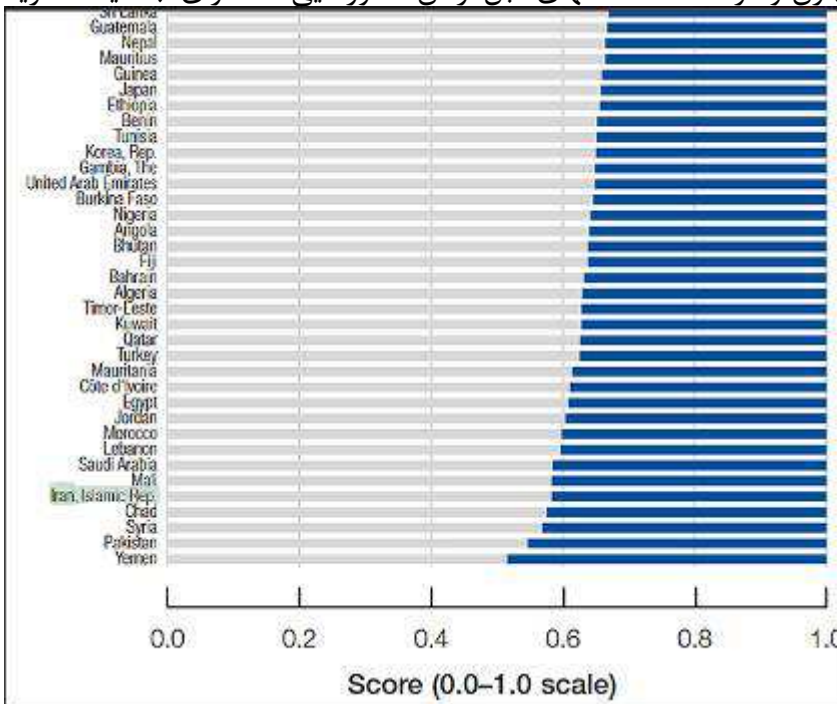


"سباستین کروز"، صدراعظم اتریش از حزب راست میانه "مردم"، به یک شبکه رادیویی گفته است: "هدف ما مقابله با هر جامعه موازی در اتریش است." حزب آقای کروز سال گذشته با موضعگیری سختگیرانه علیه مهاجرت در انتخابات پیروز شد. "هانس کریستین اشتراخ"، معاون صدراعظم اتریش از "حزب آزادی"، در حساب فیس بوک خود نوشته است: "دولت به دنبال دفاع از دخترچه ها در برابر اسلام سیاسی است."

صدراعظم اتریش در کنفرانسی خبری همراه با آقای اشتراخ گفت، مدارس با مشکل روبرو شده اند، اما آماری برای نشان دادن ابعاد این موضوع ارائه نکرد. سال گذشته "الکساندر فان در بلن"، رئیس جمهوری اتریش، از همه زنان خواست برای همصدایی علیه اسلام هراسی روسری برسر کنند.

۲۰ کشور اسلامی در انتهای رتبه بندی شکاف جنسیتی در جهان

در گزارش سال ۲۰۱۷ شاخص جهانی تساوی زن و مرد، همانند سالهای قبل از آن کشورهایی که دارای جمعیت اکثریت



مسلمان هستند، در فهرست ۲۰ کشور انتهای این رده بندی قرار گرفته اند. این مساله در مورد کشورهای اسلامی ثروتمند (قطر، عربستان سعودی) یا فقیر (یمن، چاد)، اهل سنت (عربستان سعودی) یا شیعه (ایران) صدق می کند. با این حال یازده کشور از خاورمیانه و شمال آفریقا در مقایسه با سال قبل امتیاز کلی خود را ارتقا داده اند. جمهوری اسلامی با گرفتن رتبه ۱۴۰ در قعر این جدول قرار دارد. شرایط زنان در ایران به لحاظ شکاف جنسیتی فقط از چهار کشور سوریه، یمن، چاد و پاکستان بهتر عنوان شده.

از سال ۲۰۰۶ مجمع جهانی اقتصاد اقدام به انتشار گزارش سالیانه شکاف جنسیتی در جهان (Global Gender Gap) می کند که به رصد تساوی زن و مرد در چهار حوزه سلامت، آموزش، سیاست و اقتصاد در کشورهای مختلف جهان می پردازد.

پارامترهای متعددی برای سنجش توزیع منصفانه منابع ملی در این خصوص مورد توجه قرار می گیرد. برای مثال، امید به زندگی در زنان در مقایسه با مردان، نسبت جنسیت در تولد، سواد، دسترسی به آموزش، دستمزد، مسوولیت‌های مدیریتی و نمایندگان انتخابی در یک کشور.

در سال گذشته، ۲۷ کشور از جمله کانادا، در حوزه آموزش موفق به دریافت امتیاز کامل یک شدند. تعداد کشورهای مورد بررسی از ۱۱۴ در سال ۲۰۰۶ به ۱۴۴ در سال ۲۰۱۷ رسید. در حالیکه تساوی زن و مرد در عرصه جهانی از سال ۲۰۰۶ به طور ثابت رو به افزایش بوده است، برای نخستین بار در سال ۲۰۱۷ یک بازگشت اندک مشاهده شد که دلیل آن کاهش برابری جنسیتی در محل کار و نمایندگی سیاسی بود.

بنابر گزارش مجمع جهانی اقتصاد، در رنکینگ تساوی زن و مرد، کشور ایسلند برای هشتمین سال پیاپی در صدر قرار دارد. پس از آن به ترتیب کشورهای نروژ، فنلاند، رواندا، سوئد، نیکاراگوئه، اسلونی، ایرلند، نیوزلند و فیلیپین قرار گرفته اند. در میان کشورهای گروه ۲۰، فرانسه با رتبه یازدهم بالاترین جایگاه را دارد، در حالیکه ۶ کشور از این گروه در پایین فهرست قرار گرفته اند: چین (۱۰۰)، هندوستان (۱۰۸)، ژاپن (۱۱۴)، کره جنوبی (۱۱۸)، ترکیه (۱۳۱) و عربستان سعودی (۱۳۸).

نخست وزیر که ازدواج نکرده، باردار است و به مرخصی زایمان خواهد رفت

"جاسیندا کیت لورل آردن (Jacinda Kate Laurell Arden)، نخست وزیر ۳۷ ساله نیوزیلند، زندگی متفاوتی با دیگر هم‌تایان خود دارد؛ وی زنی است که تاکنون ازدواج نکرده و با شریک زندگی اش زندگی می‌کند. وی از اول اوت ۲۰۱۷ رهبر "حزب کارگر" و رهبر اپوزیسیون در نیوزیلند بود و پس از پیروزی این حزب در انتخابات و ائتلاف با حزب نخست نیوزیلند، به مقام نخست وزیر این کشور رسید. او از روز ۲۶ اکتبر ۲۰۱۷ در این مقام است و به عنوان جوان ترین نخست وزیر این کشور از سال ۱۸۵۶ و همچنین جوان ترین رهبر زن در جهان شناخته می‌شود.



جاسیندا آردن دختر یک مامور پلیس و یک کارمند مدرسه از یک شهر مزرعه ای در جزیره شمالی نیوزیلند است که از ۱۷ سالگی به حزب کارگر نیوزیلند پیوسته است. به گفته خانم آردن دلیل او برای ورود به سیاست این بود که حس می‌کرد مسوولیت بزرگی برای حفاظت از افراد دیگر بر عهده اوست.

زنانی که پیش از خانم آردن به

مقامهای سیاسی بالا رسیدند، به طور عمده تابع عرف رایج جامعه بودند؛ اما جاسیندا آردن زندگی متفاوتی را پیشه کرده است؛ مساله ای که او را نسبت به دیگر زنان سیاستمدار متفاوت می‌کند.

"کلارک گایفورد"، شریک زندگی جاسیندا آردن، مجری تلویزیون است. آن دو در روز ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸ اعلام کردند که در انتظار نخستین فرزند خود هستند که در ماه ژوئن متولد خواهد شد. نخست وزیر نیوزیلند قصد دارد که پس از تولد فرزندش مانند دیگر زنان نیوزیلندی از مرخصی زایمان استفاده کند.

نخست وزیر نیوزیلند که از زمان تولد به عنوان یک مسیحی و عضو کلیسای عیسی مسیح قدیسان آخرالزمان بزرگ شده است، در سال ۲۰۰۵ از عضویت کلیسا خارج شد. وی دلیل این کار را مغایرت اندیشه های مسیحی با افکار خود از جمله ازدواج همجنس گرایان عنوان کرد. ازدواج همجنس گرایان در سال ۲۰۱۳ در این کشور قانونی شد.

چالش‌های معلمان در فرودین ماه (۹۷)

فرنگیس بایقره

سقوط از مدارس کپری به مدرسی از خشت و تنه درختان

محمد باسط درازهی، نماینده سروان، سیب و زابلی در مجلس شورای اسلامی از کاهش بی وقفه تعداد مدارس در سیستان و بلوچستان و شرایط وخیم مدارس باقیمانده خبر داد.



وی گفت: "مدارس این استان با کمبود وسایل سرمایشی و گرمایشی روبرو هستند و نه تنها مدارس کپری وجود دارد، بلکه وضعیت بدتر است و دانش آموزان در مدرسی مشغول به تحصیل اند که با خشت و تنه درختان ساخته شده و با توجه به باد و توفانی که در این مناطق وجود دارد، خطرات بسیاری برای دانش آموزان به همراه دارد."

وی افزود: "برای دسترسی به همین مدارس در

برخی از موارد دانش آموزان ناچارند چندین کیلومتر پیاده روی کنند. متأسفانه کیفیت آموزش در این استان روزبه روز کاهش می یابد چراکه با توجه به رشد جمعیت، آموزش و پرورش نمی تواند نیروی انسانی مورد نیاز خود را برای حضور در مدارس تامین کند."

درازهی خاطرنشان کرد: "معلمان حق التدریسی در این استان به علت عدم دریافت حقوق خود انگیزه لازم برای آموزشهای لازم را ندارند، چرا که برخی از این افراد حقوق یکسال خود را دریافت نکرده اند و از نظر اقتصادی در مضیقه هستند."

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در پایان افزود: "تمام مشکلات ذکر شده عواملی هستند که دست به دست هم داده و باعث ترک تحصیل یا عقب ماندگی تحصیلی دانش آموزان در مناطق محروم می شوند."

جایزه بین المللی یک اتحادیه معلمان بریتانیا به فعال زندانی اهدا شد



جایزه "همبستگی بین المللی" یک اتحادیه معلمان بریتانیا به اسماعیل عبدی، معلم زندانی در اوین، تعلق گرفت.

اتحادیه مدیران مدرسه و معلمان زن (NASUWT) بریتانیا در توضیح اهدای این جایزه به عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، نوشت: "این جایزه به آقای عبدی به خاطر تعهد او به مبارزه برای حقوق معلمان و برابری آموزشی در ایران اهدا می شود."

اتحادیه مزبور ۳۰۰ هزار عضو دارد و دومین اتحادیه بزرگ معلمان بریتانیا

است. اتحادیه معلمان بریتانیا پیش از این نیز به زندانی شدن عبدی اعتراض کرده بود و خواستار آزادی او شده بود.

"کریس کیتس"، دبیر اتحادیه، نیز در بیانیه ای نوشت: "اسماعیل عبدی به خاطر شهامتش در ایستادگی برای حقوق بشر و اتحادیه معلمان، آن هم در مواجهه با برخوردی سرکوبگرانه و خشن، به منبع الهامی برای معلمان و فعالان اتحادیه های کارگری در سرتاسر جهان بدل شده است."

کیتس همچنین از ادامه تلاشهای اتحادیه معلمان بریتانیا با همکاری سازمان عفو بین الملل برای فشار بر حکومت ایران "در راستای آزادی بی قید و شرط اسماعیل" خبر داد.

اسماعیل عبدی امسال سومین نرورز متوالی خود را در زندان اوین گذراند.

وجود هشت میلیون و ۸۰۰ هزار بی سواد مطلق کشور

رییس سازمان نهضت سوادآموزی از افزایش نرخ بیسوادی در ۱۳ استان خبر داد.

بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در سال ۱۳۹۷

۸۹۷ میلیارد تومان

۲،۵ برابر بودجه سازمان نهضت سوادآموزی

آمار بی سواد

۹ میلیون نفر

اگر حکمرانی خوب بود

* وظیفه اصلی این مرکز که به فرمان خامنه‌ای تأسیس شد، تأمین رفاه و ارائه خدمات به طلبه‌های «غیرشاغل» است

t.mi/Corruptionwatch

علی باقرزاده گفت: "طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال بالغ بر دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بی سواد شناسایی شده است که حدود ۴۰۰ هزار نفرشان را اتباع خارجی تشکیل می دهند. اما در مجموع در همه گروه‌های سنی هشت میلیون و ۸۰۰ هزار بی سواد مطلق و ۱۱ میلیون کم سواد در کشور داریم."

وی افزود: "میانگین تحصیل ایرانیان هشت سال بوده و لازم است زمینه اجباری شدن تحصیلات تا پایان سال دوازدهم فراهم شود."

باقرزاده ادامه داد: "طی سالهای ۹۱ تا ۹۵ نرخ سوادآموزی رشد ۲،۸۵ درصدی پیدا کرد و یک میلیون و ۴۸۰ هزار نفر از آمار بیسوادان کاهش پیدا کرد. این در

حالی است که نرخ رشد باسوادی طی سالهای ۸۶ تا ۹۰ حدود ۰،۲ درصد بوده و متأسفانه نرخ بیسوادی در ۱۳ استان افزایش پیدا کرده است."

اعلام اعتصاب غذای اسماعیل عبدی در اعتراض به پایمالی حقوق معلمان و کارگران

اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان تهران، که هم اکنون در زندان به سر می برد، با انتشار بیانیه ای اعلام کرد در اعتراض به پایمالی حقوق شهروندی معلمان و کارگران دست به اعتصاب غذا خواهد زد.



این معلم زندانی در بیانیه خود نوشت: "پس از برجام در حالی که مسوولان جمهوری اسلامی در تریبونها از پایبندی نظام به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین المللی سخن می رانند، بخشهایی از حاکمیت حتی به قانون اساسی که خود تدوین گر آن بوده اند، وفادار نیستند. آنان با ایجاد فضای امنیتی برای اندک تشکلهای مستقل صنفی کارگران و معلمان و سرکوب تجمعات مسالمت آمیز و پرونده سازی برای فعالان صنفی و صدور احکام

زندان سعی دارند تضادهای موجود در سطوح مختلف جامعه را کنترل و منتقدان را سرکوب نمایند."

اسماعیل عبدی افزود: "عده ای از کار به دستان، با اعمال فشار به دستگاه قضایی در صدور کیفرخواست و حکم، رد اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور، رد آزادی مشروط و حتی در دادن مرخصی به زندانیان دخالت کرده و فراتر از قانون حرکت می کنند و متأسفانه قاضی، دادستان و عوامل قضایی، تحت امر آنها هستند."

وی تاکید کرد: "اینجانب ضمن اعلام همبستگی با تمام معلمان و کارگران جهان، به عنوان یک آموزگار و عضو هیات مدیره تشکل قانونی کانون صنفی معلمان تهران، دارای مجوز از وزارت کشور، نسبت به عواقب شوم برخوردهای سلیقه ای و غیرقانونی در قوه قضاییه هشدار می دهم."

اسماعیل عبدی اعلام کرد: "در اعتراض به نقض گسترده حقوق شهروندی معلمان و کارگران ایران و با درخواست مشخص برگزاری دادگاه علنی و برخورداری از حقوق قانونی در پرونده ام همچون استفاده از حق مرخصی طبق ماده ۵۲۰ و مرخصی استعلاجی جهت درمان (که اکنون به شکل غیرقانونی مسدود شده است)، از تاریخ سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ اعتصاب غذا خواهیم کرد. بدیهی است عواقب ناشی از این اعتصاب غذا بر عهده قوه قضاییه است."

تجمع معلمان و فرهنگیان جزیره خارک



جمعی از معلمان و فرهنگیان جزیره خارک روز دوشنبه ۲۰ فروردین در اعتراض به قطع بعضی از خدمات توسط شرکت نفت از قبیل تردد رایگان به بوشهر، مقابل ساختمان آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند.

جزیره خارک که در ۳۸ کیلومتری ساحل بندر گناوه در خلیج فارس قرار دارد، از توابع استان بوشهر می باشد و یکی از مشکلات معلمان و فرهنگیان این جزیره رفت و آمد بین خارک و بوشهر و هزینه سنگین آن است.

رییس آموزش و پرورش خارک در شهریور ماه سال ۹۶ گفته بود: "بحث ایاب و ذهاب فرهنگیان خارک به دلیل هزینه زیاد آن یکی از مشکلات عدیده فرهنگیان است، به طوری که فرهنگیان خارک برای یک سفر خانوادگی به بوشهر باید حدود نیمی از حقوق دریافتی خود را هزینه کنند."

تجمع معلمان کرمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق



روز پنجشنبه ۲۳ فروردین معلمان خرید خدمات شهرستانهای قلعه گنج و رودبار جنوب، واقع در استان کرمان، که یکسال حقوق نگرفته اند، در مقابل استانداری کرمان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

معلمان پلاکاردهایی را در دست داشتند که روی یکی از آنها نوشته شده بود: "عید معلم زمان نیست که زحمت یکسال معلم حقوق پنج روز وزیر باشد."

محمد حبیبی به صورت موقت آزاد شد

محمد حبیبی، عضو کانون صنفی فرهنگیان، پس از ۴۴ روز بازداشت یکشنبه ۲۶ فروردین به قید وثیقه آزاد شد. او ۱۲ اسفند سال گذشته در مقابل مدرسه ای که در آن تدریس می کرد توسط ماموران لباس شخصی بازداشت شد. خدیجه پاک ضمیر، همسر او، به رسانه ها گفته بود که ماموران لباس شخصی حبیبی را مورد خشونت فیزیکی قرار دادند. به گفته وی، آنها با برکه هایی که آرم سپاه پاسداران داشت، پس از ضرب و شتم حبیبی را دستگیر و خانه اش را تفتیش کردند.

در آستانه تعطیلات نوروزی امسال خانواده او از احتمال آزادی این معلم با قید وثیقه خبر داده بودند، اما با وجود تامین وثیقه، آزادی حبیبی تا به امروز به تاخیر افتاد.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی تا به حال دلیل بازداشت این عضو کانون صنفی فرهنگیان را اعلام نکرده است.

علاوه بر حبیبی محمود بهشتی لنگرودی و اسماعیل عبدی از دیگر اعضای کانون صنفی فرهنگیان بازداشت و زندانی شده اند.



تجمع سراسری معلمان "خرید خدمات آموزشی" در شهرهای مختلف

معلمان خرید خدمات آموزشی در شهرها و استانهای مختلف از جمله قزوین، کرمان و یزد، مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع کردند.



این معلمان که از سال ۹۶ مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند، خواستار پرداخت معوقات مزدی و تغییر شرایط شغلی خود شدند.

یکی از حاضران در تجمع قزوین گفت: "دستمزد ما معلمان خرید خدمات از حداقل مزد وزارت کار کمتر است و از بیمه کامل نیز بی بهره ایم. خواسته ما پرداخت به موقع مطالبات، برخورداری از حق

بیمه و دستمزد همسان با معلمان رسمی است."

به گفته این معلم، وزارت آموزش و پرورش هر بار به بهانه کمبود بودجه، معوقات معلمان خرید خدمات را با ماه ها تاخیر پرداخت می کند.

روسی زبان دوم می شود

وزیر آموزش و پرورش که به روسیه سفر کرده بود، به مقامات روسی پیشنهاد کرد که زبان فارسی و روسی در مدارس دو کشور به عنوان زبان دوم آموزش داده شود.

سید محمد بطحایی روز آدینه ۳۱ فروردین به همراه مهدی سنایی، سفیر جمهوری اسلامی، در دیدار با "ویاچسلاو نیکونوف"، رییس کمیته آموزش و علوم دومای روسیه، این مطلب را بیان کرد.

وی گفت: "دولت ایران قصد دارد انحصار زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم شکسته شود و سایر زبانها به ویژه زبان روسی نیز در ایران گسترش یابد."

بطحایی افزود: "من این موضوع را با وزیر آموزش و پرورش روسیه در میان گذاشتم و اعلام کردم که در صورت آموزش زبان فارسی در مدارس روسیه، ایران نیز می تواند در قالب تفاهمنامه ای آموزش زبان روسی را در مدارس خود داشته باشد."

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ابراز امیدواری کرد که طرف روسی از این پیشنهاد حمایت کرده و کارگروهی را برای رسیدن به تفاهنامه تشکیل دهد.

(منابع: خانه ملت، رادیو زمانه، ایسنا، حقوق معلم و کارگر، ایلنا، ایران ما، ایرنا)

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

دانشجوی دختر خیابان انقلاب به یکسال زندان محکوم شد



نسرین ستوده، وکیل مریم شریعتمداری، یکی از دختران خیابان انقلاب، روز سه شنبه ۷ فروردین از محکوم شدن موکلش در دادگاه کیفری استان تهران به یک سال حبس تعزیری خبر داد. وی افزود که اتهام مریم شریعتمداری، "تشویق به فساد از طریق کشف حجاب" بوده است.

مریم شریعتمداری، ۳۲ ساله و دانشجوی رشته کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر تهران، روز ۴ اسفند

سال گذشته با بالا رفتن از سکوی مخابرات خیابان انقلاب، در اعتراض به حجاب اجباری روسری اش را برداشت و در دست گرفت. یک مامور نیروی انتظامی، مریم شریعتمداری را با خشونت به پایین سکو هل داد که سبب آسیب دیدن پای او شد. فیلم برخورد با مریم شریعتمداری بازتاب گسترده ای در شبکه های اجتماعی یافت.

بازگشت مهدیه گلرو به دانشگاه / سردرگمی دیگر دانشجویان ستاره دار

مهدیه گلرو، فعال دانشجویی و از فعالان حقوق زنان که به دلیل فعالیتهای خود از تحصیل محروم و در شمار دانشجویان ستاره دار قرار گرفته بود، پس از ده سال به دانشگاه بازگشت. با این حال دانشجویان ستاره دار دیگر از جمله مجید دری با وجود چند روز تحصن مقابل وزارت علوم، همچنان از ادامه تحصیل محروم هستند و نه تنها گره ای از مشکل شان باز نشده، بلکه تهدید نیز شده اند.



موج جدید اعتراض دانشجویان ستاره دار زمانی بود که منصور غلامی، وزیر علوم، در آذر ماه سال

گذشته اعلام کرد که دانشجوی ستاره دار نداریم! مجید دری در اعتراض به حرفهای او، با یک تابلوی دست نویس مقابل وزارت علوم تحصن کرد و مهدیه گلرو هم با او همراه شد و نامه اعتراضی خود را به وزارت علوم داد. در آن زمان مهدیه گلرو در توییت خود نوشت که مسوول حراست وزارت علوم، دری را به زندان تهدید کرده است.

پس از آن تعداد دیگری از دانشجویان اعلام کردند که ستاره دار هستند، از حق تحصیل محروم شده اند و پیگیریهای شان برای برطرف شدن این مشکل بی نتیجه بوده است.

اواخر سال ۹۶ مشکل مهدیه گلرو حل شد و غلامی اعلام کرد که تنها دانشجوی ستاره دار مجید دری است، دری چندین روز مقابل وزارت علوم رفت و به این وضعیت اعتراض کرد. او در توییت خود نوشته بود: "امروز هنگام رسیدنم فضا ملتهب به نظر می رسید. نیروی انتظامی مستقر شده و تعداد سربازها بیشتر بودند. نیروی انتظامی از من خواست که محل را ترک کنم در غیر این صورت مجبور هستند بازداشت کنند. هدف من دانشگاه است نه زندان، اما اگر مسیرش از زندان بگذرد هم ابایی ندارم. بازگشتم تا هفته بعد."

بی خبری از وضعیت دانشجوی بازداشتی دانشگاه خوارزمی



عرفان ساعد پناه، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران، در تاریخ ۲۸ اسفند ۹۶ از سوی نهادهای امنیتی در شهر سنندج بازداشت شده و تاکنون از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست و خانواده او در بی خبری به سر می برند.

این دانشجوی اهل سنندج در اداره اطلاعات سنندج نگهداری می شود و تلاش خانواده برای ملاقات و آگاهی از وضعیت او بی نتیجه مانده است. به آنها گفته شده وی اجازه ملاقات نداشته و مراحل بازجویی را طی می کند.

خاطر نشان می شود که دلیل بازداشت این دانشجو تلاش برای برگزاری جشن نوروز در مناطق کردنشین عنوان شده است.

تجمع دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به اخراج یکی از اساتید



روز پنجشنبه ۲۳ فروردین جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز در اعتراض به اخراج یکی از استادان دانشگاه توسط عوامل حکومتی دست به تجمع زدند.

آنها پلاکاردهای در دست داشتند که بر آنها از جمله نوشته شده بود: "تلاش و علم و دانش، اخراج شدن جواش"، "نه به اخراج مغزها".

در چند ماه اخیر اخراج استادان به دلیل دگراندیشی یا ابراز انتقاد شدت گرفته. گذشته از اخراج صدها استاد از دانشگاه آزاد، دانشگاه های دولتی نیز دست به تصفیه کادر علمی زده اند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس



جمعی از دانشجویان در دانشگاه تربیت مدرس تهران با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان رفع مشکلات صنفی، شفافیت بودجه ها و هزینه های دانشگاه شدند.

روز یکشنبه ۲۶ فروردین دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض

به سیاستگذاریهای مدیران رده بالای دانشگاه و به ویژه معاون دانشجویی، محمدرضا اصلاحچی، تجمع و اعتراض کردند. دانشجویان خواستار شفافیت در بودجه و هزینه های دانشگاه هستند. آنها می گویند امکانات و بودجه دانشگاه در اثر سوومدیریت هیات رییسسه اتلاف شده و به درستی صرف نمی شود.

دانشجویان همچنین به تخلیه غیرقانونی خوابگاهها، اجاره امکانات دانشگاه (سالن ورزشی، استخر و...) به نهادها و اشخاص خارجی و مسایلی از این دست که محصول سوومدیریت و نگاه تجاری و بنگاه دارانه مسوولان دانشگاه است، اعتراض دارند. شورای صنفی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس حمایت خود از این اعتراضات اعلام کرده است.

اعتراضات دانشجویی در دانشگاه تربیت مدرس وارد چهارمین روز شد

روز سه شنبه ۲۸ فروردین، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در چهارمین روز از اعتراضهای خود، دوباره در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه اقدام به تجمع کردند.

این اعتراضها ابتدا از تخلیه اجباری خوابگاه فردوسی کلید خورد که دانشجویان آن را غیرقانونی می خوانند، اما در ادامه مسایل مختلف انباشته شده در دو سال اخیر، بخشی از دانشجویان ورودی سالهای مختلف دانشگاه را به شرکت در تجمعات اعتراضی به مدیریت ناکارآمد دانشگاه برانگیخت.

از سویی نیز، کنایه تلویحی کانال رسمی دانشگاه تربیت مدرس و تعبیر اعتراض دانشجویان به "اغتشاش"، ناراحتی معترضان را برانگیخته است.

دانشجویان معترض با در دست داشتن نوشته هایی از جمله "دانشگاه، بنگاه نیست"، "نگاه بازاری به دانشگاه ممنوع" و با سر دادن شعارهایی مثل "صندلی حیا کن، معاون را رها کن"، با حرکت جمعی در محوطه دانشگاه به اعتراض پرداختند.

(منابع: رادیو فردا، خبرگزاری هرانا، دانشجو آنلاین، من یک دانشجو، انصاف نیوز)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

کارورزان سلامت (فروردین ۹۷)

امید برهانی

ابراز نگرانی از اعتراضات پرستاران در سال ۹۷

محمد شریفی مقدم، قائم مقام سازمان نظام پرستاری، سال ۹۷ را سال بسیار نگران کننده در حوزه پرستاری دانست و



افزود: "در حال حاضر سازمان نظام پرستاری متهم به سازشکاری با وزارت بهداشت شده است. اگر در سه ماهه اول سال آتی اتفاق خاصی نیفتد، سال پرتنشی برای پرستاران و وزارت بهداشت خواهد بود."

این در حالی است که وزیر بهداشت در واکنش به نگرانیهای معیشتی جامعه پرستاری عنوان داشت: "قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری اعتبار ندارد.

مجلس قوانینی تصویب کرده که باید

اعتبار آنها نیز تصویب شود و بین مردم انتظار ایجاد نشود. پیشنهادی برای بودجه این قانون در دولت نبود و پیشنهاد آن نیز در کمیسیون تلفیق تصویب نشد که تصور می کنم مربوط به تامین منابع باشد."

توهین و تهدید پرستاران بی حقوق از سوی مسوولان دانشگاه علوم پزشکی اهواز

در روزهای پایانی اسفند ماه امسال زمانی که پرستاران "شرکت آوای سلامت" برای مطالبه دستمزد خود به نماینده این شرکت در اهواز مراجعه نمودند، با این پاسخ مواجه شدند که از طرف دانشگاه علوم پزشکی اهواز هیچ تامین اعتباری صورت نگرفته و این پرستاران بایستی به معاون توسعه دانشگاه مراجعه نمایند.

پرستاران به معاونت توسعه دانشگاه مراجعه کرده و موضوع درخواست را مطرح می کنند، اما از سوی مسوول دفتر این معاونت عنوان می شود که این موضوع ارتباطی به معاونت توسعه نداشته و آنها بایستی به شرکت آوا مراجعه نمایند. در همین حین، ذی حساب دانشگاه اهواز با استفاده از الفاظی رکیک و تهدید آمیز خطاب به پرستاران اعلام می کند که هیچکس هیچ تعهدی نسبت به پرداخت حقوق اسفندماه آنها ندارد.

برخورد صورت گرفته موجب ناراحتی شدید این همکاران پرستار و حتی افت فشار یکی از پرستاران خانم شده که با وجود شرایط بارداری برای دریافت حق و حقوق خود در این دانشگاه حاضر شده بود.

وضعیت اسفبار بیمارستانهای مشهد/ کار با دستکش آشپزخانه



پرستاران بیمارستانهای مختلف مشهد از شرایط اسفبار بهداشتی و تجهیزاتی انتقاد دارند. یکی از این پرستاران می گوید: "یکی از لوازم ابتدایی کار ما دستکش لاتکس است، در حالیکه در این روزهای پرکار مجبوریم با دستکش یکبار مصرف برای بیماران ساکشن انجام دهیم. حتی امروز یکی از بیماران که نیاز به سونوگرافی و انجام تکنیکهای تهاجمی داشت، به علت عدم وجود تجهیزات ضد عفونی کننده و دستکش استریل رزیدنت رادیولوژی از انجام این کار خودداری کرد."

دیگری می گوید: "روز اول عید نوروز، ۷۰۰ مراجعه به بخش اورژانس این بیمارستان داشتیم، در حالی که در همین بخش چندی پیش همکاران ما مجبور بودند با دستکش آشپزخانه به کار بیماران رسیدگی کنند." یکی دیگر از همکاران پرستار می گوید: "با اجرای طرح تحول قرار بود روند رسیدگی به وضعیت سلامت مردم بهبود یابد، اما مردم نمی دانند که چه قدر از کیفیت کار کاسته شده است. با این وضع تجهیزات احتمال انتقال بیماری از مددجویان به سایرین به شدت افزایش یافته است و مسوولین بیمارستانها و دانشگاههای علوم پزشکی حداقل در شهر مشهد به این موضوع بی توجهی می کنند."

همکار دیگری از وضعیت اتاقهای ایزوله و بخشهای عفونی بیمارستانها و نبود امکانات ایزولاسیون و ماسکهای ایزوله "۸۹۵" انتقاد کرد و گفت که این امکان هم برای آنها وجود ندارد و از ماسکهای بسیار بی کیفیت استفاده می شود که سلامت همکاران را به شدت در معرض خطر قرار می دهد. او همچنین از خرید لوازم شستشوی دست و کنترل عفونت با حداقل کیفیت خبر داد که باعث آسیب پوست دستهای پرسنل می گردد.

عیدی پرستاران بیمارستان گاندی هنوز پرداخت نشده

برخی از بیمارستانهای خصوصی تهران هنوز عیدی پرستاران را پرداخت نکرده اند. در این رابطه یکی از پرسنل گروه پرستاری در بیمارستان گاندی تهران ضمن تایید این مطلب تصریح کرد: "این در حالی است که حقوق اسفند ماه نیز در تاریخ ۲۸ اسفند پرداخت شد که در عمل نمی توانست گره خاصی از کار پرسنل باز کند."

وی ادامه داد: "با فرارسیدن ماه پایانی سال و نیاز خانواده ها به خرید مایحتاج شب عید، بسیاری از ادارات و نهادها و بیمارستانها از بهمن ماه و در نهایت تا ۱۵ اسفند ماه عیدی و مزایای پایان سال پرسنل را پرداخت می کنند، اما در این بیمارستان نه تنها حقوق اسفند ماه بسیار دیر پرداخت شد، بلکه هنوز و با گذشت چند روز از آغاز سال جدید عیدی پرسنل پرداخت نشده است که این موضوع مشکلات فراوانی را برای پرسنل پرستاری این بیمارستان به وجود آورده است." گفتنی است، موضوع معوقات پرستاری در حال حاضر به یکی از مشکلات درجه یک در جامعه پرستاری تبدیل شده است، چرا که برخی از بیمارستانها و دانشگاههای علوم پزشکی به بهانه نبود بودجه از پرداخت حقوق و دستمزد این قشر شریف و خدوم طفره می روند که این موضوع در نوع خود موجب ایجاد دلسردی در میان پرسنل پرستاری و کاهش انگیزه در آنها شده است.



صدور پرستار ایرانی به قطر / کار با حداقل حقوق

ابراهیم محمدی، مدیر روابط بین الملل سازمان نظام پرستاری به جذب پرستاران ایرانی توسط بخش خصوصی کشور قطر اشاره کرد و افزود: "این اقدام طی یک تفاهمنامه توسط وابسته کار ایران در قطر با بخش خصوصی انجام شده و پرستاران ایرانی در مراکز درمانی این کشور عربی مشغول کار می شوند."

وی با انتقاد از اینکه شان پرستاران در اعزام به قطر حفظ

نشده گفت: "متأسفانه برای اشتغال پرستاران ایرانی در قطر، حقوق ماهانه ۳۰۰۰ ریال قطر تعیین شده که رقمی در حدود سه میلیون و ۷۵۰ هزار تومان می شود."

محمدی در پاسخ به این سوال که چه عللی منجر به تمایل پرستاران ایرانی برای کار در کشورهایی همچون قطر می شود، اظهار داشت: "فاصله آموزش و بالین، عدم جذب صحیح، فرسودگی شغلی و عدم تناسب سختی کار با میزان دریافتی، از علل مهاجرت پرستاران حتی به قطر با دریافتی کم و شرح وظایف نامناسب است."

آب پاکی روی دست پرستاران؛ قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری در سال ۹۷ نیز اجرا نمی شود

قائم مقام سازمان نظام پرستاری درباره سرنوشت تعرفه های خدمات پرستاری در سال ۹۷ گفت: "عزمی جدی برای اجرای این قانون در سال ۹۷ وجود ندارد و این قانون که مصوب سال ۸۶ است، همچنان بلا تکلیف خواهد ماند." این مقام پرستاری مدعی شد: "از ابتدای دولت دوازدهم از طریق وزارت بهداشت، شورای عالی بیمه و مجلس شورای اسلامی موضوع تعرفه گذاری خدمات پرستاری را پیگیری کردیم، اما به دلیل یکسری جریانهایی که قدرت را در اختیار دارند، بلا تکلیف مانده است." شریفی مقدم تصریح کرد: "در لایحه بودجه سال ۹۷، هزار میلیارد تومان برای اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری پیشنهاد شده بود که در کمیسیونهای بهداشت و تلفیق مجلس مطرح نشد و در نهایت این اعتبار در سال ۹۷ حذف شد."

تاخیر دوازده ماهه در پرداخت کارانه کادر درمان در مشهد

کارانه کادر درمان بیمارستانهای مشهد (پرستاران، پیراپزشکان و پزشکان) در ماههای گذشته پرداخت نشده است، به طوری که برخی از پرستاران تا دوازده ماه کارانه معوقه دارند. یکی از پرستاران مشهدی می گوید: "پایه دستمزد پرستاری بسیار پایین است و "کارانه" بخش قابل توجهی از هزینه های زندگی پرستاران را پوشش می دهد. حال اگر قرار باشد کارانه را به موقع پرداخت نکنند و حتی شب عید نیز این مطالبات مزدی را نپردازند، زندگی کادر پرستاری که ماهیت شغل شان سخت و جان فرساست، با مشکل مواجه می شود." در همین حال، سیدرضا مظلوم، رییس هیات مدیره سازمان نظام پرستاری مشهد، با اظهار تاسف از پرداخت نشدن به موقع کارانه ها اظهار کرد: "باید کارانه چندین ماه پرستاران به یکباره پرداخت شود تا این عقب افتادن ۱۲ ماهه جبران شود." وی افزود: "باید شیوه پرداخت اصلاح شود تا پرستاران بتوانند از حقوق و دستمزد خود در همان سال استفاده کنند. اینکه کاری در سال ۹۶ انجام و حقوق و دستمزد آن در سال ۹۷ پرداخت شود، صحیح نیست و باید اصلاح شود. البته این تاخیر در پرداخت کارانه شامل حال همه کادر درمان اعم از پزشک، پرستار و غیره می شود."

اجرای اجباری "طرح قاصدک" در بیمارستانهای شهرستان میانه

چند سال پیش بود که نمایندگان مجلس طرحی را با عنوان "قاصدک" به تصویب رساندند که بر اساس آن پرداخت حقوق پرستاران با توجه به تعرفه گذاری خدمات باید انجام شود. وزارت بهداشت با اجرای این طرح درصدد بود تا نظام کارمندی را جایگزین نظام روزمزدی کند، ولی با اجرای این طرح در برخی نقاط کشور نارضایتیها از این طرح افزایش یافته و پرستاران به دریافتهای کم خود اعتراض کردند، چرا که در این روش پرداختی شکاف طبقاتی میان پرسنل مختلف بیمارستان افزایش یافته و به نوعی بی عدالتی حاکم می شود. در همین راستا به تازگی در بیمارستانهای شهرستان میانه نیز مسوولان بهداشت و درمان این شهرستان درصدد اجرای طرح قاصدک هستند؛ طرحی که به گفته مسوولان امر و وزیر بهداشت یک طرح اختیاری بوده و نباید آن را به صورت اجباری بر پرستاران تحمیل کرد. با وجود این، در بیمارستانهای میانه پرستاران را ملزم به امضای آن کرده اند، در صورتی که اجرای اجباری این طرح و متعهد کردن پرستاران به امضای آن امری غیرقانونی است. اما صمد طاهری، مدیر شبکه بهداشت و درمان میانه در این رابطه می گوید: "طرح قاصدک یک طرح اجباری بوده و باید تمامی پرستاران آن را امضا کنند. لذا این طرح اختیاری نبوده و یک دستورالعمل است. این طرح از سال ۹۵ ابلاغ شده، لذا تاکنون اجرا نشده بود ولی اکنون در سال ۹۷ این طرح باید به صورت اجباری اجرا شود."

پرستاران به هیات امنایی شدن بیمارستانها اعتماد ندارند



رییس نظام پرستاری تهران، در باره موضوع بیمارستانهای هیات امنایی گفت: "گروه پرستاری از هیات امنایی شدن دانشگاهها تجربه خوبی ندارد، چون هیچ نماینده ای از پرستاری در هیات امنایی شدن دانشگاهها دیده نشده است." حمید چراغی افزود: "هیات امنای عامل بازدارنده در مقابل اجرای قوانین پرستاری تلقی می شوند، زیرا اقدامی برای برقراری ضریب عصرکاری برای گروه بالین صورت نداده اند." وی تاکید کرد: "در سیستم مدیریت بیمارستانی، پرستار باید پررنگ دیده شود، زیرا ۵۰ تا ۶۰ درصد پرسنل بیمارستان را پرستاران تشکیل می دهند."

تنزل جایگاه روانشناسان پس از اجرای طرح تحول سلامت

حمیدرضا پوراعتماد، مووسس انجمن روانشناسی بالینی کودکان گفت: "پس از اجرایی شدن طرح تحول سلامت که وزارت بهداشت متولی اصلی آن است، جایگاه روانشناسان و علم روانشناسی در پیشگیری از کاهش نرخ اختلالات روانی دیده نشد، به دلیل اینکه سیاستهای وزارت بهداشت با نگاه فیزیکی و بیولوژیکی و همچنین بیمار محور تنظیم شده است." این استاد دانشگاه علوم پزشکی ادامه داد: "وزارت بهداشت در برنامه های عملیاتی که باید در آن از روانشناسان استفاده کند، اعلام می کند این موضوع با سیاستگذارهای ما سازگار نیست و این اتفاق در حالی رخ می دهد که در وزارت علوم این نیاز و رشته دیده شده است و اکنون به بهره برداری رسیده و می شود در تعامل تنگاتنگ از ثمرات آنها استفاده کرد." پوراعتماد ادامه داد: "مساله مهم اینجاست که از سال ۱۳۹۳ و اوایل سال ۱۳۹۴ نقش روانشناسان در نظام سلامت کشور از بین رفت و وظایفی که در عهده آنها بود، تنها به مباحث سطحی تقلیل یافت و همچنین مصوبه هیات دولت در فروردین سال ۱۳۹۴ روانشناسان را از ارایه خدمات به مردم محروم کرد و از آن زمان این نگاه به وجود آمد که روانشناسان به تنهایی نمی توانند به مردم خدمات ارائه کنند و همین خدمات با چندین برابر قیمت در اختیار سایرین قرار گرفت." این روانشناس با انتقاد از وضعیت فعلی سازمان نظام روانشناسی گفت: "۲۲ هزار نفر از روانشناسان در این سازمان عضویت دارند و ۱۵ سال از تاریخ تاسیس آن می گذرد که به دلیل سوومدیریت هیچ گونه عملکرد موفق از این سازمان شاهد نبوده ایم."

تجمع پرسنل شرکتی مراکز بهداشت یزد

پرسنل شرکتی مراکز بهداشت یزد در روز یکشنبه ۲۶ فروردین مقابل استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان پلاکاردی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "ما پرسنل شرکتی مراکز بهداشتی یزد به دلیل حقوق معوقه چندین ماه، کسر حقوق و نبود امنیت شغلی (تعدیل نیرو و تهدید به آن) اینجا گرد هم آمده ایم."

تجمع دانشجویان و کارشناسان علوم آزمایشگاهی

روز پنج شنبه ۳۰ فروردین، همزمان با روز علوم آزمایشگاهی، دانشجویان و کارشناسان علوم آزمایشگاهی در راستای دستیابی به مطالبات خود مقابل سازمان نظام پزشکی تجمع کردند و خواستار جلوگیری از ورود رشته های غیر مرتبط به منظور اشتغال در آزمایشگاهها شدند. یک دانشجوی رشته علوم آزمایشگاهی با اشاره به مطالبات افراد تجمع کننده گفت: جامعه علوم آزمایشگاهی با وجود سختی کار فراوان؛ حقوق بسیار کمی دارند و در عین حال ورود رشته های غیرمرتبط به این حرفه موجب به خطر افتادن اشتغال و بازار کار این رشته شده است که نارضایتی فراوانی را برای شاغلان و دانشجویان تحصیل کننده به وجود آورده است.

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۷)

فتح الله کیائیهها

نقاشی - گالری

اثر "بنکسی" در اعتراض به زندانی شدن هنرمند نقاش کرد

چندی پیش "زهرا دوغان"، هنرمند نقاش کرد، تصویری از پرچم ترکیه را روی دیوار شهرهایی که توسط ارتش این کشور ویران شده، نقاشی کرد و محکوم به ۳۴ ماه حبس گردید. اما این پایان ماجرا نبود چرا که در آنسوی دنیا هنرمند نقاش معروف، ولی گمنام دیگری به نام "بنکسی" تصویر زهرا را در تقاطع خیابان "هیوستون" و "باوری" در نیویورک در ابعاد ۲۱ متری کشید که پشت خطوطی میله مانند ایستاده است؛ خطوطی که نه تنها شباهت به میله های زندان دارد؛ بلکه نشانی از روز شمار رهایی را نیز به بیننده القا می کند. در زیر این نقاشی جمله ای هم به چشم می خورد که می گوید: "زهرا را آزاد کنید!"



بنکسی که هویتش شناخته شده نیست، در نقاشیهای دیواری خود به مسایل سیاسی و اجتماعی می پردازد.

هنر و سلاح سیاسی اش علیه نابرابری و بی عدالتی



یک گالری در شهر "فرانکفورت" مجموعه ای از آثار هنرمندان ۴۲ کشور جهان را به نمایش گذاشته که هر یک حاوی پیامی سیاسی است.

مردانی که پیراهنی سفید بر تن دارند، دور یک میز کنفرانس نشسته اند. سرشان روی زانوهای شان خم شده و

دستان شان آویزان است. این یک تابلوی رنگ روغن از "آدلته حسنی"، هنرمند ساکن نیویورک است. هنرمند در این تابلو که "خوابیده ها" (The Sleepers)

نام دارد، انفعال رهبران جهان را به باد انتقاد گرفته و ترسیم کرده؛ سیاستمدارانی که اهل عمل نیستند و به خواب رفته اند.

بعضی از تصاویر جالب این نمایشگاه عبارتند از: "رقصنده و افسر پلیس"، "پرچمهای بی معنی"، "لایکهای مجازی"، "کابینه های رای گیری"، "انتخابات" و "پلیس ضد شورش در مقابل آتش".

نمایش آثاری از زندانیان گوانتانامو

شش نقاشی و یک مجسمه که توسط زندانیان زندان نظامی آمریکا در خلیج گوانتانامو ساخته شده، چندی پیش در "دانشکده عدالت کیفری جان جی" در شهر نیویورک به نمایش گذاشته شد. این اولین بار نیست که مجموعه ای از آثار هنری این زندانیان به نمایش گذاشته شده است. برخی از این آثار عبارتند از: "مجسمه آزادی" از "محمد انسی"، "تایتانیک" اثر "خالد قسیم"، "کشتی شکسته" اثر "جمال آمیزیانی" و مدل چوبی یک کشتی اثر "معاذ العلوی".

سینما، تلویزیون

جشنواره کن خواهان تامین آزادی سفر جعفر پناهی شد



فیلم "سه رخ"، تازه ترین ساخته جعفر پناهی، در بخش اصلی جشنواره فیلم کن با فیلم "همه می دانند" اصغر فرهادی بر سر نخل طلای مهمترین جشنواره سینمای اروپای مرکزی رقابت می کند. مسوولان جشنواره فیلم کن از جمهوری اسلامی خواسته اند به پناهی اجازه دهد در این جشنواره سینمایی شرکت کند.

سال گذشته جعفر پناهی به اتهام "اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" به ۶ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از فیلمسازی، ۲۰ سال محرومیت از فیلمنامه نویسی، ۲۰ سال محرومیت از سفر به خارج از ایران و ۲۰ سال ممنوعیت از هر نوع مصاحبه با رسانه ها و مطبوعات داخلی و خارجی محکوم شد.

جشنواره فیلم کن از جمهوری اسلامی خواسته به پناهی اجازه سفر به فرانسه را دهد. "تیری فره مو"، مدیر هنری جشنواره فیلم کن، گفته است: "ما نمی خواهیم جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهیم. ما دیپلمات نیستیم. مقامات فرانسوی از درخواست ما حمایت می کنند. این درخواست رسمی است."

سینمای عربستان در جشنواره امسال کن

وزیر فرهنگ عربستان سعودی اعلام کرد که این کشور برای اولین بار، به ویژه با نمایش فیلمهای برگزیده کوتاه، در هفتاد و یکمین دوره جشنواره فیلم کن شرکت خواهد کرد. "عواد العواد"، گفت: "ما بسیار خوشحالیم زیرا با خانم "فرانسواز نیسن" (وزیر فرهنگ فرانسه) بر سر نخستین شرکت رسمی در جشنواره فیلم کن به توافق رسیدیم." شرکت عربستان سعودی در جشنواره کن با نمایش ۹ فیلم کوتاه و برگزاری نشستهای حرفه ای، به طور عمده نمادین خواهد بود.

اعتراض ۷۰ زن مستندساز به رفتار خشونت آمیز با "دختران خیابان انقلاب"

۷۰ زن مستندساز در نامه سرگشاده ای خطاب به روسای سه قوه و نمایندگان مجلس به رفتار وحشیانه ماموران انتظامی و امنیتی ایران با زنان و دختران معترض به حجاب اجباری اعتراض کردند.

آنها در نامه خود گفته اند که به اقتضای شغل خود شاهد نابسامانیها در حوزه زنان هستند و تلاش کرده اند که این مشکلات را بازتاب دهند "اما اکنون به شدت از رفتارهای خشونت آمیز اعمال شده بر زنانی که به شکلی مسالمت آمیز خواهان حجاب اختیاری و حق انتخاب پوشش هستند، خشمگین و آزرده خاطر هستیم."



آنها نوشته اند: "مجربان شما در برابر دیدگان شهروندان، دختران خیابان انقلاب را از سکوهایی که برای اعتراض مسالمت آمیزشان انتخاب کرده اند، به پایین پرت می کنند و دست و پای شان را می شکنند و حتی می شنویم در خفا و بازداشت آنان را کتک می زنند."

مستندسازان زن اینگونه رفتارهای خشونت آمیز و غیرمدنی را موجب "زیر سوال" رفتن سران سه قوه در صحنه های داخلی و بین المللی دانسته و از آنها خواسته اند تا "تاب مخالفت های مدنی و صلح طلبانه" را داشته باشند.

مینا اکبری، پگاه آهنگرانی، شیرین برق نورد، لیلا نقدی پری و مهناز محمدی از جمله امضاکنندگان این نامه هستند.

"سسمی ستریت" به دیدار کودکان جنگ زده خاورمیانه می رود



در حالیکه جنگ داخلی سوریه هفتمین سال خود را طی می کند، میلیونها کودک آواره در اردوگاههای پناهجویان، دوران کودکی خود را می گذرانند. اما یک شرکت غیر انتفاعی آمریکایی که با شوی تلویزیونی عروسکی معروف آمریکایی "سسمی ستریت" همکاری می کند، می گوید عروسکهای محبوب خود را به کشورهای جنگ زده خواهد فرستاد تا کمی شادی و نشاط به دنیای این کودکان ببخشد.

"شری روزنفلد"، معاون رییس شرکت غیرانتفاعی "کارگاه سسمی" گفت این سازمان در همکاری با "کمیته بین

المللی نجات" (IRC) برای کودکان مناطق جنگ زده امکان آموزش فراهم می کند تا به آنها و خانواده های شان در مبارزه با اثرات تکان دهنده جنگ یاری دهد.

او می گوید این کار را از دو طریق انجام خواهند داد: "یک روش ارابه خدمات به طور مستقیم از طریق شخصی برای یک و نیم میلیون کودک آسیب دیده است. دیگری ایجاد برنامه های آموزشی جدید است که در دسترس ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار کودک در سراسر عراق، اردن، لبنان و سوریه خواهد بود."

موسیقی

اجرای قطعاتی برای زنان در کنسرت گروه تال

گروه موسیقی "تال" به سرپرستی فرج علیپور، ۲۱ اردیبهشت ماه در تهران کنسرت "گل و نی" را برگزار می کند. این کنسرت در برج میلاد با اجرای قطعاتی که برای زنان سروده شده، اجرا می شود.



در این کنسرت، زنان لر با لباسهای محلی و روسری لری (گل و نی) و در کنارشان مردان با انداختن گل و نی بر شانه ها در این مراسم شرکت می کنند. در این برنامه مسلم علیپور - خواننده - به همراه رضا ساکی و مجید پاییزاده همراه با "گل و نی" در کنار گروه به اجرای برنامه خواهند پرداخت.

قطع برق شهر برای لغو یک کنسرت



کنسرت گروه موسیقی بندری "لیان" به سرپرستی محسن شریفیان شامگاه شنبه یازدهم فروردین ماه در شهر "کلمه" در استان بوشهر، در حالی به روی صحنه رفت که از چند روز قبل امام جمعه این شهر و مقامات وابسته به وی دست به تحریک علیه برگزاری آن زده بودند.

حجت الاسلام مصلح گفته بود: "چرا باید به یک خارج نشین مجوز اجرای برنامه و موسیقی بدهیم؟ جوانان

انقلابی شهرستان دشتستان اجازه برگزاری چنین مراسمی را نخواهند داد."

این اظهار نظر اگرچه منجر به برگزار نشدن این کنسرت نشد، ولی پس از گذشت ۲۰ دقیقه از اجرای موسیقی، علاوه بر قطع برق و اینترنت استادیوم محل برگزاری کنسرت، برق کل شهر "کلمه" نیز قطع شد. سپس برق بعد از نیم ساعت وصل شده ولی پس از دقایقی به محض ورود مجدد محسن شریفیان بر روی صحنه، دوباره قطع شد که در نهایت منجر به لغو کنسرت شد.

در این مراسم بیش از ۵ هزار نفر از استان بوشهر و استانهای مجاور حضور داشتند که با چراغهای خاموش در سالن مواجه شده و ناچار به ترک محل شدند.

شعر ماه:

سیاه چالم اما
دلم می خواست سیاره ی پریشانی باشم
بر مدار مادرم
وقتی کهکشانی را بر سر می کند و
از کوچه می گذرد ...
س.ق

خانه آینه ها

م . وحیدی (م . صبح)



اینجا زمان
در پشت دیوارها ایستاده است
و مرگ
در بندبند سلول پنجره ها
در کاسه گردش چشمان شمعدانیها
خانه کرده است
خاک من
قتلگاه خورشید هاست
خاک من
گورستان قصه های نا گفته
خانه ویران آینه هاست

نیاکان سوکوار من
در ساحل ماسه ها
چشمان مدفون را می جویند

اینجا
سهم مرگ
چشمان کودکی است
که هر پگاه
در جاذبه ماه
رویاهای بر باد رفته اش را
در نی لبک چوبین باد
می دمد
ای نشسته در گوشه آیین انزوای خویش!
برخیز!
تو باید خویشتن را باور کنی!
سنگفرش خیابانها
صدای گامهای تو را می شناسند
و آسمانها
فرمان تو را می رانند
شبروان
در تهیگاه ناراستی
هرگز به خواب نمی روند

آتنا_دائمی؛ عصیان‌گری که از بیان حقیقت نمی‌هراسد

فاطمه_دائمی خشکنودهانی که به «آتنا دائمی» مشهور است در سال ۱۳۶۷ در تهران به دنیا آمد. آتنا دو خواهر نیز دارد.



پدر و مادرش هر دو به شغل آزاد اشتغال داشتند. تا مقطع دیپلم درس خواند و به سبب مشکلات اقتصادی پدر، به جای رفتن به دانشگاه، مشغول به کار شد و در باشگاه ورزشی انقلاب، در سمت منشی فعالیت کرد. او همچنین در کنار مادرش فعالیتهای آرایشگری نیز انجام می‌داد تا اینکه با تعدادی از همسن و سالان و دغدغه‌مندانی مانند خود در شبکه‌های اجتماعی آشنا شد؛ افرادی که گرایشهای اعتراضی مشترکی داشتند و بر سر علائقی چون ترانه‌های «شاهین نجفی»، رپر معترض ایرانی گردهم آمده بودند، علاقه‌ای که بعدها یکی از اتهامات او نیز شد!

دائمی و دوستانش سعی کردند دغدغه‌های خود را در خیابان جاری کنند. با گروههای مختلف مدنی ارتباط گرفتند و حتی در برگزاری و برپایی تجمعات هم شرکت کردند؛ از جمله دو تجمع مربوط به اتفاقات کوبانی. اینها از جمله فعالیتهای مدنی و حقوق بشری بود که آتنا دائمی در آنها نقش اصلی داشت. حوزه مربوط به حقوق کودکان نیز از جمله دل‌مشغولیهای اصلی آتنا بود و برپا کردن کلاسهای آموزشی نقاشی یا نمایشگاههای نقاشی برای کودکان کار و خیابان، از جمله کارهایی بود که او در این حوزه انجام داد. پخش یک شبنامه در اعتراض به یک حکم اعدام نیز از دیگر فعالیتهای آنها بود. این فعالیتها که به گفته یکی از دوستان و هم‌بندیان سابق آتنا دائمی، در عرض چندماه انجام شده بود، نگاههای سنگین امنیتی را متوجه او کرد و آتنا در مهر ۱۳۹۳ بازداشت شد و به بند دو-الف سپاه پاسداران منتقل شد.

بازداشت طولانی مدت و احکام سنگین قضایی

پس از چهار ماه زندان انفرادی و بازجوییهای مداوم، نهایتاً در بهمن ۱۳۹۳ به بند زنان زندان اوین منتقل شد و در اسفند ۹۳ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه محاکمه شد. حکم آتنا دائمی در اردیبهشت ۹۴ صادر شد. او به اتهامات «اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به هفت سال، به اتهام «توهین به رهبری و مقدسات» به سه سال و به اتهام «اختلاف ادله جرم» به چهار سال زندان محکوم شد؛ یعنی ۱۴ سال زندان. حکمی بسیار سنگین و باورنکردنی که بر روی وضعیت جسمی آتنا دائمی نیز تاثیر منفی گذاشت و او برای رعایت حال مادرش، آن را در ابتدا به خانواده اش هفت سال اعلام کرد. به دنبال اعتراض به این حکم و درخواست تجدیدنظر، در مرداد ۱۳۹۴ این پرونده در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران، مورد بررسی قاضی زرگر قرار گرفت. در مهر ۹۵ حکم دادگاه تجدیدنظر صادر شد و با شکستن حکم ۱۴ سال زندان، مجازات آتنا دائمی به هفت سال حبس کاهش یافت.

آتنا دائمی که از بهمن ۱۳۹۴ و پس از ۱۶ ماه بازداشت موقت به قید وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی در بیرون از زندان به سر می‌برد، پس از صدور حکم از سوی دادگاه تجدیدنظر، در آذر ۹۵ با هجوم ماموران سپاه پاسداران به منزل پدری اش، بازداشت شد. خود او بعداً در نامه‌ای که از درون زندان منتشر شد، درباره چگونگی بازداشت خود برای اجرای حکم هفت ساله زندان می‌نویسد: «امروز ۶ آذر ۹۵ به خانه مان هجوم آوردند، نه در حال تجاوز به دانش‌آموزان بودم و نه در حال اختلاس و صدور حکم قتل و نه فراری، بلکه فقط خواب بودم! پدر و مادرم مسافرت بودند. در را باز کردیم و حکم خواستیم، حکمی نشان ندادند، گویی برای بازداشت یک جنایتکار فراری آمده بودند و به داخل خانه حمله کردند. مجدد از

آنها حکم خواستم که به سویم حمله کردند. زنی که شرم دارم نام او را زن بگذارم، اقدام به ضرب و شتم من کرد، وقتی خواهر کوچکترم دخالت کرد به سینه او هم کوبید.»

او از زندان از این ماموران که وابسته به قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران بودند به علت «اعمال خشونت در هنگام بازداشت» شکایت کرد.

مشکلات جسمی و نگرانی از بدرفتاری در زندان

بدرفتاری ماموران امنیتی با آتنا دائمی و خشمی که دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی از او دارند، نگرانی نهادهای بین‌المللی را برانگیخته است. از جمله فیلیپ لوتر، مسئول بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین‌الملل از وضعیت آتنا در زندان ابراز نگرانی کرد و گفت: «ما نگران برخوردهای خشونت آمیز، شکنجه شدن و بدرفتاری با آتنا دائمی هستیم. او به دلیل فعالیتهای صلح طلبانه اش در زمینه مبارزه با اعدام و حمایت از حقوق زنان، به سادگی هدف برخورد مقامهای قضایی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.»

این سازمان همچنین در یک بیانیه جداگانه در آذر ۹۵ از فعالان کشورهای مختلف خواست تا با نوشتن نامه به زبانهای گوناگون، به مقامات قضایی و دولتی در ایران و سفارت‌های جمهوری اسلامی در کشورهای گوناگون، خواستار آزادی بدون قید و شرط آتنا دائمی شوند. در این بیانیه به بدرفتاری ماموران سپاه پاسداران در هنگام بازداشت آتنا دائمی نیز اشاره شده و آمده است: «از آن‌ها بخواهید... به اتهامهای مطرح شده از سوی او درباره شکنجه، رفتار نادرست، تحمل سلول انفرادی و همچنین خشونت اعمال شده زمان بازداشتش رسیدگی کنند و اطمینان دهند که به اتهامات مسئولان مربوط در دادگاهی صالح و عادلانه رسیدگی می‌شود.»

آتنا دائمی اکنون در زندان پسر می برد و در حال گذران حکم هفت ساله خود است. زنی جوان که طبق حکم دادگاه اسلامی باید حداقل شش نوروز دیگر را در زندان بگذراند، در حالیکه از بیماریهای مختلف رنج می‌برد. با این حال رسیدگی جدی به وضعیت او نیز انجام نمی‌گیرد. «مریم شفیع پور» که چند ماهی در زندان اوین، هم بند آتنا دائمی بوده است درباره برخی از مشکلات جسمی او می‌گوید: «آتنا مدت‌هاست دوربینی و سردرد دارد... قطعا عدم رسیدگی به وضعیتش مشکلات جدی برایش به وجود می‌آورد... شنیدم چند روز قبل از تولدش، یک شب به کل آن چشمان خندان معصوم نابینا شده. بردنش بیمارستان، در حد نوشتن ام آر آی و بس! [در حالیکه] باید بستری و مداوا شود.»

«ترسی ندارم؛ پشیمان هم نیستم»

آتنا دائمی از جمله مبارزان جوان ایرانی است که پشیمانی و خستگی از راه صعب مبارزه با حکومت در او راهی ندارد. دائمی در گفتگوهای رسانه‌ای، خود را فردی معرفی می‌کند که «از بیان حقیقت» هراسی ندارد و از فعالیتهای خود نیز «پشیمان» نیست. رفتارهای او نیز موید سخنانش است. او در ماههایی که به قید وثیقه آزاد بود، در حمایت از تصمیم برخی شطرنج‌بازان خارجی که برگزاری مسابقات جهانی شطرنج در تهران و حجاب اجباری شطرنج‌بازان زن را تحریم کرده بودند، کمپینی راه انداخت و با ارسال نامه به فدراسیون جهانی شطرنج، سعی کرد این نکته را توضیح دهد که حجاب بخشی از فرهنگ ایرانیان نیست، بلکه قانونی است که از سوی حکومتی مذهبی بر زنان ایرانی و حتی غیرایرانی مستقر در ایران تحمیل شده است. او از فدراسیون جهانی خواست از جمهوری اسلامی بخواهد مسابقات بر اساس استانداردهای جهانی برگزار شوند. او همچنین در پیام ویدئویی که برای کمپین «پیش به سوی ورزشگاهها» صادر کرد، «هیجان و شادی» را حق زنان ایرانی نیز دانست و با اشاره به تجربه شغلی خود در باشگاه ورزشی انقلاب، از حسرت خود برای فعالیت آزادانه ورزشی زنان گفت.

برای دختر مبارزم، گلرخ ابراهیمی ایرایی

شهین مهین فر

دخترم گلرخ؛ گل رخت را بنما. دلتنگ مهربانیهایت هستم. حیف است بمیری مادر. هنوز آرزوهایت بر آورده نشده، نمی خواهم تو را هم از دست بدهم. در خلوت سنگسار را تقبیح کردی و مشت و لگد نثارت کردند، استخوانهای ظریف و نحیف از اعتصاب غذایت، یک به یک با سنگ تحقیر و نا مهربانی له شد. غافل که تو آتشی هستی که از خاکسترت میلیونها گلرخ سر بر خواهند آورد. پهلوان من، قهرمانان داستان زندگی سراسر درد، آرش، آتنا، سهیل، زینب و چشم براه تو اند تا برگردی. حقوق بشر کشک است. دلسوزی سیاستمداران جهان بی ترحم کشک است. فقط فریاد تو در سکوت، حقیقت دارد. فریادت، فریاد میلیونها انسان بیگناه به زنجیر اسارت گرفتار وطن است. دردت را درد می کشیم به وسعت درد ایران بی پدر شده!



نامه مریم اکبری منفرد به گلرخ ایرایی در حمایت از خواهرم گلرخ سه روز اعتصاب غذا می کنم



به راستی که چه درمانده اند آنهایی که چشم تنگ شان را به پنجره های روشن و آفتاب گیر کلبه های کوچک دیگران دوخته اند و سر سفره های خوشبختی دیگران همچون صیادی گرسنه و شکم پرورانه نشسته اند.

گلرخ عزیزم، ایامی را به یاد دارم که آرش در اعتصاب غذا بود و تو محکم و استوار بدون درخواست ملاقات یا تماس تلفنی صبورانه با دلی پرتلاطم در انتظار روزهای پیش رو لحظه شماری می کردی.

آری عزیزم؛ مستبدان و ستمگران تاریخ پرنده سعادت دیگران را نمی توانند به دام بیاندازند و در قفس محبوس کنند و مملو از عقده های حقارت با مشقتی استخوان شکن می کوشند از ما موجودی افسرده و بیمار و ذلیل بسازند.

آنها چیزی نمی خواهند جز اینکه ظل کینه و نفرت بر دیوار کوتاه کلبه ی روشن ما بیفتد و همه چیز را کدر کند.

خواهرم، گلرخ عزیزم، آری ما با درد زاده شدیم و درد و رنج بخشی جدایی ناپذیر از زندگی ماست.

دستانت را به من بده تا قلبهایمان را به هم پیوند زنیم و از این فصل گذر کنیم و با آرامشی به اعماق اقیانوسها و به وسعت آسمانها، سیاهیها را از تن کلمات پاک کنیم.

شاید سخت، شاید دردمندانه، شاید رنج آور ولی بدون شک به درستی زندگی خواهیم کرد؛ ما بر این درد پیروز خواهیم شد.

آزادی امروز یک روز به ما نزدیک تر شده است.

شنیده ام با توجه به اینکه بیش از ۶۰ روز از اعتصاب غذای گلرخ در زندان جهنمی قرچک گذشته، او نه توان راه رفتن دارد و نه توان حرف زدن و بیش از ۲۰ کیلو وزن کم کرده است.

در حمایت از او و درخواست او برای برگشت به اوین از تاریخ ۱۵ فرودین ماه ۱۳۹۷، به مدت سه روز اعتصاب غذا می کنم و از تمامی وجدانهای بیدار و مجامع بین المللی و حقوق بشری درخواست دارم برای نجات جان گلرخ اقدام فوری کنند.

مریم اکبری منفرد، زندان اوین، بهار ۹۷

منبع:هرانا

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۷

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

یک ماه با جنبش‌های رنگین کمان

در ماه گذشته علاوه بر دهها حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار، شاهد خیزشها و اعتراضهای توده‌ای مثل خیزش مردم عرب خوزستان (قیام کرامت)، قیام مردم کازرون، اعتصاب گسترده در ۶ شهر کردستان و تجمعهای اعتراضی غارت شدگان بودیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان در دهه سوم فروردین ماه چنین بود:

دوشنبه ۲۰ فروردین: تجمع غارت شدگان رشت و مشهد با شعار؛ پولهای ما گم شده زیر عبا جمع شده

چهارشنبه ۲۲ فروردین: تجمع سپرده گذاران موسسه آرمان وحدت خوزستان مقابل درب شعبه ملل در اهواز



یکشنبه ۲۶ فروردین:

تجمع سپرده گذاران

آرمان وحدت در اهواز

مقابل شعبه شریعتی

دوشنبه ۲۷ فروردین:

تجمع سپرده گذاران

موسسه آرمان وحدت

خوزستان جلوی

موسسه ملل شعبه

کیان پارس اهواز/

تجمع غارت شدگان

کاسپین رشت و تخم

مرغ باران شعبه این

موسسه

چهارشنبه ۲۹ فروردین، تجمع غارت شدگان کاسپین در نمایشگاه بین المللی

پنج شنبه ۳۰ فروردین: تجمع اعتراضی غارت شدگان موسسه ملل اهواز در برابر دفتر این موسسه واقع در سی متری اهواز

با شعارهای؛ با این همه اختلاس ایران خودش کربلاست، اگر که دزدی نبود ملت که اینجا نبود، توپ تانک فشفشه ملل

باید بسته شه/ تجمع غارت شدگان مؤسسه کاسپین در مشهد مقابل شعبه پامچال واقع در بولوار سجاد

همچنین حرکت‌های اعتراضی کشاورزان ابعاد گسترده تری پیدا کرد. بحران آب موضوع محوری این اعتراضهاست. رژیمی

که میلیاردها دلار برای صدور ارتجاع و مداخله آشوبگرانه در دیگر کشورها هزینه می کند، پیرامون بحران آب هیچ گام

جدی برنداشته است.

روز یکشنبه ۱۹ فروردین، یک مجلس نشین از شاهین شهر گفت: «پنج میلیون نفر از مرداد ماه آب خوردن در اصفهان

ندارند، ۴۲۰ میلیون آب شرب نیاز است اما در حال حاضر تنها ۱۰۰ میلیون آب پشت سدها موجود است.» (انتخاب)

خبرگزاری ایسنا روز جمعه ۱۷ فروردین خبر داد که تراز سطح آب دریاچه ارومیه به ۱۲۷۰ متر رسیده که نسبت به سال

قبل دو سانتیمتر کاهش یافته است. بر اساس این گزارش، وسعت دریاچه ارومیه نیز به دو هزار و ۲۷۶ کیلومتر مربع

رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۳ کیلومتر کاهش یافته است.

حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار در ماه گذشته با وجود تعطیلات نوروز قابل توجه بود که اخبار برخی از آنها به شرح زیر

است. در مورد خیزش مردم عرب خوزستان (قیام کرامت)، قیام مردم کازرون و اعتصاب گسترده در ۶ شهر کردستان هم

به طور جداگانه پرداخته ام.

۷۱ حرکت اعتراضی بدون محاسبه حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان

*روز دوشنبه ۶ فروردین، برای ۲ روز متوالی، کارگران کارخانه ایران پوپلین در اعتراض به اخراج ۴ نفر از نمایندگان شان و عدم پرداخت حقوق اسفند ماه، در این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ۸ دی، ۴ کارگر اخراج شده در تجمع ۱۹ و ۲۰ اسفند ۱۳۹۶ نماینده کارگران بودند.

*روز سه شنبه ۷ فروردین، کارکنان اخراجی دانشگاه علوم پزشکی اهواز مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. کارکنان اخراج شده از شهرهای ایذه، باوی، حمیدیه، مسجدسلیمان، سوسنگرد، اندیمشک، رامهرمز، اهواز، بهداشت غرب و شرق، ماهشهر و... هستند. به گزارش ایران کارگر، به گفته یکی از اخراج شدگان در حال حاضر مراکز بهداشت و بیمارستانها در حال به کار گیری نیروی جدید هستند.

*بامداد روز سه شنبه ۷ فروردین، بعد از انتشار لیستی از اراضی پلاکهای مختلف واگذار شده به محصولگرا و خبر اخراج تمام نیروهای اقبالی و روز مزد در اردیبهشت، تمام کارگران بخشهای کشاورزی شرکت کشت و صنعت هفت تپه، دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از دقایقی تمام کارگران قسمتهای مختلف شرکت نیشکر هفت تپه اعم از کارخانه، خوراک دام و تجهیزات، مهندسی، فضای سبز، ترابری و حراست به کارگران کشاورزی پیوستند و در محوطه شرکت جمع شدند و پس از پاسخ ندادن مسئولان شرکت دست به راهپیمایی در بازارچه محله هفت تپه با سر دادن شعارهایی همچون «نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی» و «کارگر هفت تپه گرسنه است گرسنه است» اعتراض خود را نشان دادند.

روز چهارشنبه ۸ فروردین، ابتدا کارگران بخشهای کشاورزی دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کردند و سپس کارگران قسمتهای مختلف شرکت نیشکر هفت تپه به آنان پیوستند. به گزارش ایرنا، مدیر عامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه روز چهارشنبه ۸ فروردین، با صدور اطلاعیه ای تمام واحدهای این شرکت را با توجه به حوادث رخ داده تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کرد. در پی اعلام تعطیلی کارگران بخشهای مختلف روز پنجشنبه ۹ فروردین با برپایی تجمع در محل این شرکت ضمن مطالبه حقوق، عیدی و مطالبات پایان سال خواستار پیگیری مطالبات خود از سوی مسئولان شهرستان و پاسخگویی مدیر عامل نیشکر هفت تپه شدند.

*روز سه شنبه ۱۴ فروردین، کارگران کارخانه ایران سیلندر در اعتراض به اخراج از کار مقابل فرمانداری ویژه شهرستان ری تجمع کردند. به گزارش تهران نیوز، کارگران تجمع کننده گفتند: امروز بامداد بعد از پایان تعطیلات عید مانند سابق به امید شروع دوباره کار در محل کارخانه حضور پیدا کردیم که متولیان آن حاضر نشدند درب شرکت را بر روی کارگران باز کنند و به صورت مستقیم اعلام کردند که مدیران کارخانه به دلیل زیان ده بودن شرکت حاضر به ادامه همکاری با شما نیستند.

*روز سه شنبه ۱۴ فروردین، کارگران کارخانه مقره سازی ساوه واقع در شهر صنعتی کاوه در اعتراض به اخراج از کار با ماهها حقوق معوقه، مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارفرمای این شرکت در آخرین روزهای پایانی سال اقدام به تسویه حساب و بدهی کارگران در قالب چک بلند مدت به تاریخ خرداد و تیر سال ۹۷ کرد که به معنای عدم همکاری و تمدید قرارداد تلقی شده و به رغم گذشت دو هفته از سال جدید، قراردادی برای ادامه همکاری با این کارگران تنظیم نشده است.

*روز سه شنبه ۱۴ فروردین، بازاریان سقز، جوانرود و میروان با اعتصاب و بستن مغازه ها اعتراض شان را نسبت به بستن مرزها به نمایش گذاشتند و خواهان بازگشایی مرزها شدند. به گزارش کردپا، در شهر سقز، کسبه بازار بزرگ سقز،

پاساژهای عرفانی، مولوی، کوردستان، تقی‌زاده، فولادی، آهنی و مرادویسی با بستن مغازه‌ها مقابل پاساژها تجمع کردند. بازاریان شهر جوانرود نیز به دنبال بستن مغازه‌ها دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهر زدند. روز چهارشنبه ۱۵ فروردین، برای دومین روز اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه یافت.

*روز شنبه ۱۸ فروردین، کارگران نساجی خامنه، تولیدکننده نخ و پارچه واقع در آذربایجان که در دهه ۶۰ بایش از ۱۵۰ کارگر رسمی فعالیت خود را آغاز کرد مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران بیکار شده نساجی خامنه پیش‌تر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه و بیمه‌بازنشستگی‌شان مقابل مجلس تجمع کرده بودند.

*روز شنبه ۱۸ فروردین، کارگران کارخانه فولاد ارومیه در ادامه اعتراضات‌شان نسبت به عدم پرداخت ماهها مطالبات برای باری دیگر مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. به گزارش اروم نیوز، کارگران گروه صنعتی فولاد ارومیه ۱۱ ماه حقوق طلبکارند و از ۱۱ شهریور ماه ۹۶ در پی مطالبات خود هستند.

*روز شنبه ۱۸ فروردین، برای دومین بار در سال جدید، کارگران اخراجی کارخانه مقره‌سازی ساوه در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، برخی منابع کارگری در کارخانه مقره سازی اعلام کردند: بیش از ۱۳۰ کارگر شاغل در این کارخانه بعد از پایان تعطیلات نوروزی از کار بیکار شده‌اند. آنها ضمن اشاره به وضعیت بحرانی کارخانه اظهار کردند: کارخانه «مقره‌سازی» واقع در شهرستان ساوه به دلیل نامعلومی دچار مشکل شده و در آستانه تعطیلی قرار دارد.



*روز شنبه ۱۸ فروردین، کارگران شهرداری حمیدیه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش قدس آنلاین، یکی از کارگران شهرداری گفت: چگونه پول قبوض آب و برق و گاز خود را بدهیم مگر درآمدی جز اینجا داریم که مسئولان شهرداری می‌دانند و ما بی خبریم، امیدوارم کسی پیدا شود و حق شهروندی و حقوق را به ما برگرداند دیگر طاقتی برای خانواده‌های کارگران نمانده است.

*روز شنبه ۱۸ فروردین، برای دومین بار در سال جاری، کارکنان اخراجی دانشگاه علوم پزشکی اهواز در اعتراض به عدم تمدید قراردادشان در سال جدید و برای بازگشت به کار دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع‌کنندگان گفت: در سال ۱۳۹۴ با شرکت در آزمون استخدامی دانشگاه علوم پزشکی اهواز به صورت شرکتی بر سر کار آمدیم. دی ماه گذشته از طرف دانشگاه اعلام شد که بودجه نداریم و باید تعدادی از نیروهای این مراکز تعدیل شوند.

*گروهی از بازنشستگان صنعت فولاد و معدن تهران، کرج و حومه روز یکشنبه ۱۹ فروردین در محل درمانگاه بیمه فولاد واقع در چهارراه ولیعصر تهران تجمع کردند. به گزارش اتحاد، دولت قصد دارد بازنشستگان را زیر پوشش بیمه‌های خصوصی قرار دهد اما بازنشستگان خواهان اجرای قانون خدمات درمانی هستند. یکی از بازنشستگان کهنسال فولاد در این

تجمع گفت؛ شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ شغل فولادگران را به عنوان شغل سخت و زیان آور به رسمیت شناخت و طبق مصوبه این شورا فولادگران شاغل و بازنشسته می‌باید از خدمات درمانی ویژه برخوردار باشند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۹ فروردین، کارگران اخراجی کارخانه خوراک دام و شرکت ماهی کارون (واحدهای جانبی شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون) دست به تجمع مقابل فرمانداری شوشتر زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران معترض که خواست نامش در خبر ذکر نشود با اشاره به علت تجمع خود بیان کرد: ۱۱ روز است که کارگران این ۲ شرکت به دلیل مشکلات مدیریتی اخراج شده‌اند.

*بامداد روز چهارشنبه ۱۵ فروردین، کارگران مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال در اعتراض به اخراج شان از کار مقابل فرمانداری میاندورود تجمع کردند. به گزارش میان خبر، کارگران معترض گفتند: مدیران شرکت در ابتدای سال جاری حدود ۵۵ نفر از کارگران را اخراج کردند. کارگرانی که اخراج شدند بین ۱۳ تا ۲۱ سال سابقه کار دارند. کارگران اخراجی این شرکت روز یکشنبه ۱۹ فروردین برای دومین بار مقابل فرمانداری میاندورود تجمع کردند. کارفرما حدود ۵۵ کارگر را با ۱۳ تا ۲۱ سال سابقه کار از ابتدای سال جاری بیکار کرده است.

*روز دوشنبه ۲۰ فروردین، اهالی روستای ده بزرگ فیروزآباد بویراحمد در اعتراض به محرومیت از آب آشامیدنی مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش بویر خبر، یکی از اهالی این روستا گفت: روستای ده بزرگ فیروزآباد با ۴۰ خانوار در ۱۵ کیلومتری شهر یاسوج واقع شده است و ۱۲ سال است که از آب آشامیدنی و لوله کشی محروم است. وی افزود: مردم این روستا برای تامین آب آشامیدنی مجبورند که با چهارپا، گاری و خودرو به روستای چشمه خانی و سایر نقاط مراجعه کنند و آب بیاورند.

*روز دوشنبه ۲۰ فروردین، کشاورزان روستاهای گراب و شوتاور در اعتراض به آلوده شدن آب رودخانه روستای شوتاور به دلیل ورود پسماند فاضلاب خانه، مقابل دادگستری چاروسا تجمع کردند. به گزارش فارس، بعد از درج خبری مبنی بر آلوده شدن آب رودخانه روستای شوتاور به دلیل ورود پسماند فاضلاب خانه این روستا و با توجه به آزمایشاتی که از سوی شبکه بهداشت و درمان کهگیلویه و چاروسا صورت گرفت مشخص شد که به هیچ عنوان نمی‌شود از آب این رودخانه برای کشاورزی و آشامیدنی دام و انسان استفاده کرد که نگرانی مردم را به همراه داشت. کشاورزان خواستار تعطیلی یا نصب تصفیه خانه در پایین دست فاضلاب خانه شدند تا بتوانند به راحتی از این آب استفاده کنند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۱ فروردین، کارگران بازنشسته کیان تایر در ادامه اعتراض شان نسبت به عدم پرداخت مطالبات و خلف وعده مسئولان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش ایلنا، اعتراض کارگران به پرداخت نشدن سنوات ایام خدمت به قرار ماهی ۵۰۰ هزار تومان است. یک نفر از حاضران در تجمع گفت: طبق توافقی که میان نمایندگان بازنشستگان، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت و هیات حمایت از صنایع به عنوان کارفرمای کیان تایر انجام شده، قرار بود طی دو سال مبلغ ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ بازنشسته کارخانه کیان تایر برای پرداخت مطالبات آنها در نظر گرفته شود. به گفته معترضان، مسئولان کارخانه خلف وعده کرده و تنها در انتهای سال گذشته پس از مدتها، مبلغ ۳ میلیون تومان به هر بازنشسته پرداخت کردند.

*روز سه شنبه ۲۱ فروردین، کارگران بیکار شده چاپخانه جام جم مازندران دست به تجمع اعتراضی مقابل استانداری مازندران زدند. به گزارش کیهان، چاپخانه جام جم مازندران در ابتدای سال ۱۳۹۷ پس از ۱۳ سال کار تعطیل و ۱۵

کارگرس بیکار شدند. یک کارگر ۴۰ ساله گفت: چاپخانه جام جم مازندران ۱۳ سال پیش در ساری آغاز به کار کرد و سهمیه روزنامه جام جم استانهای خراسان رضوی، خراسان شمالی، سمنان، گلستان مازندران و گیلان در این چاپخانه منتشر می شد که اخیرا به دلیل مدیریت ناکارآمد پیمانکار جدید به بهانه افزایش ارزش دلار و افزایش قیمت مواد چاپ و دستمزدها و کاهش تیراژ تعطیل شد.

*بامداد روز سه شنبه ۲۱ فروردین، کشاورزان شهرستان رودبار جنوب در اعتراض به عدم خرید محصول کشاورزی شان و همچنین پایین بودن فاحش قیمت آن که در این فصل گوجه فرنگی است، اقدام به بستن جاده ترانزیتی رودبار - جازموریان کردند و چند کیلومتر خودروهای باری سبک کشاورزان که حامل گوجه فرنگی بود را در سراسر این جاده صف کشیدند. براساس گزارش رجانیوز، کرمان اگرچه پهناورترین استان کشور است و صنایع و معادنش مشهور، اما جنوب این استان از جمله مناطقی است که همواره با محرومیتها مختلف مواجه بوده است.

*روز سه شنبه ۲۱ فروردین، اهالی کازرون همزمان با حضور کارشناسان تقسیمات کشوری، در اعتراض با طرح تفکیک این شهرستان مقابل فرمانداری اجتماع کردند. به گزارش فارس، این عده با اعتراض به روند طرح تفکیک شهرستان کازرون که در وزارت کشور طی کرده است، معتقدند کارهای کارشناسی دقیقی در این طرح صورت نگرفته و عملی شدن ایجاد شهرستان جدید نه به دلیل دارا بودن منطقه از شرایط قانونی، بلکه به علت برخی فشارهای سیاسی انجام گرفته است.

*روز چهارشنبه ۲۲ فروردین برای دومین روز متوالی، کارگران پالایشگاه گاز ایلام در اعتراض به اخراج همکاران شان و برای بازگشت به کار، دست به اعتصاب و تجمع زدند. بر اساس گزارش تابناک، تحصن کارگران ارکان ثالث پالایشگاه گاز ایلام در اعتراض به اقدام مدیران شان در بیکار نمودن چندین کارگر وارد دومین روز شد تا شاید از این طریق صدای اعتراض کارگران به گوش مسئولان استان، پالایشگاه و وزارت نفت رسیده و مدیران پالایشگاه را به پاسخگویی در مقابل اقدامات نسنجیده شان وادار نمایند.

*روز یکشنبه ۱۹ فروردین، کارگران کارخانه متالورژی پودر ایران در ادامه اعتراضات شان نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق و عیدی برای بار دیگر دست از کارکشیدند و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران پیش از این در تاریخ ۲۳ اسفند سال ۱۳۹۶ در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و عیدی اعتصاب و مقابل استانداری قزوین تجمع کرده بودند. روز چهارشنبه ۲۲ فروردین، کارگران معترض برای بار دیگر مقابل استانداری قزوین اجتماع کردند.

*به گزارش روز چهارشنبه ۲۲ فروردین ایلنا، بیکاران بومی منطقه پارس جنوبی در ماههای پایانی سال گذشته، کمپینی تحت عنوان «کمپین بیکاران پارس جنوبی» راه اندازی کردند. هدف از ایجاد این کمپین، اعتراض به مسئولان امر برای به کارگیری گسترده ی غیربومیها در منطقه پارس جنوبی است. آنها که در روزهای گذشته مقابل اداره اشتغال منطقه ویژه پارس جنوبی تجمع اعتراضی برگزار کردند، گفتند: با این همه پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی، نباید جوانان بومی که در بین آنها افراد تحصیلکرده و متخصص هم هست، بیکار باشند.

*روز چهارشنبه ۲۲ فروردین، کارگران اخراجی و تعداد دیگری از کارگران پالایشگاه گاز ایلام در مقابل این شرکت دست به اعتراض زدند. به گزارش کردستان مدیا، این تجمع باوجود فشارهای نیروهای امنیتی رژیم و نیز حراست پالایشگاه، استمرار داشت و کارگران معترض با پهن کردن سفره خالی به وضعیت بغرنج اقتصادی خود اعتراض کردند.

*عصر روز چهارشنبه ۲۲ فروردین، کارآموزان شرکت نفتی دشت آزادگان و هویزه در ادامه اعتراض شان نسبت به بلا تکلیفی استخدامی مقابل منزل مجلس نشین شهرستان دشت آزادگان و هویزه تجمع کردند. به گزارش ذاکر نیوز، معترضان جهت اعتراض به عدم به کارگیری آنها در شرکتهای نفتی مستقر در منطقه و خلف وعده های مکرر مسئولان وزارت نفت و در راس آنها وزیر نفت و همچنین مسئولان شهرستان، در منزل این نماینده رژیم تحسن کردند.

*روز پنج شنبه ۲۳ فروردین، تاکسیرانان شهر دهدشت در اعتراض به فعالیت ماشینهای شخصی مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، با توجه به تجمعهای صنف تاکسیرانان جلو فرمانداری این شهرستان، نشست شورای تأمین با نمایندگان صنف تاکسیرانی در سالن کنفرانس فرمانداری دهدشت برگزار شد.

*بامداد روز یکشنبه ۲۶ فروردین، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در محوطه شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش اتحاد، کارگران این شرکت پس از بسته شدن کارتها و ممنوع ورود شدن تعدادی از همکاران شان توسط مدیریت دست از کار کشیدند و در مقابل دفتر حراست و امور اداری تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان باز شدن کارتهای همکاران شان که به دستور مدیر حراست مسدود شده بود شدند.

*روز یکشنبه ۲۶ فروردین، اهالی ۴ روستای بخش قطرویه، در اعتراض به نداشتن آب در روستاهای شان، دست به تجمع مقابل فرمانداری نی ریز و دفتر مجلس نشین این شهرستان زدند. به گزارش هورگان، معترضان از اهالی روستاهای کت آباد، چاه هفتم، چاه عظمی و چاه غدیر بودند و به مشکل نبود آب شرب و شستشو در روستاهای شان اعتراض داشتند. آنها پلاکارد و دست نوشته هایی با مضامینی چون؛ آب=حیات و ۱۰ سال است آب نداریم، تشنه ایم و... در دست داشتند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۶ فروردین، رانندگان تریلرهای حمل بار سنگ آهن در اعتراض به کاهش تناژ ظرفیت بارگیری و افزایش نیافتن کرایه ها اعتصاب کردند. به گزارش سیرجان خبر، یکی از رانندگان معترض گفت: از بامداد امروز طبق بخشنامه ای که از سوی پایانه به باربریهای مربوط ارائه شده است تمامی ماشینهای سنگین می توانند با وزن خود ماشین ۴۰ تن بار حمل کنند.

*روز یکشنبه ۲۶ فروردین، اعضای خانواده جانبختگان سانحه هوایی پرواز تهران - یاسوج برای اعتراض به عملکرد ضعیف هلال احمر در جستجوی اجساد، مقابل ساختمان صلح هلال احمر تجمع کردند. به گزارش فارس، اعضای خانواده هایی که در تجمع شرکت کرده بودند، با گذشت نزدیک به ۲ ماه از سقوط هواپیما در ارتفاعات دنا، هنوز هیچ قطعه ای از پیکر جانبختگان خود را دریافت نکرده اند.

*روز دوشنبه ۲۷ فروردین، اهالی روستای قشلاق از توابع شهرستان بجنورد با تجمع مقابل درب فرمانداری بجنورد خواستار اختصاص زمینی از اراضی ملی در حوالی این روستا برای استقرار خانواده های مهاجرت کرده این روستا شدند. به گزارش عصر اترک، محمود معموری، معاون سیاسی و امنیتی فرمانداری بجنورد گفت: سال گذشته تصمیم گرفته شد تا برای اهالی روستای پسرکانلو که حدود ۶۰ تا ۷۰ خانوار هستند، زمینی در اراضی ملی حوالی روستای قشلاق جانمایی و این خانوارها به علت رانش زمین در روستای پسرکانلو به اراضی ملی جانمایی شده در روستای قشلاق انتقال پیدا کنند. معموری افزود: ادارات کل بنیاد مسکن و منابع طبیعی استان موظف به جانمایی زمین شدند و این مساله انجام شد اما هنوز هیچ تاسیسات و زیرساختی در این زمینها آماده سازی نشده است.

*روز دوشنبه ۲۷ فروردین، کارگران کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز در اعتراض به متوقف شدن خطوط تولید و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل استانداری فارس زدند. به گزارش خبروان، کارگران این کارخانه می گویند؛ روغن نباتی نرگس شیراز همچنان در تعطیلات نوروزی به سر می برد و بعد از عید حتی یک لیتر روغن تولید نکرده است.

*روز سه شنبه ۲۸ فروردین، بیش از ۲ هزار نفر از مردم شهرهای سامان و شهرکرد و سایر شهرهای استان چهارمحال و



بختیاری در اعتراض به انتقال آب این استان در مقابل مسجد «پل زمان خان» در شهر سامان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش کردستان مدیا، مردم چهارمحال و بختیاری با سر دادن شعارهای «استان ما سرچشمه است، اما همیشه تشنه است»، «کنار آب نشستیم، تشنه تشنه هستیم»، «ما که صنعت

نداریم، نون از کجا بیاریم» و ... به طرح انتقال آب زاینده رود اعتراض کردند.

*روز سه شنبه ۲۸ فروردین، رانندگان آژانس تهران در اعتراض به چند برابر شدن قیمت آرم طرح ترافیک جدید مقابل شورای شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از رانندگان آژانس گفت: در گذشته طرح ترافیک برای رانندگان آژانس ۶۵۰ هزار تومان بود؛ اما حالا به یک باره به بیش از چهار میلیون تومان رسیده است، این در حالیست که تردد تاکسیهای اینترنتی بازار آژانسها را کساد کرده است و اصلا به صرفه نیست که بتوان از این طرح استفاده کنیم.

*روز چهارشنبه ۲۹ فروردین، برای سومین روز متوالی کارگران صنایع شیر تهران شهرداد موسوم به وارنا ورامین در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان که عده ای از آنان کارگران تازه اخراج شده کارخانه و عده دیگر از کارگران شاغل در کارخانه بودند برای سومین روز متوالی در مقابل درب اصلی تجمع کرده و با در دست داشتن پلاکاردهایی از مسئولان خواستند تا مطالبات شان را از مالکان کارخانه وصول کنند.

*روز چهارشنبه ۲۹ فروردین، کارگران شهرداری دارخوین در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست از کار کشیده و مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از کارگران شهرداری دارخوین گفت: مردم سال جدید را با شادی و خوشی گذراندند و ما به خاطر جیب خالی در خانه مانده ایم. آیا کسی هست که حق و حقوق ما را که شبانه روز زحمت کشیده ایم بدهد؟ یکی دیگر از کارگران شهرداری دارخوین گفت: چگونه پول قبوض آب، برق و گاز خود را بدهیم مگر درآمدی جز اینجا داریم که مسئولان شهرداری می دانند و ما بی خبریم، امیدوارم کسی پیدا شود و حق شهروندی و حقوقمان را به ما برگرداند، دیگر طاقتی برای خانواده های کارگران نمانده است.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۹ فروردین، قصابهای بروجرد در اعتراض به افزایش عوارض کشتار دام مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش سفیر افلاک، از هفته گذشته افزایش قیمت کشتار دام در کشتارگاه بروجرد سبب نارضایتی قصابهای بروجرد شد به طوری که تعدادی از این قصابیها در این مدت اعتراض خود را اعلام کردند. تا کنون هزینه کشتار دام سبک در کشتارگاه بروجرد حدود پنج هزار تومان بوده که به ۲۰ هزار تومان افزایش یافته و هزینه کشتار دام سنگین ۱۵ هزار تومان بوده که به حدود ۸۰ هزار تومان افزایش یافته و این افزایش قیمت سبب نارضایتی قصابها شده است.

*بامداد روز پنجشنبه ۳۰ فروردین، کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواسته معترضان پرداخت معوقات مزدی است. حاضران در تجمع گفتند: از سال ۹۲ که کارخانه تعطیل شده به دنبال دریافت مطالبات مزدی خود از جمله حق سنوات و عیدی و حقوق معوق هستیم. بارها هم به نهادهای مرتبط مراجعه کرده ایم اما تاکنون پاسخی نگرفته ایم.

*کارگران شهرداری دزفول روز پنجشنبه ۳۰ فروردین برای پنجمین روز متوالی مقابل شهرداری و فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران شهرداری دزفول با بیش از ۱۰ سال سابقه کار که تعداد آنان نزدیک به ۱۰۰ نفر است از دی ماه سال گذشته تا کنون حقوق دریافت نکرده و حقوق ماههای بهمن و اسفند سال ۹۶، عیدی و پاداش سال ۹۵ و ۹۶، سنوات سال ۹۴ را طلبکار هستند و کارفرما ۷ ماه بیمه تامین اجتماعی آنان را واریز نکرده است.

روز آدینه ۳۱ فروردین، برای ۴ روز متوالی، کارگران سد کانی سیب پیرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود اعتصاب کردند. به گزارش هِنگاو، یکی از کارگران مشغول به کار در این پروژه [کدام] درخواست نامش فاش شود، گفت: اعتصاب کنندگان بیش از هشتاد نفرند که بیشتر آنان رانندگان ماشین آلات و ادوات سنگین هستند. این کارگران بارها به عدم دریافت حقوق معوقه ی خود به مسئولان شرکت پیمانکار اعتراض کرده، اما هر بار کارگران با وعده های پوچ آنان روبرو شده اند.



جنبش اعتراضی کشاورزان

کشاورزان شرق اصفهان روز شنبه ۱۸ فروردین، همراه با خانواده های خود در حاشیه پل خواجه برای به دست آوردن حقابه تجمع کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم به این تجمع مسالمت آمیز حمله و تعدادی را دستگیر کردند. روز دوشنبه ۲۰ فروردین، تجمع و راهپیمایی

کشاورزان شرق اصفهان ادامه پیدا کرد. در این جنبش اعتراضی زنان نقش برجسته ای داشتند. تجمع در فلکه خوراسگان صورت گرفت و کشاورزان اقدام به راهپیمایی کردند. نیروهای سرکوبگر ضد شورش به طور گسترده کشاورزان را محاصره کردند. یکی از شعارهای مطرح شده در این روز چنین بود: «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، زندگی کشاورز روی هواست امروز»

روز آدینه ۲۴ فروردین، کشاورزان اصفهان برای چندمین بار دست به تجمع و راهپیمایی گسترده در شهر زدند. بر اساس گزارشهای تصویری که در شبکه های اجتماعی منتشر شده زنان شرکت کننده در جنبش اعتراضی کشاورزان شعار می دادند که: «دشمن ما همین جاست، الکی می گن آمریکاست». از دیگر شعارهای کشاورزان معترض «کشاورز می میرد

ذلت نمی‌پذیرد» و «نصرمن الله و فتح قریب، مرگ بر این دولت مردم فریب»، «سوریه را رها کنید فکری به حال ما کنید»، «ای لشکر شرق اصفهان آماده باش آماده باش بهر نبردی بی امان آماده باش آماده باش» و ... بود. در همین روز آخوند تبهکار در منبر نماز جمعه کشاورزان را «فتنه گر» نامید و انگار که تاکنون حق را به کشاورزان داده گفت: «دیگر به آنها حق نمی‌دهم در راهپیمایی شرکت کنند زیرا به نظر نمی‌آید این کار از سوی کشاورزان متدین انقلابی باشد.»

به دنبال سخنان این آخوند جنایتکار، در اولین ساعاتی روز شنبه ۲۵ فروردین نیروهای سرکوبگر رژیم تعداد زیادی از کشاورزان را دستگیر کردند اما کشاورزان به پا خاسته به رغم اقدامات سرکوبگرانه در فلکه خوراسگان اصفهان و ابتدای خیابان ابادر تجمع کردند. آنها شعار می‌دادند: کشاورز زندانی آزاد باید گردد؛ کشاورز می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد؛ ما زن و مرد جنگیم رو حق آبه می‌جنگیم و... نیمه شب یکشنبه ۲۶ فروردین نیروهای سرکوبگر به منظور جلوگیری از گسترش ابعاد اعتراضها و تظاهرات کشاورزان و مردم این شهر به خانه‌های مردم خوراسگان حمله بردند و شماری از کشاورزان جوانان این شهر را بازداشت کردند و در منطقه شرق اصفهان حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کردند.



آغاز دور نهایی قمار روی "برجام"

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۹ فروردین

آنچه که در نشست روز دوشنبه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ گذشت، تکرار یک رویکرد شناخته شده تاجران اروپایی در برابر مشتریان ایرانی بود. از این رو همچنان می‌توان گفت باوجود هیاهو گرد "حفظ برجام" و انزجار از حمله شیمیایی در سوریه، از اروپا خبر جدیدی به گوش نمی‌رسد.

اتحادیه اروپا می‌گوید که نشست آن پیرامون چگونگی رویکرد به ماجراجوییهای موشکی و منطقه ای رژیم مَلاها نتیجه ای در بر نداشته است. منابع نزدیک به این اتحادیه اطلاع داده اند که مخالفت اتریش و ایتالیا با برقراری تحریمهای جدید علت ناکامی یاد شده بوده است. با این حال، شرکت کنندگان نشست لوکزامبورگ بر حفظ معامله هسته ای با حاکمان ایران تاکید کرده اند.

اندکی شناخت از مکانیزم تصمیم گیری در اتحادیه اروپا و هیرارشی آن، ادعای نرسیدن به توافق به دلیل مقاومت ایتالیا و اتریش را باور ناپذیر می‌سازد. دو کشور مزبور چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی در ردیف اعضای سبک وزن این اتحادیه قرار دارند و نفوذ آنان هرگز بدان میزان نبوده که مانع اعمال اراده قُطبهای سیاسی و اقتصادی اروپا گردد.

از این رو چنین می‌نماید که بهانه مزبور بیشتر تاکتیکی از جانب اروپا با نگاه به مذاکرات در پیش با آمریکا برای حفظ "برجام" باشد که در اواخر ماه میلادی جاری (اوایل اردیبهشت ماه) برگزار خواهد شد. گفتگوهای مزبور برای تصمیم آمریکا پیرامون باقی ماندن در "برجام" تعیین کننده انگاشته می‌شود.

فاکت این است که خانم مرکل و آقای ماکرون با داشتن برگ مخالفت اتحادیه اروپا در کوله بار، امکان چانه زنی بیشتری برای مَلایم کردن رویکرد آمریکا از یکطرف و تامین منافع خود از طرف دیگر خواهند داشت.

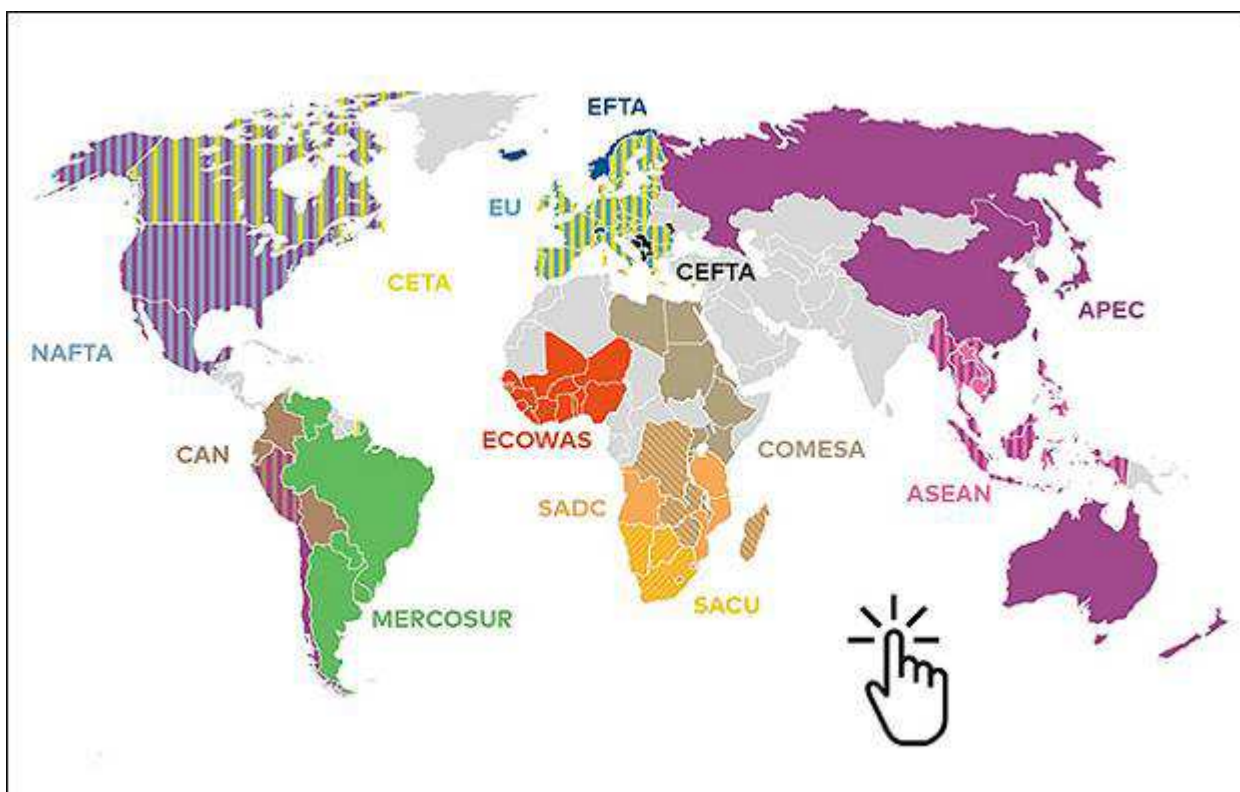
در همین حال این بلوف سیاسی می‌تواند به عقب نیز کمانه کند و آقای ترامپ را در کنار کشیدن از "برجام" مُصر سازد. بدون آن نیز مشاوران ارشد وی تاکید دارند که "اصلاح برجام" از طریق مذاکره با اروپا ممکن نیست. در هر صورت زمان درازی نباید برای ارزیابی تاثیر این تاکتیک به انتظار نشست. دیرترین هنگام برای این کار ۱۲ می/ ۲۲ اردیبهشت است؛ زمانی که آقای ترامپ تصمیم آمریکا را اعلام می‌کند.

تصمیم نشست لوکزامبورگ را فقط در سطح یک تاکتیک و نه خط نهایی باید جدی گرفت. بین آنچه که رهبران اتحادیه اروپا امروز می‌گویند و آنچه که به دنبال آنند، هنوز شکافی به پهنای حفظ یا شکست "برجام" وجود دارد.

سد ترامپ برابر تجارت جهانی و جهانی سازی

سوسیالیسم

برگردان: بابک



رییس جمهور آمریکا انگاشت خود، "نخست آمریکا" را پیش می برد و آسیب بیشتر بنیادهای سیستم بین المللی تجارت را به جان می خرد؛ سیستمی که آمریکا در هفتاد سال گذشته با شرکای غربی و بین المللی خود در چارچوب آن کار کرده و محترم شمرده.

تراز تجاری - سرمایه ای کشورهای اصلی جهان سرمایه داری از مدتها پیش دچار یک ناموزنی بزرگ است. ترامپ معتقد است که آمریکا اگر خود را در بند پیمانهای بین المللی و قواعد اسیر نکند، از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود. در این صورت آمریکا می تواند قدرت برتر اقتصادی و نظامی خود را به تمامی به میدان بیاورد تا شرایط بهتری از بقیه داشته باشد. آمریکا نظم اقتصادی و ارزی کنونی جهان را به درستی "بی نظمی" توصیف می کند، زیرا قواعد مورد پذیرش عام و همه شمولی برای چگونگی عمل سیستم وجود ندارد.

کانون درگیری بیش از همه نامتوازی در تراز تجاری آمریکا و چین است. در واکنش به تعرفه های گمرکی برقرار شده توسط دونالد ترامپ، چین هم تعرفه هایی را علیه آمریکا برقرار کرد. در این میان نشانه ها بیانگر شکل گیری یک جنگ تجاری است که اما فقط بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین جریان نخواهد یافت، بلکه از سوی آمریکا، شرکای "نفتا" (به تهدیدات ترامپ علیه مکزیک بنگرید) و اروپاییها را هم به درگیری می کشاند. از طرف دیگر، اروپاییها هم با چین اختلاف گمرکی دارند و به این ترتیب در اینجا نیز تهدید آغاز یک جنگ تجاری وجود دارد.

آمریکا مایل به دیدن رفرمهای مشخص در چین و قواعد بازی منصفانه برای حضور شرکتهای آمریکایی در بازار این کشور است. افزوده بر این، آمریکا خواهان جلوگیری از سرقت نرم افزار و تکنولوژی آمریکایی و کاهش کسری تجاری با پکن به سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار است. براساس آمار تجارت خارجی آمریکا، این رقم در سال ۲۰۱۷، ۳۷۵ میلیارد دلار بوده است، یعنی ۸ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۶. گزارش کمیسیون سرقت مالکیت معنوی آمریکا که در ابتدای سال ۲۰۱۷ منتشر شده

می گوید، میزان خسارتی که اقتصاد آمریکا از طریق مشابه سازی کالاها و کپی نرم افزارها متحمل می شود، رقمی بین ۲۲۵ تا ۶۰۰ میلیارد دلار را در برمی گیرد. این میزان برابر با ۱ تا ۳ درصد کل تولید اقتصادی آمریکا است. در محاسبات کمیسیون مزبور هزینه های نقض اختراعات به حساب آورده نشده. چین مسوول بخش اعظم این خسارات معرفی می شود. بیشترین حجم کالای صادراتی چین به آمریکا در سال ۲۰۱۷ را کامپیوتر و لوازم الکترونیکی تشکیل می داد. همزمان بر بسیاری از کالاهای وارداتی آمریکا از چین تعرفه های گمرکی ضد قیمت شکنی و عوارض جبرانی وضع شده است، به عبارت دیگر، تنش تجاری از مدتها پیش وجود داشته است. به گزارش "انستیتو اقتصاد بین المللی پترسون" (Peterson Institute for International Economics) در سال ۲۰۱۶ کالاهایی به ارزش ۴۴ میلیارد دلار و یا بیش از ۹ درصد همه کالاهای وارداتی از چین مشمول اینگونه محدودیتهای وارداتی شده اند.

رهبران چین معترفند که در تجارت خارجی، حضور در بازار چین و برخورد برابر با سرمایه گذاران خارجی مشکلاتی وجود دارد. نخست وزیر چین، لی کچیانگ (Li Keqiang) وعده داده که شرکتهای خارجی دیگر مجبور به انتقال تکنولوژی به شرکای چینی خود نخواهند بود، همچنین در بازار مالی و بیمه ای جمهوری خلق چین باز خواهد شد. و سرانجام طرف چینی نشانه هایی از کاهش تعرفه ۲۵ درصدی بر خودروهای وارداتی ارسال کرده است. این تعرفه در حال حاضر ۱۰ برابر عوارض گمرکی آمریکا برای خودروهای وارداتی می باشد. چین همزمان قصد دارد به سرمایه گذاری مشترک اجباری در مورد شرکتهای خودروسازی خارجی پایان دهد.

برای دستیابی به تفاهم، پیشنهاد و کماکان شانس وجود دارد. آمریکا اما قصد ندارد تعرفه های گمرکی خود را به خاطر وعده های لفظی چین کنار بگذارد. کشمکش این دو می تواند اوج گیرد و به یک درگیری وسیع گسترش پیدا کند. در صورت تشدید درگیری از سوی سیاست آمریکا، این شرکتهای آمریکایی و مصرف کنندگان هستند که هزینه گمرک دولت ترامپ را خواهند پرداخت، زیرا آمریکا ضعف خود در پهنه هزینه نسبی - دستمزد بالا در مقایسه با اقتصادهای شرق آسیا و هزینه بالای سرمایه در بخشهای معین در مقایسه با اتحادیه اروپا - را در میان مدت نمی تواند برطرف کند. بدینگونه دستگاه ترامپ انهدام نظم پس از جنگ را به جان می خرد.

برهم خوردن نظم پس از جنگ

برخورد رییس جمهور آمریکا به دلیل سماجتش بر شرایط "منصفانه" تجاری زیانبار نیست، بلکه به خاطر رویکرد یکجانبه گرایانه اش است که در آن نظم پس از جنگ و از این رهگذر همچنین WTO (سازمان تجارت جهانی) جایگاهی ندارند. ترامپ به درستی برای اتخاذ رویکردی که بر ناتوانی وسیع در تجارت جهانی غلبه کند، فشار می آورد. او قصد دارد در چارچوب هژمونی آمریکا به این به مناسبات یکطرفه خاتمه دهد. تصمیم دستگاه ترامپ برای خاتمه دادن به رُلی که آمریکا هفتاد سال ایفا کرده، بدون زمینه عینی نیست. با دونالد ترامپ کسی به کاخ سفید نقل مکان کرده که رویکرد و شیوه "نخست آمریکا"ی او از مدتها پیش در طبقه ممتاز اقتصادی و سیاسی پرورده شده است. دولت اوباما در تلاش برای غلبه بر بزرگترین بحران اقتصادی و مالی پس از جنگ به یک دگرگونی در جهتگیری بنیادی قدرت هژمونیک روی آورد. کوتاه سخن آنکه مساله این است که نقش رهبری آمریکا از نو تعریف و دوباره مشروعیت سازی شود و همزمان با یک سیستم دگرگون شده بین المللی سازگار گردد. سمتگیری این استراتژی بیش از همه دربرگیرنده این است که به هیچ ضعف دیگری در هژمونی اقتصادی اجازه نمود داده نشود و هزینه مداخلات به دقت سنجیده شود.

برای اوباما این مهم بود که مرزهای کاربرد منابع قدرت، با کسب نفوذ واقعی تعیین شود. این امر به ویژه در مورد حجم استفاده از قدرت نظامی صادق بود که بهره محدود آن در جنگهای نامتقارن به روشنی نشان داده شده. طرح اوباما برای چندجانبه گرایی متوجه آن بود که کشورهای متحد آمریکا باید مسوولیت و هزینه بیشتری را عهده دار شوند. با این حال دولت اوباما تلاش زیادی برای اجرایی کردن این سیاست در نظم اقتصادی جهانی یا سیاست ائتلافی به عمل نیاورد. گذار به دولت ترامپ در واقع یک گسست از درک تا آن زمان حاکم از نقش آمریکا را شاخص می کند و زیر یک نقطه چرخش خط تاکید می کشد. چه در مورد مبارزه با ترور در عراق و افغانستان، مساله فلسطین یا نزاع اتمی با ایران، رییس

جمهور آمریکا، ترامپ، در کارزار انتخاباتی اش قول داد که دستاوردهایش برای آمریکا بیشتر از رووسای پیشین خواهد بود و آنهم با پول و خون کمتر. در این سخن کنار گذاشتن جهتگیری استراتژیک و معتبر موجود آشکار بود: این سیاست "برای آمریکا هزاران جان و میلیاردها دلار هزینه در بر داشته و داعش را به جان دنیا انداخته."

"نظم لیبرالی جهان" نمی توانست ادامه داشته باشد، چرا که برای حفظ آن تمایل یا منابعی وجود نداشت. آمریکا نظم اقتصادی - سیاسی پس از جنگ را در همکاری نزدیک با بریتانیا و فرانسه و براساس نتیجه گیری از جنگ دوم جهانی حاکم کرده و گسترش داد. هدف این بود که شرایطی که موجب شکل گیری دو جنگ جهانی طی سی سال شده بود، دیگر هرگز تکرار نشود. بی تردید نظم تجاری و ارزی که پس از کنفرانس "برتون وود" (Bretton Woods) شکل گرفت، یک فاکتور مرکزی در توسعه سرمایه بین المللی و مبادلات کالا و بدین وسیله رشد اقتصادی پس از جنگ بود. در ادامه نهادهایی ایجاد شدند مانند سازمان ملل برای ترویج صلح، بانک جهانی برای توسعه اقتصادی و صندوق بین المللی پول (که بعدها از دل آن سازمان تجارت جهانی بیرون آمد) برای تجارت و سرمایه گذاری. (تصویر ۲)

آمریکا به عنوان قدرت هژمونیک، معمار اصلی و ضامن این نظم جهانی بود که با ائتلافهای نظامی تکمیل می شد. توافق عمومی تعرفه و تجارت، "گات" (General Agreement on Tariffs and Trade, GATT) در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ امضا شد؛ زمانی که نقشه ایجاد یک سازمان بین المللی تجاری "آیتو" (ITO) نتوانست عملی شود. به وسیله "گات" طی سالها بنیاد تاسیس سازمان تجارت جهانی "وی تی او ۱۹۵۵" (WTO ۱۹۹۵) گذاشته شد. "WTO" ادامه توسعه گات برای برخورد با منازعات تجاری بود. "WTO" باید مانع حملات به تجارت جهانی همچون برقراری یکجانبه تعرفه های گمرکی می شد یا آنها را به ریل تعهدات قانونی هدایت می کرد.

این سیاست محدودیت و قاعده مند سازی منازعات تجاری، برآمده از توافقات "برتون وودز" است. در این کنفرانس که در سال ۱۹۴۴ در "نیوهمشایر" (New Hampshire) برگزار شد، در کنار ایده کاهش تعرفه گمرکی، صندوق بین المللی پول و نظم ارزی جهانی نیز بنیان نهاده شد که برنرخ ثابت اما انعطاف پذیر ارز قرار دارد. پروژه پسا جنگ ایجاد یک انترناسیونالیسم روشن اندیشانه به کشورهای گوناگونی امکان داد به مثابه فاکتور اقتصادی و دولتها و بازارهای شریک، علایق خود را با یکدیگر هماهنگ سازند. برای همه کشورها به جز ایالات متحده، نظم پس از جنگ بر بنیاد برتری دلار قرار داشت که شرکتهای و کارورزان آمریکایی به طور ویژه ای از آن سود می بردند. آمریکا در این نظم در نقش سرمایه گذار بقیه جهان عمل می کرد. این عصر آمریکایی به روشنی در تراز تجاری خود را نشان می داد.

توافق "برتون وودز" در واکنش به تحولات منفی گذشته شکل گرفت. "برتون وودز" سیستمی با نرخ ارز ثابت و دلار به مثابه ارز پایه بود. طلا در این سیستم هم نقش مرکزی بازی می کرد، زیرا دلار با یک نرخ برابر، قابل معاوضه با طلا بود. کنترل سرمایه برای محدودیت جریان آن مجاز شمرده می شد. سرآخر با صندوق بین المللی پول نهادی ایجاد شد که می بایست بر اقتصاد کشورهای عضو نظارت کرده و در صورت لزوم، نقدینگی برای تامین مالی کسری بودجه را فراهم آورد. بی تردید نظم مالی "برتون وورز" یک عامل اصلی در توسعه گردش بین المللی سرمایه و کالا و از این رهگذر رشد اقتصادی پس از جنگ بود. با این حال این سیستم نقاط ضعف خود را نیز آشکار ساخت: برای کاهش نامتوازنی تجاری - ارزی امکانی دیده نشده بود. رشد تولید متفاوت و نیز جهتگیری ملی سیاست اقتصادی کشورهای متروپل سرمایه داری، در خلال سالها به گونه فزاینده ای تنش را در پی می کشید. تنش مزبور در نتیجه رشد انبوه گردش بین المللی سرمایه تشدید شد. فروپاشی سیستم "برتون وودز" در ابتدای دهه ۷۰ میلادی اجتناب ناپذیر بود. گذار بعدی به سوی نرخ ارز شناور همزمان به معنای آزادی عمل سیاست پولی بود.

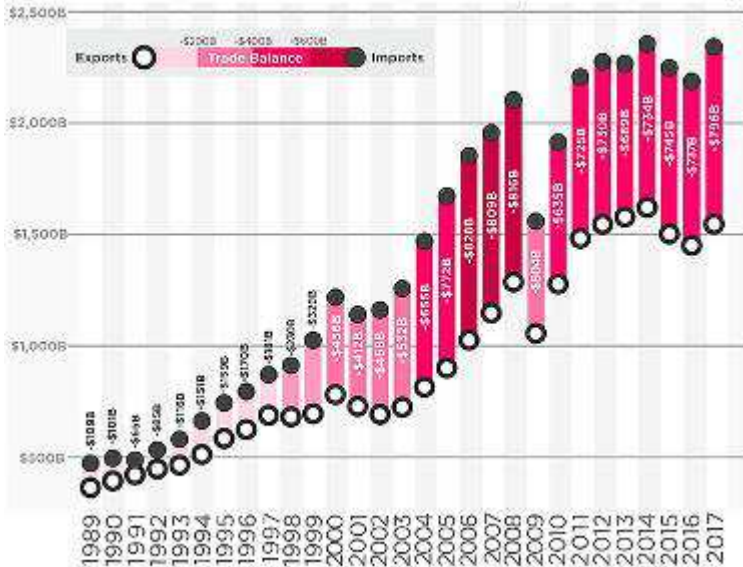
کسری مزمز تراز تجاری آمریکا از دهه هفتاد و دینامیزم بازار دلار- یورو، دلایل افول "برتون وودز" و در پی آن نطفه بحران ارزی اروپا بودند. از هنگام آسیب رسیدن به سیستم "برتون وورز" در ابتدای دهه هفتاد، فرانسه و آلمان کوشیدند یک سیستم مشابه در اروپا بیابند.

امروز موضوع روی میز دوباره تجدید ساختار یک تجارت و نظم پولی جهانی است. تا پیش از پایان جنگ سرد، طبقه ممتاز آمریکا سیستم قواعد و سازمانها را که ساختار نهادین سرمایه گذاری، تجارت بین المللی و تحرکات مالی را تشکیل می داد، به عنوان یک امر چشم پوشی ناپذیر برای رفاه "جهان آزاد" و مهار نفوذ اتحاد شوروی می نگریست. ریاست جمهوری ترامپ یک پرسش مهم در برابر آینده اقتصادی جهان می گذارد: آیا او می تواند - و خواهد کرد - که سیاستها و

پیمانهای اقتصادی و نیز توافقیهای صورت گرفته پیرامون نظم پولی در خلال هشتاد سال گذشته را کنار زده و دست به ریسک یک محدودیت پر هزینه تجارت جهانی بزند؟

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی به نظر می رسید نظم لیبرالی جهان مستحکمتر از هر زمان دیگر است. اکنون آینده این نظم به وسیله سیاست آمریکا به شدت در خطر است. این تلاش مایوسانه برای معکوس گرداندن تراز تجاری، مشروعیت سیاسی خود را از توجیه تثبیت موقعیت هژمونیک آمریکا و تمدید عصر آمریکایی کسب می کند.

Historical U.S. Trade Deficit (1989 - 2017)



خطر بروز یک جنگ تجاری بین آمریکا و مهمترین

شرکای تجاری آن بزرگ است. کاخ سفید عوارض گمرکی بر کالاهای وارداتی از چین وضع کرده و در مقابل چین نیز اکنون تدبیرهایی را در این زمینه به جریان انداخته. اروپا فعلا از عوارض جدید آمریکا برکنار مانده است. دولت آمریکا می گوید این امر که ایالات متحده در مبادله کالا واردات بیشتری از صادرات دارد، یک واقعیت تاریخی نیست. البته تراز تجاری از سال ۱۹۷۶ به گونه پیوسته منفی است، پیش از آن اما مساله برعکس بود. از سال ۱۸۷۳ تا دهه ۶۰ اقتصاد آمریکا به طور غالب مازاد صادرات داشت که بالاترین رقم آن در سالهای جنگ ۱۷/۱۹۱۶ و ۴۴/۱۹۴۳ بود. ملت جدید با شکوفایی تراز تجاری شاخص شد. کسری و مازاد جای خود را با هم عوض می کردند. با این همه حجم مبادلات نیز اندک بود.

سیاست حمایتی ترامپ آشکارا می تواند پیامدهای عمیقی داشته باشد. سیاست یکجانبه گرایی می تواند بسا بیشتر از دوره ریگان موجب خشم شرکای تجاری گردد و به اقدامات تلافی جویانه راه برد. نقطه تباین دیگر اقدامات مزبور با عصر ریگان این است که ما در یک فاز پیشرفته جهانی سازی زندگی می کنیم که مشکلات آن بزرگ تر هستند. نیروی سیاسی ناسیونالیسم امروز بزرگتر از هر زمان دیگر از هنگام امضای قرارداد نظم پس از جنگ است.

برخی عوارض گمرکی را کارزار پیش انتخاباتی می دانند. دیگران امیدوارند که با تفاهم با شرکای تجاری امریکا سدهای تجاری برچیده شوند. سیاست حمایتی در یک شکل تناقض آمیز می تواند موجب افزایش آگاهی درباره آزادی تجاری نیز شود. برخورد زمخت ترامپ اما علیه چنین تاثیری سخن می گوید. بسا بیشتر این برخورد، بین چین و امریکا، دو تن از بزرگترین اقتصادهای ملی، شکاف ایجاد کرده و سیستم چند جانبه گرا و قاعده مند تجاری را تضعیف می کند. در دهه های گذشته آمریکا از جایگاه خود به مثابه قدرت اقتصادی و تاجر بزرگ برای حذف کلیه قوانین چندجانبه گرای تجاری که با منافع سازگار نبودند، استفاده کرد. اکنون که ایالات متحده از تجارت آزاد کنار می کشد، چین می تواند در نقش یک قدرت هژمونیک ظاهر شود.

دولت آمریکا پنهان نمی کند که با ابزار تعرفه های گمرکی در نهایت قصد توقف حرکت دولتی و هدایت شده چین به سوی ابر قدرت تکنولوژیک را دارد. فقط شرکتهای آمریکایی نیستند که تحت تاثیر این درگیری قرار می گیرند، بلکه همچنین "وال استریت" نیز به حوزه آن کشیده می شود.

استراتژیست سابق ترامپ، "استیو بنن" (Steve Bannon) از این استراتژی دفاع می کند: "ترامپ می خواهد از قلب تپنده سرمایه داری آمریکا، یعنی قوه نوآوری حفاظت کند. چنینها نوآوریهای تکنولوژیک آمریکا را یا به سرقت می برند یا شرکتهای آمریکایی را مجبور می کنند که آن را به آنها تحویل دهند. این بازی اکنون به آخر رسیده." ترامپ این اقدام را از مدتها پیش طرح ریزی کرده و روی انتقال اجباری تکنولوژی متمرکز شده. قلب سرمایه داری آمریکا بی یقین با این سیاست محافظت نمی شود. هر ابعاد ویرانگری هم که منطق عوارض گمرکی حمایت گرانه داشته باشد، از این سیاست موج نوآوری تکنولوژیک برای تجدید ساختار اجتماعی آمریکا برنخواهد خاست.

تغییرات در کاخ سفید؛ اروپا کیش، جمهوری اسلامی مات شد

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۶ فروردین

از نقطه فعلی هنوز نمی توان به این سووال که آیا با وجود تحولات اخیر در هیات حاکمه آمریکا، "برجام" در ۱۲ خرداد تمدید می شود یا نه، پاسخ دقیقی داد. روشن اما این است که انتصابات مزبور، متحدان اروپایی آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی را با شرایط تازه ای روبرو ساخته که تا آن هنگام باید با آن سازگار شده و با طرح دیگری در دست به وعده گاه بروند.

انتصاب دو منتقد سرسخت "برجام" به پُستهای بلندپایه دستگاه سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا، بر صفحه شطرنج سیاست بین المللی به معنای کیش شدن اروپا است. پُر رنگ شدن علامت سووال در برابر "برجام"، به لحاظ عملی دستور کار کنونی اروپا را برای مدیریت چالش رویکرد سختگیرانه واشنگتن نسبت به توافق هسته ای وین، بی موضوع ساخته است.

استراتژی اتحادیه اروپا تاکنون بر محور جلب رضایت آمریکا به وسیله ابراز تفاهم با انتقادات آقای ترامپ و تلاش برای سمت دادن آن به دور تازه ای از ماراتن مذاکرات با رژیم مَلاها به سبک دوران تانگوی مُلایم "سه تُفنگدار" با "مُدِره ها" قرار داشته است.

اروپای تاجرپیشه، تعلیق موضوع و به درازا کشاندن بحران گرد آن را یک بازی دو سر بُرد می انگارد و تجربه گذشته این انگاشت را تایید می کند. تا هنگامی که مَلاها می توانستند نفت بفروشند و پولی برای خرج کردن داشتند، اروپا سیاست "تغییر توسط تجارت" را تبلیغ می کرد. زمانی که میدان این بازی تنگ و تنگتر شد و همراه آن منابع مالی مشتریان نیز رو به خُشکیدن گذاشت، اروپا نیز به کنار متحد نیرومندش خزید و به سیاست "تحریمهای فلج کننده" آن پیوست. فاصله زمانی که این دو مقطع از بحران هسته ای را از یکدیگر جدا می کند، همان دوره طلایی است که اروپا در بحران کنونی نیز در پی تجدید حیات آن بوده است.

حال با تغییرات در تیم کاخ سفید، اتحادیه اروپا بسا سریع تر از آنچه که می پنداشت، در برابر نقطه تعیین تکلیف قرار گرفته و فشار اولتیماتوم ۱۲ خرداد آقای ترامپ را بسا سنگین تر از پیش حس می کند. حفظ سیاست دوگانه پیشین زیر هر تابلو و با هر سرعتی، در انتها اروپا را از نظر سیاسی و اقتصادی با آمریکا رودرو خواهد ساخت. این اما گزینه مطلوبی برای چُرکه اندازان ماهر در برلین، لندن و پاریس نیست.

بنابراین، در فرصت باقیمانده آنها برای نجات توافق وین باید با ترک رویکرد پیشین، همزمان که تلاش می کنند "برجامهای ۱ و ۲ و ۳ و غیره" را به مُبتکر عقب نشینی جانانه بقبولانند، بسته باور پذیری از اقدامات عملی را نیز برای ساده کردن هضم آن روی میز بگذرانند.

رضای کوچک و آرزوهای بزرگ

امید برهانی

آندره: بدبخت ملتی که قهرمان ندارد!

گالیه: بدبخت ملتی که به قهرمان احتیاج دارد!! (برتولد برشت)

گوری که گهواره شد

پیدا شدن پیکر منسوب به رضا شاه پس از چهل سال، رخداد عجیب و مشکوکی ست: روز ۴ اردیبهشت ماه که مناسبت‌های بر تخت نشینی، مرگ و خاک سپاری و سرانجام تخریب مقبره ی دیکتاتور به وسیله ی مرتجع، همه در همین روز اتفاق افتاد. اگر سه پیش آمد ذکر شده را کاملاً حساب شده و مناسبتی در هر دو رژیم پهلوی و خمینی بدانیم



(که چندان عجیب هم نیست)، این یک مورد آخر، درست هم زمان با تضعیف روز افزون رژیم در داخل و خارج و استوار شدن عزم و اراده ی عمومی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی و منحن جمهوری اسلامی، و هم زمان با تغییر گفتار و کردار غرب و مخصوصاً آمریکا و تاکید بر ضرورت تغییر این رژیم، توهم عوامانه ی معجزه ای که سلطنت را مشیت و موهبت الهی برای این کشور می داند از یک سو و شک به توطئه چینی حامیان پهلوی ها در این شرایط ویژه از سوی دیگر را دامن می زند. دست جنایت کار دشمنان ولایت و دوستان سلطنت، این بار از لودر و بیل مکانیکی عبد العظیم بیرون آمد!!!

تغییرات هم زمان در سمت و سو و لحن برنامه های رسانه هایی چون صدای آمریکا و بی بی سی و (مینیاتور زشت آنها یعنی من و تو)، در باز خوانی مکرر نوستالژی پهلوی ها و خطاب کردن افراد این خانواده با الغاب پیشین و جهت گیری تند سناتورها و گماشتگان ایران ستیز تازه ی ترامپ در رویارویی هرچه شدیدتر و براندازی رژیم جمهوری اسلامی، شائبه ی حمایت از رضا پهلوی و بیرون آوردن وی

از سرکه ی چهل ساله را در اذهان سلطنت طلب و گروهها و طبقاتی از مردم تحت ستم و منزجر از رژیم، که متأسفانه به دلیل سرکوب، سانسور و عوام فریبی رژیم، اپوزیسیون آلترناتیو پیشگام در کنار خود ندارند را دامن زده است. به این ترتیب، در آینه ی رسانه های همه چیز خوار و در چشم لایه های قهرمان پرست مشیت پسند، گور رضای بزرگ، گهواره ی نضح گرفتن و بالیدن رضای کوچک شده است.

در سرزمین رویاها

رضا پهلوی سالهای کودکی و نوجوانی را در محیط های استریل کاخ و دربار، برخوردار از تمام مواهب و امکانات لازم که برای میلیونها نفر مثل خودش آرزوی دست نیافتنی بود سپری کرد. صبح در پیشگاه پدر، نمایش خلبانی داد، ظهر در کنار استخر به پرسشهای خبرنگار پاسخ داد و شب در جشن تولدش گوگوش آواز خواند... هر روز در جام جمشید نشان پدرش تصویر روتوش شده ی ایران نوین و هر شب رویای دروازه های تمدن بزرگش را می دید. او هیچ گاه چهره ی ایران واقعی و دروازه غار آن را ندید. هیچ گاه با درد کشاورز بی بذر و ابزار، کارگر گریخته از روستا و پناهنده به حاشیه ی شهر، معلم کم حقوق بی تامین، گروهبان و پاسبان بی یخچال و تلویزیون و دانشجوی معترض آشنا نشد. او هیچ گاه سنگینی سایه ی حبس و شکنجه و سانسور بر روی فرهیختگان و مخالفان را حس نکرد و دلیل تیر اندازی به دانشجویان در آذر ماه در جلوی دانشگاه، به رگبار بستن رفقا بیژن و رفقای دیگر را برتپه های اوین، کشتار رضایی ها و حمید در خانه های تیمی، محاکمه ی گل سرخی و اعدام حنیف و بدیع را نفهمید.



پهلوی جوان با واقعیت‌های ایران گرفتار در چنگال ایادی خمینی هم ارتباطی برقرار نکرد. بی هیچ درکی از کشتار فجیع مبارزان فدایی و مجاهد در دهه ی ۶۰، بدبختی‌های جنگ ۸ ساله با دیکتاتور همسایه، زندگی کوپنی، احتکار و کمبود کالا، برق و امنیت، به زندگی در دنیای آزاد و مدرن خو گرفت و به تحصیل علوم سیاسی و تکمیل حرفه ی خلبانی پرداخت. همین بی درکی و خامی سالهای جوانی، بی ریشه گی و خود بزرگ بینی جبرانی ناشی از آن (همان بیماری موروثی پدرش و اصولا بیماری هر دیکتاتور بی ریشه و باد آورده ای)، او را واداشت تا در نامه ای به سران رژیم جمهوری اسلامی، درخواست حضور در جنگ به عنوان خلبان جنگی کند و در التزام رکاب این دشمن خانگی به مصاف آن دشمن خارجی برود. و این در حالی بود که فردای مرگ پدر، در قاهره به قانون اساسی مشروطه مبنی بر مبارزه با جمهوری اسلامی و شخص خمینی سوگند یاد کرد... هم این دشمن خندید، هم آن یکی !!!

او معتقد است حکومت دوره پدرش را نمی‌توان حکومت توتالیتر دانست و ایرادی که به حکومت در آن دوره وارد می‌داند نبود فضای آزاد سیاسی است، در عین حال می‌گوید که منتقد سرکوب‌ها و محدودت‌های سیاسی در دوران سلطنت پدرش است. رضا پهلوی هم چنین در ۲۶ اسفند ۱۳۸۹ در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی صدای آمریکا گفت: "در صورت توافق در ایجاد حکومتی سکولار، با میرحسین موسوی و مهدی کروبی، با کمال میل با ایشان همکاری خواهیم کرد."

شاهزاده ی سرزمین رویاها از کجا به این نتیجه رسیده که می‌تواند به سرزمینی که در آن شیخ، شاه را خورده و بر جایش نشسته فرود آید و شرط فرود خود را تمایل مرتجعان مذهبی آن به ایجاد حکومت سکولار بگذارد!!! رضا پهلوی در مصاحبه با فوکوس آنلاین می‌گوید:

طبق قانون اساسی ما می‌بایستی به این سن رسیده باشم تا بتوانم شاه شوم. البته بعد می‌بایست در مجلس ایران هم سوگند پادشاهی یاد می‌کردم؛ بنابراین می‌توان گفت که «بنا به قانون» شاه ایرانم." او در مصاحبه با رسانه های رنگی از آمدن خود به ایران و قریب الوقوع بودن اتفاقاتی درآینده ی نزدیک خبر می‌دهد و معتقد است داستان اپوزیسیون دیگر مانند گذشته معنا ندارد و اپوزیسیون فعلی هم چندان خاصیتی ندارد...

سیاستمدار سترون

رضا پهلوی در مجمع مؤسس شورای ملی ایرانیان که در آوریل ۲۰۱۳ در پاریس برگزار شد، به عنوان سخنگو و مدتی بعد و به درخواست اعضای این شورا ایشان، ریاست این شورا را برعهده گرفت. او در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۷ برابر با شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۶ در نشست سالانه شورای ملی از سمت ریاست این شورا کناره گیری کرد.

در ماه آوریل ۲۰۱۳، دو سازمان جنبش آذربایجان برای دموکراسی و یکپارچگی ایران و سازمان دموکراتیک یارسان که سازمانی متعلق به پیروان آیین یارسان است، از این شورا خارج شدند. جنبش آذربایجان در بیانیه ای «عملکرد رهبر اصلی» یعنی رضا پهلوی را دلیل این خروج عنوان کرد که به نظر آنان «درایت و توانایی ایجاد اتحاد مابین اقوام ایرانی را ندارد.» همچنین علی مهربانی سخنگوی سازمان دموکراتیک یارسان در گفتگویی با تلویزیون نوروز اعلام کرد سازمان دموکراتیک یارسان با رهبری این شورا به دلیل برتری طلبی، مرکزیت گرایی و هژمونی خاندان پهلوی بر سر نگارش سند سیاسی مشترک و انتخابات شورا دچار مشکل شده و به همین دلیل از این شورا خارج شده است.

رضا پهلوی در یک سال و نیم اخیر، در پی انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و به ویژه پس از قیامهای دی ماه سال گذشته در ایران تحركاتش بیش از پیش شده است. وی در مصاحبه با خبرگزاری رویترز تظاهرات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی را نتیجه شرایط اقتصادی فلاکت بار طبقه کارگر دانست که در این جنبش بهم پیوسته اند. و

تاکید کرد که زمان آن رسیده تا گروه‌های سیاسی مختلف در کنار هموطنان شان بایستند و آزادی از این نظام را مطالبه کنند.

در مصاحبه با آسوشیتد پرس خواستار جایگزین کردن رژیم ولایت فقیه با رژیم پادشاهی پارلمانی در ایران شده است؛ رژیمی که در آن به حقوق بشر احترام گذاشته می شود و اقتصاد دولتی مدرنیزه میشود!!

رضا پهلوی در این گفت و گو خواستار انقلاب در ایران شده است. به گفته او، این انقلاب باید مسالمت آمیز باشد و می تواند با اعتصابهای سراسری کارگری آغاز شود.

او می گوید تمرکز خود را در حال حاضر بر "آزاد" ساختن ایران نهاده و بدون به خطر انداختن مصالح و استقلال ایران از هر وسیله ای کمک خواهد گرفت و هر کسی که "مایل به دست دادن با اوست، چه آمریکا باشد یا عربستان سعودی، اسرائیل و دیگران را مد نظر قرار خواهد داد."

این مستندات همگی بر انحصار طلبی و تمامیت خواهی، اراده ی بازگشت به قدرت متمرکز و موروثی را در رضاخان کوچک و بستگانش نشان می دهد.

جان استانتون (روزنامه نگار) پیش تر نوشته بود که به گزارش نمایندگان و کارکنان کنگره آمریکا، رضا پهلوی چندین بار اروپاییها را سرزنش می کرده که چرا با ایران رابطه دارند و می گوید که این کشورها نبایستی برای کشتی غرق شده، طناب بیندازند. رضا پهلوی خواستار تحریم سیاسی و اقتصادی ایران با مدل مشابه عراقی است درحالی که با ظاهرسازی، خود را مخالف چنین رفتارهایی برای مردمش که آزادی می خواهند، نشان می داده است. استانتون همچنین تصویب لایحه ۵۰ میلیون دلاری آمریکا برای بنیاد دموکراسی ایران (که توسط سناتور سم براون بک، نماینده جمهوریخواه کانزاس ارائه شد) را مرتبط با زد و بندهای پنهانی رضا پهلوی با کنگره آمریکا دانسته بود که برای طرح گسترش رادیوهای فرامرزی ایرانی-آمریکایی (مثل رادیو فردا) خرج می شد.

آنالیز یک نانو دیکتاتور

رضا که در کنار حمایت از نافرمانی مدنی و به ویژه اعتصابهای کارگری بدون خشونت به عنوان استارتر انقلاب، از پشتیبانی غرب (ظاهراً بدون اقدام نظامی) استقبال می کند، حافظه ی تاریخی یا توان تحلیلش بدان جا نمی رسد که دریابد:

۱ - حمایت امپریالیستها از یک فرد خاص و آوردن و رساندن او به جایگاه قدرت، به یقین با توطئه و نقشه ی قلبی و برای تحکیم سیطره ی خود و چپاول هرچه بیشتر ملتها و در تضاد با منافع طبقات کارگر است نه در همراهی با آنها.

۲- تجربه ی ظهور و سقوط پهلوی ها نشان داد که هر بار غرب و آمریکا از آنها پشتیبانی کرده و به اصطلاح "بدون خون ریزی" آنها را آورده اند، هر بار هم که این دست نشانده ها به دست انداز تبدیل شده اند، خود غرب آنها را بی چک و چانه برده است. همان قدرتهایی که پدر بزرگ را آورده و خودشان او را بردند (و پادشاه قدر قدرت حتی اجازه و توان ماندن در خاک خود را نیافت) و همانها که پدر مستاصل و عاجز را با در هم شکستن مصدق و خیزش ملی ایران، سر دست آوردند و در بهمن ۵۷ سر دست بردند (و شاهنشاه هم جرأت ماندن در خاک خود را نیافت) لابد حالا در گذر تقدیر پیش ساخته برای آوردن نواده نیمچه کمری بسته اند. بی شک روی خوش نشان دادن احتمالی غرب به شاهزاده ی متاخر هم بر همین پاشنه می چرخد: طنز تلخ و سیکل معیوب تاریخی که امپریالیسم متجاوز و استعمارگر، بی خواست و اراده ی واقعی مردم، دیکتاتورهای غاصب مملکت و حکومت را می آورد و با پایان تاریخ مصرفشان، آنها را بی خواست و اراده ی خودشان می برد و این اساساً با حق حاکمیت مردم در تضاد است.

او انقلاب "مسالمت آمیز" ایران را از اعتصابات اتحادیه های کارگری آغاز می کند و ناگهان این جمله از دهانش در می رود که: "اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باید اطمینان یابند که همگی اعدام و تیرباران نمیشوند".... یعنی ممکن است فقط بعضی از سپاهیهها اعدام شوند!!!

این گفتار، خط شکسته و کج و معوج فکری رضاخان کوچک را از سخیف ترین نقطه ی اصلاح طلبانه (انقلاب مسالمت آمیز) تا سبعمانه ترین بعد توتالیتار آن (نشستن بر جای حاکم شرع انقلابی و اعدام پاسداران) به خوبی نشان می دهد. معلوم

نیست این انقلاب اگر مسالمت آمیز است چرا سر از اعدام برخی پاسداران در آورده و این حکم از پیش صادر شده از کدام دادگاه بیرون آمده است، جز این که گوینده ی آن، سخنگوی منویات فردی و یا حامیان خود است؟؟ و این حس داوری و مرجعیت، تنها پیش فرض کسی ست که خود را در جایگاه قدرت سیاسی و قضایی می بیند. این است سیمای رژیم مردم سالار پهلوی نشان که در آن به حقوق بشر احترام گذاشته می شود!!

این که رضا پهلوی ادعا می کند شکل حکومت مهم نیست و اراده و انتخاب مردم تعیین کننده است، اما هم زمان از پادشاهی پارلمانی دفاع می کند تضاد آشکار وی را در گفتار وی در همین آغاز زبان باز کردن نشان می دهد چه برسد به وقت پا گرفتن و راه افتادن. رضا روشن نمی کند که اگر طی سالیان گذشته، به سلطنت رسیدن دغدغه اش نبوده و انتخاب مردم در اولویت است، مشکل حکومت‌های دموکراتیک عرفی یا شورایی و یا جمهوری پارلمانی چیست که وی اصرار به حاکمیت پادشاهی (با چاشنی پارلمانی) و ناگزیر، انتقال موروثی قدرت به نسل‌های بعدی دارد که صلاحیت مدیریت سیاسی ندارند .

وانگهی در صورت چنین رخدادی، چه تضمین و ساز و کاری برای فرا نرفتن از قانون و جایگاه پادشاهی مشروطه وجود خواهد داشت که تجربه ی تلخ پدر تاج دار تکرار نشود؟؟

تحصیل کرده ی علوم سیاسی هنوز این واقعیت تاریخی را نخوانده که در کشورهایی که قرن‌ها تحت سیطره و دیکتاتوری خاندانهای پادشاهی بوده اند جابجایی مسالمت آمیز قدرت سیاسی، گردش نخبگان و تفویض اختیار به نمایندگان واقعی مردم چیزی جز قصه نیست و نمایندگان پارلمان هم آلات بی اراده، دست چین شده و پرورشی قدرت اول کشور اند. کاش نگاهی به تاریخچه ی ادوار مجالس سنای دوران پدرش و مجالس شورای اسلامی جمهوری اسلامی بیندازد.

در باب مردم سالاری و مشارکت سیاسی، همین که تصریح می کند که نمی شود با مجاهدین در حکومت آینده همکاری کرد با این استدلال که آنها دست به ترور زدند و یا در زمان جنگ در خاک عراق جای گرفتند، میزان پایبندی وی را به آزادی افراد و گروهها در مشارکت در حکومت، و میزان باور وی به آزادی مردم در انتخاب رهبران خود را نشان می دهد. به گفته او، مجاهدین خلق که در طول جنگ ایران و عراق با صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق همراهی داشته اند و قبل از انقلاب آمریکاییها را کشته اند شریک [سیاسی] نامناسبی هستند..

او که در همان سالهای یاد شده ی جنگ و جنایت ۶۰، در سایه ی ثروت و آسایش حاصل از تاراج سرمایه های همین مردم زندگی می گذراند، البته که حق دارد تا مجاهدینی که در بدترین شرایط در برابر رژیم جهل و جنون ایستاده اند را سزاوار مشارکت در حکومت نداند. چون مجاهدین دشمنان سر سخت نظام شاهنشاهی بوده اند. پای طرف هنوز به ده نرسیده دیگران را از رفتن به خانه ی کدخدا منع می کند !!

این تازه موضع گیری او نسبت به هم کیشان شیعه اش است (خود او بر مسلمان و شیعه بودنش اذعان کرده). می توان حدس زد که نظر او نسبت به حضور و مشارکت سیاسی چهها که از اصل و اساس با نظام شاهی و دینی سر ناسازگاری داشته و آنها را دو روی سکه ی سرمایه سالاری و استثمار می دانند تا چه حد سخت و سلبی خواهد بود....

شاهزاده ی دموکرات داستان ما بارها گفته برای تمام ادیان و حتی بی دینان قایل به احترام و آزادی است. بله درست گفته: او معتقد به آزادی عقیده و دین هست ولی از مشارکت سیاسی حرفی نمی زند. گرچه از سوی شخصیت‌های سلطنت طلب و طرفدار تشکیل سامانه پادشاهی در ایران به بهانه ی موافقت با فدرالیسم و به رسمیت شناختن اقلیتهای قومی ساکن ایران مورد حمله قرار گرفته است.

برآیند

بی شک چهار دهه سیطره ی رژیم پلید و ویرانگر ولایت فقیه که همه چیز ایران، از محیط زیست و منابع طبیعی گرفته تا آزادیهای سیاسی و امنیت و سرمایه ی اجتماعی را سیاهچاله وار بلعیده است، بنا بر ماهیت فقهقاری و ضد تکاملی و روند آنتروپیک خود محکوم به فروپاشی و سرنگونی از داخل و خارج است. مانیفست مشترک اعلام شده توسط اپوزیسیون مبارز و برانداز و افراد و گروههای کنشگر مدنی، برقراری حاکمیت دموکراتیک عرفی متکی بر مشارکت سیاسی و مدنی

همه ی افراد، گروهها، قومیت ها و مذاهب و با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی برای همه ی طبقات جامعه است. آنچه در این میانه حایز اهمیت اساسی است شناسایی، تفکیک و کنار گذاشتن جریانهای ست که روند مبارزه و حصول پیروزی را به انحراف یا ابتدال می کشانند. این جریانها معمولا از ویژگیهایی چون تقدیر طلبی، مشیت پسندی، ناسیونالیسم کور و آبکی، و نوستالژیای قلابی "دریغ از آن سالها" در توده های فرودست و فرا رنج کشیده ی روستایی و حاشیه نشین شهری سوء استفاده ی حد اکثری می کنند و حاکمیت ظل السلطانی را بهترین گزینه ی برابر نهاد حاکمیت خلیفه الهی جا می زنند و به این ترتیب معادله ی تاریخی معیوب و دو متغیره ی پادشاه - روحانی را تکرار مکرر می کنند. دو متغیری که به درازای تاریخ، جز در زمان تضاد منافع آشکار، تشابه طبقاتی بسیار در رویارویی با سایر طبقات جامعه داشته و دارند. رضا خان کوچک هم که چند سال پیش از این، خواهان محاکمه علی خامنه ای در دیوان بین المللی کیفری به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت شده، استثنایی بر قاعده نیست....



پرش خاتمی از زیر چتر روحانی به روی نردبام موسوی و کروبی

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۷ فروردین

در یک رویداد نادر، آقای محمد خاتمی، یکی از رهبران اصلاح طلبان حکومتی، جامه مُنتقد و مُطالبه گر از آقای روحانی را به تن کرده. باند مزبور در طول دوران شش ساله ریاست جمهوری حُجت الاسلام روحانی بیش از همه در نقش زائده سیاسی جناح وی عمل کرده است.

آقای خاتمی هفته گذشته از آقای روحانی خواست که "برود و مساله حصر را حل کند". او از عملی نشدن وعده شش ساله وی در این باره انتقاد کرد و گفت: "وقتی آقای رییس جمهور وعده هایی می دهد که عملی نمی شود و یا خُدای ناکرده خلافت رُخ می دهد، مُشکل ایجاد می شود. اگر گفته می شود که حصر باید از بین برود، پس باید به این وعده عمل کرد."

پیش از این آقای خاتمی در پاسخ به انتقادهای مُشابه در باره رویکرد ریاکارانه آقای روحانی، نسبت به "خطر افزایش توقعات" هشدار می داد و در دفاع از بازی حصر وی عُذر می آورد: "همه ی کار در دست دولت نیست. دولت هم می خواهد، ولی باید کُکم شود."

سُخنان جدید آقای خاتمی اما هنوز تمامی چرخش سرگیجه آور "اصلاح طلب" کهنه کار حکومتی نیست. او این بار پرچم آقای خامنه ای را تکان داده و در اظهاراتی شگفت انگیز مدعی شده: "نظام و رهبری می خواهند این مساله حل شود. از نظر من نظام قطعاً می خواهد این مساله حل شود."

به خوبی پیداست که قصد آقای خاتمی از طرح این فرضیه عجیب، افزایش فشار بر حُجت الاسلام روحانی برای وادار کردن وی به حرکت در این مسیر است. اما گذشته از تغییر حال یکباره آقای خاتمی و یا سرنخ ادعایش در باره باند حاکم، پُرسش اصلی باید این باشد که او با طرح این موضوع چه هدف و پروژه ای را دُنبال می کند.

به این سووال تاکید موکد وی در همین سُخنان بر "وارد شدن جامعه به فضای ذهنی دیگر" از طریق اقدام به "رفع حصر" پاسخ می دهد. به بیان روشن تر، در پندار آقای خاتمی آزادی آقایان موسوی و کروبی، به عنوان دو چهره شاخص اعتراضهای ۸۸، فرصتی برای هدایت مُطالبات و اعتراضهای جامعه به چارچوب "نظام" ایجاد می کند.

پایه مادی این تاکتیک، خیزشهای دی ماه و مرزبندی مُعترضان با نظام حاکم و همه دسته بندیهای درونی آن است. جامعه به میدان آمده در بیش از صد شهر کشور، به روشنی در برابر رژیم سیاسی، حکومت دینی و رهبران آن جبهه گرفت، خواهان سرنگونی شد و در طول این مسیر به حرکت درآمد.

"اصلاح طلبان" حکومتی شاهد بودند که چگونه یک شعار دانشجویی از سر در دانشگاه تهران به سراسر کشور پر کشید و "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" به پلاتفرم سیاسی اعتراضها و گُفتمان غالب در نقد دستگاه قُدرت بدل گردید.

اعتراضهای دی ماه و شعارهای "ساختارشکن" آن آشکار ساخت که جامعه به اصلاح پذیری استبداد ولایت فقیه‌ی باور ندارد و از ابزارهای قانونی این توهم و مبلغان آن گذر کرده است. صف بندی موجود بدان گونه نمایان و برنده است که حتی یک نظرسنجی جانبدارانه حکومتی در بهمن ماه نیز نتوانست آن را پنهان سازد. در این نظر سنجی بیش از هفتاد درصد پرسش شوندگان بر فاصله خود از دو باند حکومتی "اصولگرا" و "اصلاح طلب" تاکید کرده بودند. معنای این تحول، حذف گزینه اصلاح طلبی حکومتی به مثابه توری برای نگه داشتن "نظام" از سقوط است. "اصلاح طلبان" نه تنها سرمایه سیاسی خود برای سهیم شدن در قدرت و ثروت را بر باد رفته می بینند، بلکه با تهدید سرنگونی و از دست دادن همه چیز و هر شانسی چشم در چشم شده اند.

آنها در جستجوی راهی برای تغییر معادله کنونی و بازگرداندن آب رفته به جوی برآمده اند و چنین می نمایند که یابنده شده اند. آقای خاتمی و دوستان که تا دیروز آزادی محصوران را مانعی برای سازش و آشتی در "بالا" می دانستند، امروز در آنان دور برگردانی در برابر سیل بنیان کن اعتراض "پایین" می بینند. اینان در سودای شراکت در قدرت و ثروت، زیر چتر آقای روحانی رفته بودند و حال در وحشت از جامعه، از نردبان آقایان موسوی و کروبی بالا می روند.



بهشت خودیها در مناطق آزاد اقتصادی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر شنبه ... ۱۸ فروردین

مناطق آزاد اقتصادی، بخشهایی از کشور هستند که در آن قانون کار به طور رسمی رعایت نمی شود و سرمایه گذاران در این مناطق از پرداخت مالیات معاف هستند. به این بخش معاف از مالیات باید موسسات تحت کنترل ولی فقیه و نهادهای اقتصادی سپاه را اضافه کرد.

نهادهای مالی، تجاری و اقتصادی همچون آستان قدس رضوی، بنیاد مستضعفان و ... که زیر نظر ولی فقیه هستند به طور قانونی از پرداخت مالیات معاف هستند.

مشخص است که در حکومت فاسد در اقتصاد شبه دولتی و اقتصاد پنهان، کسانی می توانند در مناطق آزاد تجاری فعالیت کنند که در شناسنامه اقتصادی شان مهر وابستگی به حکومت زده شده باشد. از این مناطق آقازاده ها، رانت خواران، وابستگان به رژیم و به طور کلی خودیها سود می برند.

معافیت از پرداخت مالیات تا ۲۰ سال، معاف بودن از پرداخت عوارض گمرکی، انتقال آزادانه کالا و ارز به صورت نامحدود به دیگر مناطق آزاد ایران و خارج از کشور ... از جمله امتیازاتی است که به چپاولگران داده شده است. می توان تصور کرد که داده آماری کارگزار رژیم در مورد میزان فرار مالیاتی در کشور از واقعیت کمتر باشد.

دره عظیمی بین نیروهای کار با سران مافیایی که از فرار مالیات ایجاد شده در این مناطق به وجود آمده است. حقوق بگیران یا شرکتهای اقتصادی که دست شان به جایی بند نیست و مجبور به پرداخت مالیات می شوند در تقابل با نهادها و شرکتهایی هستند که با عدم پرداخت مالیات ثروت کلانی به جیب می زنند. این نابرابری با فرمان خمینی در معاف کردن آستان قدس رضوی و شرکتهای و موسسات وابسته به ولی فقیه شکل رسمی پیدا کرد.

روز آدینه ۱۷ فروردین، رئیس سازمان امور مالیاتی اعلام کرد که: « ۳ هزار شرکت صوری شناسایی شده اند که برای فرار از مالیات محل ثبت و دفتر مرکزی خود را مناطق آزاد اعلام کرده اند.». (خبرگزاری حکومتی مهر ۱۷ فروردین) این کارگزار رژیم، فرار مالیاتی سالیانه را ۳۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد که ۳۰ درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می دهد.

این در حالی است که رئیس قبلی این نهاد دولتی، در سال ۹۴، اعلام کرده بود که ۶۰ درصد اقتصاد ایران مالیات پرداخت نمی کنند. (همان منبع)

جوش زیر پوست جامعه و شورش مداوم

مهدی سامع

رویدادهای دی ماه سال گذشته مُهر خود را بر همه ی تحولات سیاسی جامعه ما زده است. سپهر سیاست در ایران هیچگاه رویدادی همانند قیامهای دی ماه ۱۳۹۶ به خود ندیده و هیچ سابقه ای وجود ندارد که طی یک هفته در نزدیک به ۱۵۰ شهر بزرگ و کوچک ایران خیزشهایی چنین دلاورانه از جانب فرودستان صورت گرفته باشد.

برای همین است که علیرغم سرکوبهای سَبُعانه، جامعه همچنان در تَب و تاب تحول به خود می پیچد. وقتی حکومت با دُدمنشی یک حرکت اعتراضی را مِهَار می کند، خشم فروخته مردم از نقطه ای دیگر خود را نشان می دهد. فریاد کشاورزان اصفهان با خیزش هموطنان عرب در خوزستان به هم می آمیزد و هنگامی که رژیم با سرکوب و بازداشت‌های انبوه این دو جنبش را به طور موقت مِهَار می کند، مردم کازرون بپا می خیزند و فریاد «ما همه با هم هستیم» سر می دهند. همزمان با اعتراضهای روزمره کارگران و مزدبگیران، کاسبهای شهرهای کردستان یکپارچه اقدام به اعتصاب می کنند.

باندهای شریک در قدرت و ثروت اگرچه با هرگونه برآمد توده ای مخالف و در این مورد بدون شکاف متحد هستند، اما بر سر علت بروز جنبشهای اجتماعی و چگونگی مِهَار آن رویکرد واحدی ندارند. مساله مرکزی برای همه ی باندها و دسته بندیهای درون رژیم چگونگی ورود به مساله مِهَار جنبش است و نه اصل مِهَار. برخی از عناصر حکومتی بر این اعتقادند که ولی فقیه نیز باید برای بازسازی اعتماد مردم به حکومت هزینه پردازد و گروهی خامنه ای را خلیفه خطاناپذیر می دانند. روز یکشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۷ احمد جنتی گفت: «برخی هر چه در توان دارند به کار می بندند تا ولایت فقیه را تضعیف کنند. این قدرت اگر تضعیف شود، ستون پر قدرت انقلاب می خوابد و چیزی نمی تواند جای آن را پر کند. ولایت فقیه خیمه انقلاب را حفظ کرده است و تضعیف کنندگان ولایت فقیه خائنان به کشور، نظام و مردم هستند.» (ایلنا)

احمد علم الهدی در نماز جمعه روز ۲۴ فروردین گفت: «مظلومیت رهبر ما بسیار زیاد است. رهبری ما دستور می دهد اینها توجه نمی کنند و وقتی هم که شکست می خورند و سرشان به سنگ می خورد، می گویند بیایم با آمریکا و اروپا بسازیم.» (خبر آنلاین) امامی کاشانی، نماز جمعه خوان روز ۲۴ فروردین گفت: «باید همه با هم باشیم تا بتوانیم از روی این مینهایی که برایمان درست کردند، قرار دادند، عبور بکنیم.» (تسنیم)

افراد دیگری که به طور مستقیم در ولایت خامنه ای مشارکت دارند و یا با واسطه به قدرت وابسته هستند، از ولی فقیه می خواهند که از پوشیدن عبای اپوزیسیون دست بردارد و مبارزه با فساد را از خود شروع کند.

مصطفی تاجزاده گفته است «به نقطه عطف رسیده ایم، یا دولت پنهان یا دولت قانونی... اجازه ندهیم جامعه مدنی از حزب پادگانی شکست بخورد.» علی مطهری نایب رئیس مجلس ارتجاع در واکنش به استعفای اجباری شهردار تهران که با فشارهای بیدادستان کل رژیم صورت گرفت، گفت؛ در جمهوری اسلامی حاکمیت دوگانه کاملاً مشهود است.

روز دوشنبه ۱۳ فروردین، غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، نماینده رشت در مجلس ارتجاع در گفت و گو با سایت «رویداد ۲۴» گفت: «فساد به اندازه ای در ساختار ایران گسترده شده که بعید است قانون بتواند با آن مقابله کند و خوب است مبارزه با فساد ابتدا از دفتر رهبر جمهوری اسلامی آغاز شود.» (راديو فردا)

حسن رسولی، یک عضو شورای حکومتی شهر تهران می گوید: «ما در شرایط فعلی که عمده شکافهای موجود در جامعه مون در حقیقت فعال شده، شکاف نسلی مون فعال شده، شکاف جنسیتی مون فعال شده، شکاف قومی، شکاف مذهبی، فقر، تهدیدهایی که از بیرون چه در منطقه و چه در سطح دنیا هست، من فکر می کنم که سه راه بیشتر نیست. یا تداوم وضع موجود که آنچه که من احساس می کنم زیر پوست شهر و جامعه می گذره از وضع موجود راضی نیست.» (تلویزیون رژیم، ۲۴ فروردین ۱۳۹۷)

در اولین ماه سال ۱۳۹۷، از این ردیف اظهار نظرها از جانب باندهای درون رژیم به وفور وجود دارد. به گمانم خامنه ای شرایط کنونی را به بهترین صورت تحلیل کرده و کشاورزان اصفهان در یکی از شعارهای خود تحلیل ولی فقیه را کامل کرده اند.

روز چهارشنبه ۲۹ فروردین خامنه‌ای در دیدار وزیر و مسئولان و جمعی از کارکنان وزارت اطلاعات گفت: «ما در میانه یک میدان بزرگ جنگ قرار داریم که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی و طرف دیگر آن، جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان است.» خامنه‌ای هیچگاه در مورد «دشمن» آدرس درستی نداده است، اما کشاورزان اصفهان به کمک او آمده و اعلام کردند «دشمن ما همین جاست، الکی میگن آمریکاست.»

پیام قدردانی رضا شهابی و تبریک سال نو

رضا شهابی پس از رهایی از زندان از همه حمایت کنندگانی قدردانی کرد و سال جدید را تبریک گفت. متن پیام این کارگر مقاوم چنین است:

راندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته دفاع از رضا شهابی، کمپین دفاع از رضا شهابی، کارگران، دوستان، تشکلات کارگری، دانشجویان، بازنشستگان، زنان و مردان آزاده و نهادها و رسانه های حمایت کننده در ایران و جهان!

از طرف خودم و همسر ربابه رضایی و فرزندانم بابت تمام حمایتها، محبتها و پیگیریهای بی نظیر و مداومی که در طی این سالها در دفاع از من کرده اید، از همه شما عزیزان قدردانی می کنم و همچنین فرارسیدن بهار طبیعت و غلبه ی روز بر شب و فرارسیدن دوباره زاینده گی و حیات طبیعت را به همه شما شادباش می گویم. اگر از کمر خمیده شده ام و به سختی نشست و برخاست می کنم، اگر از ناحیه گردن دچار آسیب شده ام و به توصیه پزشکان باید به زودی تحت عمل جراحی قرار گیرم، اما محبت و پشتگرمی شما عزیزان همیشه مرا دلگرم کرده و می کند. اگر دچار مشکل افزایش فشار خون شده و هر چند روز یکبار به ناگهان به صورت اضطراری به ضرب قرص از عواقب جان گیر این مشکل جانکاه نجات پیدا می کنم و دیگر نمی توانم تنها باشم و باید همواره فردی در کنارم باشد که مبادا ناگهان در تنهایی جانم به خطر بیافتد اما یاد شما عزیزان مرا امیدوار به زندگی و حرکت می کند، اگر کلیه و مثانه و قلبم دچار آسیب جدی شده و لب و صورتم در اثر فلج بلز به کجی دچار شده به نحوی که تمام لحظات زندگیم را با سختی و دشواری بسیار زیاد آغشته کرده است اما مهر و حمایت شما عزیزان مرا به زندگی سوق می دهد؛ اگر چه از کار اخراج شده ام اما دنیای بزرگی که آکنده از پشتگرمی به شما دوستان گرانقدرم است مرا به فرداهای روشن تر و بهتر امیدوار می کند. اگرچه در این سالهای زجرآور حبس و اعتصاب و بیماری همواره با سخت ترین شرایط دست و پنجه نرم کرده و حتی ماههای زیادی اضافه بر مدت حبسم در زندان محبوس نگه داشته شده ام، اما همیشه حجم حمایتهای شما برای من نیرویی پیش برنده بوده است. آنچه از تلاش و مقاومت و ادامه حبس و فشار با حفظ تمام و کمال پرنسیپها و شرافت کارگری و طبقاتی توسط من ادامه یافته است بدون دلگرمی و حمایت شما ممکن نمی بود. همکاران و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته دفاع از رضا شهابی کمپین دفاع از رضا شهابی، دوستان، معلمان دانشجویان، زنان و مردان، بازنشستگان و تشکلهای کارگری در ایران و جهان و همه نهادها و رسانه هایی که از بنده به عنوان نماینده کارگری، فعال کارگری و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دفاع کرده اید، بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی خودم را از تمامی شما عزیزان اعلام می کنم، دست شما عزیزان را به گرمی می فشارم و امیدوارم که در سال جدید خورشیدی با تلاش و اتحاد هر چه بیشتر در راه کسب خواسته همامان برای آزادی و برابری، بیش از پیش موفق و مستحکم تر باشیم. با نهایت احترام و تشکر از همه شما در هر کجای جهان که هستید و با آرزوی آزادی هر چه سریعتر زندانیان کارگر، معلم، دانشجو و دیگر زندانیان صنفی و سیاسی.

رضا شهابی

کارگر اخراجی

عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

یکم فروردین ۱۳۹۷

شهدای فدایی در اردیبهشت ماه



فدایی شهید فریده غروی

رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا و احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی، ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری (تلخستانی)، قربانعلی رزگار، جهانگیر باقرپور، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله خسروشاهی برادران، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، فریده غروی، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علیرضا باصری، نسرین پنجه شاهی، هوشنگ اعظمی لرستانی، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، مسعود دانیالی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی، غلامحسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، ناصر بهرامی، رویا علی پناه فرد، کوروش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی، کریم تیمور زاده، منصور جابری، نبی جدیدی، وجیه الله چشم فروز، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ حنیفی، علی کرم داودی، محمد راکعی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کبرا حیدریان، مهدی حاتمی، مسعود دانیالی، فرشته گل انبریان و....

از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سپاهکل در کُنن - آلمان،
 - ۲-چهلمین سالگرد حماسه سپاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سپاهکل

درهمبستگی، چهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت پیرهاشمی و هرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر، سخنرانان

رنبا، هنری ترانه سرودهای یادماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 379 / 21 Avril 2018

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org